



کارگران و زحمتکشان متحد شوید

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

ملی کردن صنایع، بدون قطع کامل وابستگی به امپریالیسم غیرممکن است

کارگران و عارت منابع ایران بود، به خارج فرستادند و عده‌ای از آنها خود نیز متواری شدند.

آچه داشتند به خارج منقل کردند. سیاست های دولت و بانکهای وابسته این کار را آسان کرده بود.

از سال ۱۳۵۵ که اقتصاد ایران گرفتار بحران شد، روند صنایع وابسته ربه کندی گذاشت.

تئها مجلس مؤسسان منتخب شوراهای مردم حقانیت دارد نه مجلس "خبرگان"

در مورد مجلس مؤسسان و قانون اساسی هم، همان وضعی پیش آمده است که مانند گذشته تصمیم گیری درباره همه مسائل مهم مربوط به کشور و زندگی زحمتکشان و سرنوشت اقتصادی و سیاسی مردم معمول بوده است.

هنگامی که رژیم وابسته به امپریالیسم زیر ضربات جانانه خلق، و خصوصاً کارگران و زحمتکشان در هم فرو ریخت و برای نخستین بار موضوع رفراقت شد.

در سر نام حکومت نیست. مهم این است که در قانون اساسی ناچه اندازه حقوقی کارگران و زحمتکشان، که سهم اصلی را در سرنوشت کردن رژیم شاه به عهده داشتند، شناخته شود.

رفقا و هموطنان مبارز با کمک های مالی خود به بسپرد فعالیت های انقلابی سازمان چریک های فدائی خلق ایران باری رسانید.

امور مالی سازمان

۲۳ تیر سالروز شهادت نفتگران مبارز گرامی باد

در شرایط کنونی کارگران انسانیت خود را تنها از راه کینه ورزیدن و شوریدن علیه بورژوازی می توانند نجات دهد

مبارزات کارگران صنایع نفت یکی از درخشانترین صفحات جنبش کارگری ایران است.

مهمترین راه تشکل توده ها و جلوگیری از انحراف و توقف مبارزات مردم

تقویت و تحکیم شوراهاست پنج ماه از قیام شکوهمند پهن ماه می گذرد. توده های تحت ستم مهن ما که با ایمان به دگرگونی شرایط زندگی خویش به پا خاستند و با قیام مسلحانه در رژیم شاه راسرنگون کردند و همچنان در

سرتیپ فلاحي (فرمانده نیروی زمینی) باید محاکمه و مجازات شود صاحب ۲۸ مرداد دیگری ناسد و بیگانه رهبرانی که در مقابل انقلاب و مردم احساس مسئولیت دارند.

سرتیپ ولی فلاحي در حمله سرتیپی اش را به دوازده شهروند خونین ۵۷ گرفته است. او از سرمایه دارانی است که در کشتار مردم شیراز دست داشت.

Table with 2 columns: در این شماره: (In this issue) and list of articles with page numbers.

آنان که از شوراهای واقعی ارتش می ترسند در واقع از قدرت توده ها می ترسند

شوراهایی که مردم در جریان مبارزات دلاورانه خود، پدید آورده اند - اینک به صورت نهادهایی درآمده که در بیشتر امربارزات ضد سرمایه داری وابسته و صدامبرالیستی خلفهای ایران نقش موثری بازی می کنند.

ولی مردم که اهمیت و نقش شوراهای اردک کرده اند، تاکنون در اکثر نقاط ایران با قدرت از شوراهای دفاع کرده اند. و هرچند که نگاه دولت با استفاده از عناصر ناآگاه بعضی از شوراهای از ماهیت واقعی خود تهی کرده است.

قانون جرائم ضد انقلاب توطئه آشکار علیه زحمتکشان

دستاره قبل بخشهایی از قانون ضد مردمی - دادگاههای فوق العاده برای جرائم " ضد انقلاب " را رسدگی به جرائم " ضد انقلاب " را بررسی کردیم.

گروهی از پاسداران: خلع سلاح، خیانت به انقلاب است

اعلام خلع سلاح که تا بحال در چند شهر صورت گرفته است موجب نگرانی شدید مردم و پاسداران محلی شد و اعتراضاتی هم در این زمینه صورت گرفته است.

پیش به سوی تشکیل حزب طبقه کارگر

### تنها مجلس مؤسسان...

بقیه از صفحه ۱

زمانی که مجلس مؤسسان تشکیل نشود و قانون اساسی را تهیه و منتشر کنند. حالا آن زمان فرا رسیده است، و همه ناگهان خیر میشوند که مجلس مؤسسان تشکیل نخواهد شد.

می گویند تهیه قانون اساسی یک کار حوصله است و نمی توان آن را سه دست هر کسی سپرد و نتیجه می گیرند که بهتر است به حای مجلس مؤسسان مجلس "حیرگان" تشکیل شود. می گویند تشکیل مجلس مؤسسان و بحث و گفتگوی نمایندگان مردم درباره ۱۵۵ ماده قانون اساسی ۴ سال به طول می کشد و یک کار مملکت را عطف می اندازد. این مطالب را، با سروصدا زیاد و با استفاده از ادب و بلور بیرون، سانه روز تسلیم می کنند تا نامرد سازند این تنها راه خدمت به "مستضعفین" است. و هر کسی غیر از این حرفی بزند، "فرصت طلب" و "ضد انقلابی" است. ببنیم در این گفته ها - بقدر صداقت وجود دارد و جقدر واقعا - حقوق مردم زحمتکش به حساب می آید:

۱- در زمان حکمرانی همه - حکومتیهای سد خلفی گذشته و مخصوصا در رژیم سابق که باقیام دلبرانه خلق سرنگون شد، همیشه وانمود کرده اند که یگانه در مملکت "کارهای مهمی" است که فقط از عهده "حیرگان" و "حکمگان" مخصوص برمی آید و در خدمت مردم زحمتکش نیست که در این کارها در حال کنند. با این ادعای دروغ همیشه مردم را از سرک در کارهایی که مستقیم کار روزندگان مربوط می شود، محروم کرده اند. امروز هم در مورد قانون اساسی همین ادعای دروغ را می شنیده اند. در صورتی که حجتی سپهر از خود کارگران وجود دارد دهقانان از رنج ها و محرومتهای آنان خبر ندارند و هیچ کس حقوق و منافع زحمتکش را بهتر از خود آنان نمی شناسد. همه می دانند که همیشه با دناهاها سفاک و حیانتکار، به کمک عوامل مرتجع و مزدور خود، توده ها را گمراه می کردند و آنان را در جنگل خرافات و افسانه های نوع به اسارت می کشیدند تا زحمتکش را باور کنند که "شاه سایه خدایست" و هر کاری که کند به صلاح "رعایا" خواهد بود و آنها نباید به کارهای مملکت کاری داشته باشند و فقط باید به "رهبر مملکت" اعتقاد داشته باشند و از او اطاعت کنند. کینه اطاعت از او اطاعت از خدایست" اما امروز که بالاخره زحمتکشان رژیم سلطنتی راه گور سپرده اند اما بازم باید کارها طوری باشد که مردم رنج دیده و محروم همچنان در سبزی جبری باقی بمانند؟

به نظر ما همه کارها از امور داخلی کارخانه و ده گرفته تا همه مسائل سیاسی و اجتماعی مملکت، باید با شرکت فعال کارگران و زحمتکشان سپرده در حجت و گفتگو تصمیم گیری شود و مردم اقتصاد و اجتماعی و سیاسی به ترس بی دراسته خود که نتوانند مانند اهرم سپروندی به ارتقا سطح آگاهی اجتماعی و سیاسی زحمتکش کمک کنند. به موضوع مجلس مؤسسان "مجلس "حیرگان" نیز باید از همین زاویه نگاه کرد. این حق کارگران و زحمتکشان است که در جریان تهیه قانون اساسی، انتخاب نمایندگان مجلس مؤسسان و تصویب قانون اساسی همه چیز می برد و در معرض دید مردم قرار گیرد و همه سرواها سازمانهای اجتماعی و سیاسی فرصت داده شود تا در جریان بحث و انتقاد آزاد این جریان را به اهرمی نیرومند برای بالا بردن سطح آگاهی سیاسی و اجتماعی مردم، مخصوص کارگران و دهقانان بدل کنند. تا آنان فرصت مطالعه، عقابیه بررسی نظرها را به دست آورند، و نسبت به محتوای قانون اساسی هر چه ممکن است آگاهی بیشتری به دست آورند و هنگامی که قانون اساسی رای دهند که در قضا بدانند این قانون جقدر حقوق اجتماعی و سیاسی آنان را در خود منعکس کرده است. در برخورد با موضوع مجلس مؤسسان و قانون اساسی و هر مسئله دیگر این مهمترین شرط است. معیار قضاوت درباره مراکز قدرت و نیز معیار صداقت گروهها و سازمانهای سیاسی، چنین است:

با "تخیل" آن رابرسی و تصویب کنند و بعد این قانون، یکجا و در دست بر فرارند گذاشته می شود. آشکارا دیده می شود که از آغاز نوشتن پیش نویس تا لحظه فرماندم، نه توده های مردم و نه نمایندگان انتخابی آنان نقشی در تهیه و تصویب آن ندارند. کار بر همان منوال همیشگی است و مثل همیشه کارگران، دهقانان و دیگر زحمتکشان به حساب نمی آیند و به بازی گرفته نمی شوند و همه - فوق آنان در تهیه مهمترین سند رسمی مربوط به سر نوشت توده ها، به بهانه "کمی وقت" و "معتل ماندن کارها" نادیده گرفته می شود.

کسانی که چنین روایی را در پیش گرفته اند، از مردم، و بخصوص از زحمتکشان می ترسند و آسانترین و بی درد سرترین راه را در این دیدند که همه کارها را به پنهانی، بروی پلاکاردهای راهپیمایی - عملیات زبر به چشم می خورد: مردم مبارز گیلان در شرایط کنونی، ما معتقدیم خلق سلاح مردم به نفع ارتجاع و امپریالیسم خواهد بود. "تصفیه کمیته ها آری، خلق سلاح نه." "خلق سلاح خیانت به انقلاب است." و شعارهای از قبیل: "انقلاب پیروز است، توطئه ناپود است." "باسدار محلی، حافظ شهرت است." "باسدار اعزامی اخراج باید گردد"

۳- قانون اساسی مهمترین سند اجتماعی، اقتصادی و سیاسی کشور است و باید حقوق کارگران و زحمتکشان سپرده در آن، بدون ابهام و شرط و شروط، به رسمیت شناخته شود. بنظر ما درست تر این است که پیش نویس قانون اساسی ابتدا در روزنامه ها - جلیات و کنفرانس های وسیع مردم به بحث و انتقاد عمومی گذاشته شود و سپس در مجلس مؤسسان، که از نمایندگان مردم تشکیل می شود، مورد بررسی قرار گیرد و تکمیل گردد. اما مجلس مؤسسان وقتی می تواند به سنگر دفاع از حقوق زحمتکشان، تبدیل شود که حریبان انتخاب نمایندگان آن همه مردم را به بحث و گفتگو درباره این قانون بکشاند، یعنی اینکه همه سازمانهای اجتماعی و سیاسی و همه کاندیدهای انتخابات مجلس مؤسسان بتوانند برنامه خود را آزادانه منتشر کنند و در همه جا، در کارخانه و دانشگاه و روستا به دفاع از برنامه های خود بپردازند و مردم نه به شوی بلکه به برنامه او بازمه اساسی اوری بدهند. به این ترتیب انتخابات مجلس مؤسسان می تواند به صورت اهرمی درجهت مشارکت کارگران و زحمتکشان بدل شود و سطح آگاهی آنان را بالا ببرد. با این کار دیگر نگرانی درباره ترس از "حیرگان" غیرمخصص، نه مجلس مؤسسان پیش نخواهد آمد. زیرا کاندیدها قبلا برنامه خود را طرح کرده اند و توده های مردم فرصت مقابله و بررسی این برنامه را داشته اند. اگر مجلس مؤسسان به این ترتیب تشکیل شود و به عنوان مجلس نمایندگان واقعی خلق، و با حق تصمیم گیری به بحث و گفتگو درباره این قانون بپردازد و این گفتگوها بطور علنی و بی پرده در معرض دید مردم صورت گیرد، اما همه آنها احتیاج به آزادی دارند و آزادی برای کارگران و زحمتکشان تنها یک معنی دارد و آن حق مشارکت آنان در محیط کار، محیط زندگی و امور اجتماعی و سیاسی است. آشکارا است که دستاوردهای جنبش خلق را با یکسان می کنند نمی توانند چنین آزادی را برای مردم تأمین کنند. آنها روز بروز بیشتر در جهت احتیاج کارگران حرکت می کنند و هر روز حربه های جدیدی علیه نیروهای انقلابی بازی می کنند. آنها خود را تقسیم مردم می دانند و تحمل کوچکترین اظهار نظری از جانب زحمتکشان و سازمانهای انقلابی را ندارند. به همین جهت اعلام کرده اند که هر کس کلمه ای درباره لزوم مجلس مؤسسان حرف بزند "ضد انقلابی" است. به این ترتیب کارگران و زحمتکشان با چشم بازی بینند که کسانی که "در حرف" خود را طرفدار "مستضعفین" می خوانند "در عمل" چگونه بر ضد منافع آنان حرکت می کنند.

### گروهی از پاسداران:

### خلق سلاح...

بقیه از صفحه ۱

بلاخ کردند. به بال این برخورد با پاسداران محلی در تصمیم گیری مشترک جلسه ای در تاریخ ۲ تیر ماه ۵۸ در مسجد بیستون تشکیل دادند. در این جلسه اولین سوالی که مطرح شد این بود که چرا تصمیم بر این شده که پاسداران محلی خلق سلاح شود در حالی که قبلا هدف تصفیه کمیته ها از عناصر مشکوک و بسته به رژیم قبلی و افراد ناسالم بود، نه بیرون راندن عناصر انقلابی و مبارز.

در این جلسه، پاسداران اعلام کردند که هرگونه تغییر و تبدیلی در کمیته ها باید نامشورت مردم صورت بگیرد. زیرا آنها و پاسداران محلی صلاحیت بیشتری دارند.

بدین مناسبت در تاریخ ۴ تیر ماه ۵۸ پاسداران محلی دست بر اهیمایی می زنند. بروی پلاکاردهای راهپیمایی - عملیات زبر به چشم می خورد:

مردم مبارز گیلان در شرایط کنونی، ما معتقدیم خلق سلاح مردم به نفع ارتجاع و امپریالیسم خواهد بود. "تصفیه کمیته ها آری، خلق سلاح نه." "خلق سلاح خیانت به انقلاب است." و شعارهای از قبیل: "انقلاب پیروز است، توطئه ناپود است." "باسدار محلی، حافظ شهرت است." "باسدار اعزامی اخراج باید گردد"

### باز هم درباره قانون دادگاههای...

بقیه از صفحه ۱

نشود به حبس جنائی درجه دوازده تا ۱۵ سال محکوم می شود. دقت روی مفاد این ماده، ابعاد سلب آزادی بیان و عقیده و شدت اعمال فشار را نشان می دهد. در اینجا سخن از "تحریک بعثت" و "عدم اجرای وظایف نظامی" به میان آمده است.

هدف از گنجاندن این جملات چند پهلوی معلوم است. یعنی اگر فردا در کردستان یا هر نقطه دیگر دولت برای سرکوبی خلق کرد با خلقهای دیگری قوای نظامی اعزام کند و یا برای سرکوب اعتصاب کارگران فلان کارخانه یا تحصن کارگران بیکار، نیروی نظامی اعم از ارتش شهرپایان و زاندارمری اعزام کند و اگر در این شرایط کسانتی نسبت به این اعمال ضد خلقی دولت اعتراض کرده و از سرسازان و افسران شریف مردم دوست خواهند که برادر کشی نکنند، به عنوان "محرک" به عدم اجرای وظایف نظامی "متهم شده" و مجازات آن ۱۵ سال زندان خواهد بود. و با اکنون که دولت با شدت و سرعت هر چه بیشتر دست به کار بازسازی همان ارتش دوران گذشته زده و از فرماندهان ضد خلقی سابق که دشمنی شان با مردم به اثبات رسیده استفاده می کنند، اگر کسی یا نیرویی به افشاکری این وضع پرداخته و از نظامیان بخواد که به این اقدامات اعتراض کنند، این عمل به استناد این قانون کذافی "تحریک و عصیان" تلقی شده و مرتکب به ۱۵ سال زندان محکوم خواهد شد.

گنجاندن چنین موادی تحت عنوان جرائم "ضد انقلاب" به بهانه "استقرار حاکمیت ملی و نگهداری از دستاوردهای انقلاب اسلامی ایران" استکاران نشان می دهد که چگونه می خواهند به نام "ضد انقلاب" و "ضد انقلاب" برچسب "ضد انقلاب" بر زبانها آریسد و قلمهاری اشکسته و هر نوع اعتراض دموکراتیک توسط کارگران، زحمتکشان، خلقها، نظامیان سپهر پرست و تمام مردم ایران را از بین برده و بدینسان تمام دستاوردها و ثمرات انقلاب خلقهای ایران را نابود کنند. اما نحوه رسیدگی و دادرسی "جرائم" فوق هم دست کمی از نحوه رسیدگی در رژیم سابق ندارد.

به موجب این قانون: - متهم و تشو وکیل مدافع او حداکثر سه روز فرصت دفاع را دارند. - متهم فقط می تواند یک وکیل انتخاب کند (با به صورت تسخیری

### ایلام:

ایلام خلع سلاح عمومی از جانب استانداری ایلام در تاریخ ۱۷ خرداد ماه ۵۸ که با دادن یک مهلت ۱۵ روزه برای تحویل سلاحها انجام گرفت، نگرانی زیادی بین مردمی که هر آن در معرض حمله و تجاوز فئودالها و عوامل رژیم پیشین هستند به وجود آورد. بطوری که روز بعد از آن عده ای از عشایر و مردم ایلام در خیابانهای راهپیمایی اعتراضی پرداختند و علیه خلق سلاح شعار دادند. چند روز بعد در یکی از شب ها که با ساکهای مرزی ایلام مورد تجاوز عوامل

### باز هم درباره قانون دادگاههای...

نشود به حبس جنائی درجه دوازده تا ۱۵ سال محکوم می شود. دقت روی مفاد این ماده، ابعاد سلب آزادی بیان و عقیده و شدت اعمال فشار را نشان می دهد. در اینجا سخن از "تحریک بعثت" و "عدم اجرای وظایف نظامی" به میان آمده است.

هدف از گنجاندن این جملات چند پهلوی معلوم است. یعنی اگر فردا در کردستان یا هر نقطه دیگر دولت برای سرکوبی خلق کرد با خلقهای دیگری قوای نظامی اعزام کند و یا برای سرکوب اعتصاب کارگران فلان کارخانه یا تحصن کارگران بیکار، نیروی نظامی اعم از ارتش شهرپایان و زاندارمری اعزام کند و اگر در این شرایط کسانتی نسبت به این اعمال ضد خلقی دولت اعتراض کرده و از سرسازان و افسران شریف مردم دوست خواهند که برادر کشی نکنند، به عنوان "محرک" به عدم اجرای وظایف نظامی "متهم شده" و مجازات آن ۱۵ سال زندان خواهد بود. و با اکنون که دولت با شدت و سرعت هر چه بیشتر دست به کار بازسازی همان ارتش دوران گذشته زده و از فرماندهان ضد خلقی سابق که دشمنی شان با مردم به اثبات رسیده استفاده می کنند، اگر کسی یا نیرویی به افشاکری این وضع پرداخته و از نظامیان بخواد که به این اقدامات اعتراض کنند، این عمل به استناد این قانون کذافی "تحریک و عصیان" تلقی شده و مرتکب به ۱۵ سال زندان محکوم خواهد شد.

گنجاندن چنین موادی تحت عنوان جرائم "ضد انقلاب" به بهانه "استقرار حاکمیت ملی و نگهداری از دستاوردهای انقلاب اسلامی ایران" استکاران نشان می دهد که چگونه می خواهند به نام "ضد انقلاب" و "ضد انقلاب" برچسب "ضد انقلاب" بر زبانها آریسد و قلمهاری اشکسته و هر نوع اعتراض دموکراتیک توسط کارگران، زحمتکشان، خلقها، نظامیان سپهر پرست و تمام مردم ایران را از بین برده و بدینسان تمام دستاوردها و ثمرات انقلاب خلقهای ایران را نابود کنند. اما نحوه رسیدگی و دادرسی "جرائم" فوق هم دست کمی از نحوه رسیدگی در رژیم سابق ندارد.

به موجب این قانون: - متهم و تشو وکیل مدافع او حداکثر سه روز فرصت دفاع را دارند. - متهم فقط می تواند یک وکیل انتخاب کند (با به صورت تسخیری

### فقط با قطع کامل وابستگی به امپریالیسم است که میتوان صنایع، بانکها و شرکتها را ملی کرد

# اتحاد را از کارگران کارتین البرزیاموزیم

آنچه در زیر آید پیشگویی از اعلامیه‌ای است که توسط "کارگران پیشرو فزونی" در تاریخ ۱۵ خرداد مایه‌پوشان شده است. مبارزه رفقای کارگر همچنان ادامه دارد. با آنکه تاکنون توانسته‌اند باره‌ای از خواسته‌هایشان را از کارفرما بگیرند، مانند پانصد تومان اضافه حقوق از اول فروردین ماه و جلوگیری از ورود رئیس امور مالی و اغلب مدیران قسمها.

کارخانه کارتین البرزی واقع در شهر صنعتی حدود ۳۰۰ کارگر دارد. این کارخانه با سرمایه‌های معادل سی صد میلیون و پانصد هزار ریال (۳۱۵۰۰۰۰۰ ریال) به تولید کارتین مشغول است. سهامداران عمده این کارخانه حاجی-برخوردار کارخانه دار معروف و بانک - و سه صنعتی هستند. لازم به تذکر است که این کارخانه در حال حاضر مدیر عامل و رئیس کارخانه تدارک و معاون مدیر عامل (موبد تهرانی) که او نیز از سهامداران کارخانه است به عنوان نماینده کارفرما و عنصر صدکارگر و مرتجع همسر در برابر خواسته‌های برخی کارگران اسادگی کرده است.

پس از تمام کارگران کارخانه برای دفاع از منافع خود و داشتن اتحاد بیشتر و همجوشی برای در دست گرفتن کنترل کارخانه با انتخاب ۷ نفر نماینده اقدام به تشکیل شوراکردند که به نفع آنان که از کارمندان کارخانه بودند به عنوان محافظه کار بودن عملاً در تصمیمات شوراکار فرما ماری گرفتند. شوراکردنی پس اضافه دستمزد را که خواست مهم کارگران است مطرح ساخت (حدود ۶۰ درصد کارگران ۹۰۰ الی ۱۲۰۰ تومان دستمزد می‌گرفتند که به هیچ وجه پاسخگوی نیازهای مادی کارگران نیست. حداقل بر سه زندگی طبق بر آورد حدود کارگران کارخانه ۲۱۰۰ تومان است و کارگران روی این مبلغ به عنوان حداقل دستمزد بازاری می‌گردد. لازم به تذکر است که در انبورد کارگران بازاری تمام رفتار کرده‌اند و باید به همین ترتیب ادامه دهند. یعنی چون قیمت‌ها روز بروز بر می می‌کنند کارگران باید همواره خواست اضافه دستمزد را مطابق با رشد سطح هزینه زندگی مطرح کنند.)

کارگران در طی جلساتی که داشتند از موبد تهرانی، معاون مدرعامل،

دفاع از منافع خود و داشتن اتحاد بیشتر و همجوشی برای در دست گرفتن کنترل کارخانه با انتخاب ۷ نفر نماینده اقدام به تشکیل شوراکردند که به نفع آنان که از کارمندان کارخانه بودند به عنوان محافظه کار بودن عملاً در تصمیمات شوراکار فرما ماری گرفتند. شوراکردنی پس اضافه دستمزد را که خواست مهم کارگران است مطرح ساخت (حدود ۶۰ درصد کارگران ۹۰۰ الی ۱۲۰۰ تومان دستمزد می‌گرفتند که به هیچ وجه پاسخگوی نیازهای مادی کارگران نیست. حداقل بر سه زندگی طبق بر آورد حدود کارگران کارخانه ۲۱۰۰ تومان است و کارگران روی این مبلغ به عنوان حداقل دستمزد بازاری می‌گردد. لازم به تذکر است که در انبورد کارگران بازاری تمام رفتار کرده‌اند و باید به همین ترتیب ادامه دهند. یعنی چون قیمت‌ها روز بروز بر می می‌کنند کارگران باید همواره خواست اضافه دستمزد را مطابق با رشد سطح هزینه زندگی مطرح کنند.)

کارگران در طی جلساتی که داشتند از موبد تهرانی، معاون مدرعامل،

دفاع از منافع خود و داشتن اتحاد بیشتر و همجوشی برای در دست گرفتن کنترل کارخانه با انتخاب ۷ نفر نماینده اقدام به تشکیل شوراکردند که به نفع آنان که از کارمندان کارخانه بودند به عنوان محافظه کار بودن عملاً در تصمیمات شوراکار فرما ماری گرفتند. شوراکردنی پس اضافه دستمزد را که خواست مهم کارگران است مطرح ساخت (حدود ۶۰ درصد کارگران ۹۰۰ الی ۱۲۰۰ تومان دستمزد می‌گرفتند که به هیچ وجه پاسخگوی نیازهای مادی کارگران نیست. حداقل بر سه زندگی طبق بر آورد حدود کارگران کارخانه ۲۱۰۰ تومان است و کارگران روی این مبلغ به عنوان حداقل دستمزد بازاری می‌گردد. لازم به تذکر است که در انبورد کارگران بازاری تمام رفتار کرده‌اند و باید به همین ترتیب ادامه دهند. یعنی چون قیمت‌ها روز بروز بر می می‌کنند کارگران باید همواره خواست اضافه دستمزد را مطابق با رشد سطح هزینه زندگی مطرح کنند.)

کارگران در طی جلساتی که داشتند از موبد تهرانی، معاون مدرعامل،

دفاع از منافع خود و داشتن اتحاد بیشتر و همجوشی برای در دست گرفتن کنترل کارخانه با انتخاب ۷ نفر نماینده اقدام به تشکیل شوراکردند که به نفع آنان که از کارمندان کارخانه بودند به عنوان محافظه کار بودن عملاً در تصمیمات شوراکار فرما ماری گرفتند. شوراکردنی پس اضافه دستمزد را که خواست مهم کارگران است مطرح ساخت (حدود ۶۰ درصد کارگران ۹۰۰ الی ۱۲۰۰ تومان دستمزد می‌گرفتند که به هیچ وجه پاسخگوی نیازهای مادی کارگران نیست. حداقل بر سه زندگی طبق بر آورد حدود کارگران کارخانه ۲۱۰۰ تومان است و کارگران روی این مبلغ به عنوان حداقل دستمزد بازاری می‌گردد. لازم به تذکر است که در انبورد کارگران بازاری تمام رفتار کرده‌اند و باید به همین ترتیب ادامه دهند. یعنی چون قیمت‌ها روز بروز بر می می‌کنند کارگران باید همواره خواست اضافه دستمزد را مطابق با رشد سطح هزینه زندگی مطرح کنند.)

کارگران در طی جلساتی که داشتند از موبد تهرانی، معاون مدرعامل،

دفاع از منافع خود و داشتن اتحاد بیشتر و همجوشی برای در دست گرفتن کنترل کارخانه با انتخاب ۷ نفر نماینده اقدام به تشکیل شوراکردند که به نفع آنان که از کارمندان کارخانه بودند به عنوان محافظه کار بودن عملاً در تصمیمات شوراکار فرما ماری گرفتند. شوراکردنی پس اضافه دستمزد را که خواست مهم کارگران است مطرح ساخت (حدود ۶۰ درصد کارگران ۹۰۰ الی ۱۲۰۰ تومان دستمزد می‌گرفتند که به هیچ وجه پاسخگوی نیازهای مادی کارگران نیست. حداقل بر سه زندگی طبق بر آورد حدود کارگران کارخانه ۲۱۰۰ تومان است و کارگران روی این مبلغ به عنوان حداقل دستمزد بازاری می‌گردد. لازم به تذکر است که در انبورد کارگران بازاری تمام رفتار کرده‌اند و باید به همین ترتیب ادامه دهند. یعنی چون قیمت‌ها روز بروز بر می می‌کنند کارگران باید همواره خواست اضافه دستمزد را مطابق با رشد سطح هزینه زندگی مطرح کنند.)

کارگران در طی جلساتی که داشتند از موبد تهرانی، معاون مدرعامل،

دفاع از منافع خود و داشتن اتحاد بیشتر و همجوشی برای در دست گرفتن کنترل کارخانه با انتخاب ۷ نفر نماینده اقدام به تشکیل شوراکردند که به نفع آنان که از کارمندان کارخانه بودند به عنوان محافظه کار بودن عملاً در تصمیمات شوراکار فرما ماری گرفتند. شوراکردنی پس اضافه دستمزد را که خواست مهم کارگران است مطرح ساخت (حدود ۶۰ درصد کارگران ۹۰۰ الی ۱۲۰۰ تومان دستمزد می‌گرفتند که به هیچ وجه پاسخگوی نیازهای مادی کارگران نیست. حداقل بر سه زندگی طبق بر آورد حدود کارگران کارخانه ۲۱۰۰ تومان است و کارگران روی این مبلغ به عنوان حداقل دستمزد بازاری می‌گردد. لازم به تذکر است که در انبورد کارگران بازاری تمام رفتار کرده‌اند و باید به همین ترتیب ادامه دهند. یعنی چون قیمت‌ها روز بروز بر می می‌کنند کارگران باید همواره خواست اضافه دستمزد را مطابق با رشد سطح هزینه زندگی مطرح کنند.)

کارگران در طی جلساتی که داشتند از موبد تهرانی، معاون مدرعامل،

دفاع از منافع خود و داشتن اتحاد بیشتر و همجوشی برای در دست گرفتن کنترل کارخانه با انتخاب ۷ نفر نماینده اقدام به تشکیل شوراکردند که به نفع آنان که از کارمندان کارخانه بودند به عنوان محافظه کار بودن عملاً در تصمیمات شوراکار فرما ماری گرفتند. شوراکردنی پس اضافه دستمزد را که خواست مهم کارگران است مطرح ساخت (حدود ۶۰ درصد کارگران ۹۰۰ الی ۱۲۰۰ تومان دستمزد می‌گرفتند که به هیچ وجه پاسخگوی نیازهای مادی کارگران نیست. حداقل بر سه زندگی طبق بر آورد حدود کارگران کارخانه ۲۱۰۰ تومان است و کارگران روی این مبلغ به عنوان حداقل دستمزد بازاری می‌گردد. لازم به تذکر است که در انبورد کارگران بازاری تمام رفتار کرده‌اند و باید به همین ترتیب ادامه دهند. یعنی چون قیمت‌ها روز بروز بر می می‌کنند کارگران باید همواره خواست اضافه دستمزد را مطابق با رشد سطح هزینه زندگی مطرح کنند.)

کارگران در طی جلساتی که داشتند از موبد تهرانی، معاون مدرعامل،

دفاع از منافع خود و داشتن اتحاد بیشتر و همجوشی برای در دست گرفتن کنترل کارخانه با انتخاب ۷ نفر نماینده اقدام به تشکیل شوراکردند که به نفع آنان که از کارمندان کارخانه بودند به عنوان محافظه کار بودن عملاً در تصمیمات شوراکار فرما ماری گرفتند. شوراکردنی پس اضافه دستمزد را که خواست مهم کارگران است مطرح ساخت (حدود ۶۰ درصد کارگران ۹۰۰ الی ۱۲۰۰ تومان دستمزد می‌گرفتند که به هیچ وجه پاسخگوی نیازهای مادی کارگران نیست. حداقل بر سه زندگی طبق بر آورد حدود کارگران کارخانه ۲۱۰۰ تومان است و کارگران روی این مبلغ به عنوان حداقل دستمزد بازاری می‌گردد. لازم به تذکر است که در انبورد کارگران بازاری تمام رفتار کرده‌اند و باید به همین ترتیب ادامه دهند. یعنی چون قیمت‌ها روز بروز بر می می‌کنند کارگران باید همواره خواست اضافه دستمزد را مطابق با رشد سطح هزینه زندگی مطرح کنند.)

## اخبار کوتاه کارگری

رشت - کارگران کارخانه "می کو" شهر صنعتی رشت، به علت پرداختن حقوقشان از طرف کارفرما از تاریخ یازدهم ترمه دست به اعتصاب زدند. کارگران تاخیر در پرداخت حقوق را عاملی برای جلوگیری از خواسته‌های دیگر خود می‌دانند و این توطئه مبارزه می‌کنند.

سندرج - کارگران کارخانه بوشاک در تاریخ ششم تیرماه برای جلوگیری از سوء استفاده و نظارت بر تولید اعتصاب کرده بودند. اعلام داشتند با تشکیل شورای کارگری مراحل تولید را زیر نظر خواهند گرفت و حقوق خود را افزایش خواهند داد. سهامدار عمده کارخانه اشرف پهلوی بوده و بیشتر کارگران کهزن هستند. بین ۴ تا ۵ تومان حقوق می‌گیرند.

آمل - کارگران شهرداری آمل که برای دریافت مطالبات گذشته ۳۵ درصد اضافه کاری از ۲۷ تا ۳۰ خرداد اعتصاب کرده بودند، خواستار برکناری شهردار آمل شدند. کارگران روش صدکارگری شهردار و حمایت وی از او استنکاز رژیم گذشته را محکوم کردند.

قصر شیرین - کارگران زمینکس شهرداری قصر شیرین که در قرارداد با دست به اعتصاب زدند برای تشکیل سندیکای کارگران شهرداری تلاش می‌کنند. تشکیل این سندیکای می‌تواند ضعف کارگران را منسوخ کند و حداقل حقوق این زمینکشان را تامین نماید.

بوشهر - کارگران کارخانه سنگی و بافندگی بوشهر که برای دست آوردن حقوق صنفی و اجتماعی خود با کارفرما و عوامل او در اداره کار مبارزه می‌کنند. به پدیده اجحاف دسته جمعی شده‌اند. تاکنون چهار تا کارگر سرباز کارخانه اجحاف شده‌اند. کارگران تا رسیدن به خواسته‌های خود باصوف و همهمه فسرده به مبارزه ادامه می‌دهند. آنها خواستار بازگشت کارگران اجحافی و تحقق خواسته‌هایشان هستند.

تبریز - کارگران سکار تبریز که برای "دراختیار گرفتن مرکز آموزش حرفه‌ای" و آموزش دادن به کارگران از چند هفته گذشته با اسنادار و مسئولان دولتی مذاکره کرده و عملاً نتیجه‌ای نگرفتند، همچنان به تلاش در راه این خواسته ادامه می‌دهند. کارگران قبلاً در اداره کار متحصن شده بودند.

بوکان - کارگران موزاشک سازی آرمان که در برابر ۱۱ ساعت کار ۵۰ تومان دستمزد می‌گیرند برای کاهش ساعت کار روزانه و افزایش دستمزد اضافه شدن تعداد کارگران و بستن قرارداد درسی با کارفرما دست به اعتصاب زدند. این کارگران تا رسیدن به خواسته‌هایشان مبارزه ادامه می‌دهند.

رشت - کارگران کارخانه کالباس سازی برای اجحاف مدیر کارخانه و رسیدگی به خواسته‌های برخی کارگران دست به اعتصاب و تحصن شان روزی در محل کارخانه زدند. همچنین کارگران کارخانه مدینا رشت و پارسون نیز برای رسیدگی به خواسته‌هایشان در اعتصاب هستند. کارگران رزمنده رشت از اعتصابات کارخانجات رشت پشتیبانی می‌کنند.

اهواز - کارگران صنعت نفت در دهمین بنایبه خود که در رابطه با دستگیری ناجوانمردانه رهبران مبارز اعتصاب نفعگران منتشر کرده‌اند برای چندمین بار خواهان آزادی آنها شده‌اند. کارگران در این بنایبه خواهان دستگیری و تعقیب علان رسوای این ماجرای ضد انقلابی شده و موضع دولت را شدیداً محکوم کرده‌اند.

## مبارزات کارگران پلاستوما سوره کار علیه کارفرما و عوامل او در کمیته

یکی از کارگران مبارزه‌نور در زندان است. تهران - هفت تن از کارگران کارخانه پلاستوما سوره کار به دنسسال مبارزات حق طلبانه‌شان علیه کارفرما از کارخانه اجحاف شدند. کارگران این کارخانه - که از درآمد زیادی برخوردار است - پس از پیروزی قیام، خواهان افزایش حقوق و جلوگیری از اعمال صدکارگری کارفرما شدند. اما کارفرما مانند گذشته در برابر کارگران استنادگی کرد. کارگران به وزارت کار شکایت کردند. در پی این حرکت جمعی کارگران، کارفرما دونه‌فرز نمایندگان کارگران را تحت عنوان پاکسازی محیط، کارخانه اجحاف کرد. سپس یکی دیگر از کارگران به نام عبدالله برادی را با کمک عواملی کد در کمیته داشت به زندان انداخت.

کارگران تصمیم گرفتند کارخانه را به راه‌بندازند و تولید را مستقیماً بدست بگیرند. اما پس از مدت کوتاهی کارفرما با کمک یکی از موران کمیته چهار نفر دیگر

سندرج - کارگران موزاشک‌سازی و سنگ بری علی پناه به دنبال مطرح ساختن خواسته‌های خود با کارفرما (علی پناه) که منجر به عکس العمل کارفرما و تعطیل کارگاه شد از ۱۳ تیرماه ۵۸ در اداره کار سندرج متحصن شدند. نمایندگان کارگران اعلامیه‌ای در رابطه با خواست کارگران متحصن انتشار دادند. با انتشار این اعلامیه سایر کارگران کارگاههای موزاشک سازی شهر سندرج دست از کار کشیدند و به متحصنین پیوستند و خواستار اجرای کلیه موارد اعلامیه کارگران شدند. کارفرمایان هنوز پاسخی به خواست کارگران نداده‌اند.

تهران - بیش از صد تن از کارگران شرکت پارسونز جردن، پیمانکار شرکت مس سرچشمه به منظور بدست آوردن حقوق خود از روز پنجم تیرماه ۵۸ در دفتر شرکت متحصن شده‌اند.

شرکت پارسونز جردن متعلق به یک امریکائی به همین نام است. این شرکت حدود ۳۵۰ نفر کارگر دارد. بیشتر کارگران این شرکت کارگر فنی هستند و از شهرهای مختلف کرمان، رفسنجان، ایلام، اهواز، آبادان، رشت و ارومیه استخدام شده‌اند. کارگران ساده که در شرایط سخت و آب و هوای نامناسب

تهران - کارفرمای شرکت سهامی فاراتل تولید کننده ترانس‌های اتوماتیک نلغس و غیره با فرار رسیدن تا استان و مساله کمبود برق، برای سودجویی هر چه بیشتر تولید ترانس را افزایش داده است. طبعی است که با افزایش تولید روزانه شدت کاری افزایش یافته و به کارگران فشار بیشتری وارد می‌آید. در حالیکه دستمزد کارگران افزایش پیدا نکرده است از طرفی با تعطیل شدن مدارس، کارفرما بدهای دانش آموزان را بدستمزد ماهیانه ۷۵۰ تومان استخدام کرده است.

کارفرما که از درآمد هنگفتی برخوردار است در برابر خواست کارگران که در برابر افزایش کار حقوق بیشتری مطالبه می‌کنند استنادگی کرده و آنها را تهدید به اجحاف می‌کند. کارگران مبارز شرکت فاراتل اعلام کردند زیر بار استعمار کارفرما و روشهای "موزیانه" او نمی‌روند.

کرج - تعدادی از کارگران سازمان آب (تاسیسات سد کرج) که در ۴ دستگاه آپارتمان سازمان آب زندگی می‌کنند برای جلوگیری از بیرون کردن کارگران از آپارتمانها خواهان واگذاری آپارتمانها شدند. این کارگران قبلاً رئیس قسمت تاسیسات سد کرج را کد خانه داشت و در یکی از آپارتمانها زندگی می‌کرد بیرون کردند و آپارتمان را در اختیار یکی از کارگران گذاشتند.

## علیه کارفرما و عوامل او در کمیته

راهم اجحاف کرد. در حال حاضر کارخانه پلاستوما سوره کار که سازنده مسوره پلاستیکی برای کارخانه های ریسندگی بافندگی است، یکی از دو مجموعه سازنده این محصول در ایران است. باشش نفر کارگر کار می‌کند. و ماور کمیته هم بطور تمام وقت برای محافظت کارخانه در آنجا حضور دارد. کارگران خواهان آزادی همکار مبارزان و بازگشت سایر همکارانشان به کار هستند. کارگران همچنین خواستار نظارت بر تولید و تعقیب کارفرما به نام محمود هاشمی و عوامل او در کمیته هستند. محمود هاشمی با عوامل رژیم سابق در ارتباط بوده و در گذشته نیز بیشترین فشار را بر کارگران وارد می‌کرده است. وی حاضر نشده است حکم وزارت کار به تاریخ ۱۹ خرداد ماه ۵۸ در مورد پرداخت حقوق کارگران را اجرا کند. مرتشا مشغول توطئه چینی است.

## اعتصاب کارگران موزاشک‌سازی سندرج

کارگران در این اعلامیه خواستار اجرای موارد زیر از جانب کارفرما شده‌اند: ۱- هشت ساعت کار در روز و در صورت اضافه کاری باستی اضافه حقوق پرداخت شود. ۲- حداقل حقوق کارگر ساده روزانه ۶۰ تومان پرداخت شود و ویژه با نظارت کارگران. ۳- پرداخت حق مسکن، حق اولاد و حق خواربار و تامین وسایل ایمنی. ۴- کلیه کارگران باستی بیمه شوند و مرخصی سالیانه به بگما افزایش یابد.

## ۳۵۰۰ کارگر وابسته به مس سرچشمه را بیکار کردند

کار می‌کنند با ۱۰ ساعت کار حداکثر ۳۵ تومان حقوق می‌گیرند. این کارگران خواهان بازگشت به کار و با پرداخت حقوق گذشته و تسویه حساب هستند. عده زیادی از اس کارگران که در خدمت مس سرچشمه بوده‌اند قبلاً بطور غیرقانونی اجحاف شده‌اند و کارفرما فقط ۱۵ روز حقوق به آنها پرداخت کرده است. کارگران در حال حاضر مشغول مذاکره با نمایندگان شرکت مس سرچشمه هستند و قصد دارند تا بدست آوردن خواسته‌های خود به تحصن ادامه دهند.

## اجتماع کارگران پیمانی شرکت مخابرات

تهران - کارگران پیمانی شرکت مخابرات روز چهارشنبه ۱۳ تیرماه ۵۸ در محل سندیکای خود در حبابان دهکده اجتماع کردند. مهمترین خواست این کارگران رسمی شدن و برکناری مسئولانی است که سیاست صدکارگری دارند و با خواست برخی کارگران مخالفت می‌کنند. کارگران پس از این اجتماع موفق شدند بحل سندیکای کارگاه قبلاً در اختیار سندیکای آزمایشی بود در اختیار بگیرند. همچنین چهار تن از نمایندگان بطور تمام وقت در محل این سندیکای مسائل کارگران رسیدگی خواهند کرد. کارگران تصویب کرده‌اند روزهای پنجشنبه که کارمندان تعطیل هستند آنها را نیز تعطیل باشند.

سندرج - کارگران کارگاه میل - لنگ نرانی موتور کار سندرج از ورود کارفرما به کارگاه جلوگیری کردند. کارگران این کارگاه ۱۲ نفر هستند و برای مقابله با زورگویی کارفرما ابتدا با او مذاکره کردند اما کارفرما به خواسته‌های آنها بی توجهی کرد و تصمیم به کاهش حقوق گرفت. کارگران بعد از این عمل کارفرما را از ورود او به کارگاه جلوگیری کردند و خود به اداره امور کارگاه پرداختند.

# فعالیت خود را به سندیکا محدود نکنیم

# انقلاب نیما در شعر

(بقیه از شماره قبلی)

مناسفانه به علت طولانی بودن مطلب، بحث مادر باره خصوصیات شعر نیما در شماره قبل ناتمام ماند. ما در هفته گذشته درباره "رابطه مستقیم و نزدیک با واقعیت و بیان تصویری" در شعر نیما سخن گفتیم و اکنون با دو خصوصیت دیگر شعر او آشنا می شویم.

### وحدت و هماهنگی

یکی از خصوصیات برجسته شعر نیما، یادرواقع "شعر نیما" که همان "شعر نو" است، وحدت و هماهنگی آن است. این وحدت و هماهنگی را ما از چند جنبه مختلف در شعر نیما می بینیم. هم بین تفکر و تخیل، هم بین شکل و محتوی و هم بین اجزا و عناصر مختلف یک شعر. هر کدام از شعرهای نیما، یک واحد یکپارچه است. یک کلمه، یا یک مصراع از شعر او را نمی توان حذف کرد بی آنکه کل شعر لطمه بخورد. زیرا همه و همه آنها برای القای کل اندیشه و مفهوم شعر، ضروری است. در شعر او دیگر قافیه هائیتبیین کننده موضوع شعر نیست. اینجا، تفکر و بر خورد شاعر با اشیا و پدیده ها و رویدادها است که تعیین کننده است.

تخیل و تفکر در شعر نیما یک رابطه دیالکتیکی دارند. نیما به هر چه می اندیشد متخیلانه و شاعرانه می اندیشد. و در تخیل او نیز، در همه حال، اندیشه و گرایش فکری او متغیلا دخیالت دارد. در هر تصویر شعر نیما تفکر او حضور دارد. این رمز و راز آن هماهنگی و وحدت حیرت انگیز شعرهای او است.

در شعری به نام "آهنگر" می خوانیم  
درد درون تنگنا، با کوره اش، آهنگر فرزند  
دست او برینک  
و به فرمان عروفتش دست  
دانش را یاد او آینه است، و اینست فریاد تلاش او:

کی به دست من  
آهن من گرم خواهد شد  
و من اورانزم خواهم دید؟  
آهن سر سخت!

قد بر آور، باز شو، از هم دو تاشو،

### با خیال من یکی تر ز زندگانی کن

می بینیم که آهنگر در شعر نیما موجدی است بگسره "فرزت" و وضعی و ترجم انگیز و نه بر عکس موجودی است با نیروی توان غیر عادی و غیر واقعیتی مانند پهلوانان اسفانه ای. شما از دور به "آهنگر" خود نگاه نمی کنید، تا در عالم خیال از او موجودی غیر واقعی، موجودی تنها در سطح بدون عمق، بسازد.

نیما با شناخت نزدیک و عمیقی که از آهنگر دارد، به مسائل سطحی نظیر اینکه "افتر است، افترت است، او بدبخت است و غیره" نمی پردازد. بجای اینها، نیما واقعیت ژرف تری را در نظر می گیرد و "مبارزه" او را تصویری کند. مبارزه اش را با آهن سر سخت، آهنگر برینک می گوید تا آن را نرم کند و به شکل دلخواه در آورد. اما شکل دلخواه او چیست؟ هدف او از این مبارزه چیست؟ در اینجا است که باز نیما، گام دیگری حانت "عمق" برمی دارد و هر چه بیشتر از "سطح" فاصله می گیرد و هم می نجات که جهان بینی او در شعر منعکس می شود و میان تخیل و تفکرش وحدت موجود می آید. آهنگر نیما یک فرد نیست. مادر وجود او همه زحمتکشان را می بینیم. مادری آسم که بدانبم آهنگر چه می سازد، و می بینیم که او، در حالیکه "استفاده های آتانی که در زنجیر زند، همواره در گوش زنگ می زند، کلبه تفل های سته زنجیر رنگ آلوده ای را می دهد تعمیر". او در جستجوی کلبه ای است برای قفل های سته یک زنجیر زنگ زده (یعنی نظام سوسیده قلمی و جامعه کین) و به ره شدن از زنجیرهای اندیشد. وسرانجام وقتی نیما ز نیروی بی کران آهنگر سخن می گوید، و می گوید که همه کارهای بزرگ به دست او انجام می شود و او سازنده ی زندگی و تاریخ است برای ما کاملاً روشن است که نیما دارای نیروی توده های مردم سخن می گوید:

او، به دست کارهای بس بزرگ ابزار می بخشد  
او، جهان زندگی را می دهد برداخت.  
عمق اجتماعی:

شعر نیما عمیقاً سیاسی و اجتماعی است و قسمت اعظم شعرهایش رنگ تند اجتماعی دارد. چرا که، همچنان که پیش از این گفتیم، تفکر و جهان بینی نیما از تخیل او جدا نیست. و از همین طریق، جهت گیری مردمی او در همه آثارش منعکس می شود. اما برای درک این خصوصیت شعر نیما، یعنی جنبه سیاسی و اجتماعی عمیق آن، دو چیز لازم و ضروری است:

اولاً - داشتن یک درک عمیق از تضادهای اجتماعی.

ثانیاً - داشتن ارتباط آشنایی نزدیک و حدی با شعر نیما.

شرایط خلفان گذشته در جامعه ما اجازه نمی داد که مردم درک عمیقی از تضاد های اجتماعی داشته باشند و در نتیجه مسائل را عموماً در سطح می دیدند. آنها تنها شکل سیاسی "رژیم" یعنی دربار و دولت را می دیدند و می شناختند و در نتیجه شعر سیاسی و اجتماعی از نظر آنها شعری بود که مستقیماً به همان رژیم بیرداز و آن را مورد حمله قرار دهد. اگر شاعر با درک عمیقی از تضادهای اجتماعی به نشان دادن فقر و فلاکت توده های مردم و علل آن می پرداخت، شعرا "سیاسی" یا حتی اجتماعی تلقی نمی شد (۱) در حالی که ما در نمونه های قبلی که از شعر نیما نقل کردیم، به خوبی دیدیم که شعر او همواره عمیقاً اجتماعی و دارای جهت گیری مردمی است. و به همین دلیل سیاسی نیز هست. نیما به جای پرداختن به سطح قضایا، به عمق می پردازد. تضادها را بطور عینی مشاهده می کند و با قوت و تصویرپردگی آورد. مثلاً در شعر "بزم آسین"، این مرغ را که از مسائل مردم و شورش خستی آنان و نیز از آینده روشن و فردای بیروزی سخن می گوید، چنین توصیف می کند:

بسته در راه گلپوش او  
داستان مردمش را

رشته در رشته کشیده (فارغ از هر عیب کار و از بر زبان گیرند)  
بر سو منقار دارد رشته سردرگمش را

اونشان از روز بیدار ظرفرمندی است.  
بانهان تنگنای زندگانی دست دارد.

از عروق زخم دار این غبار آلوده ره، تصویر بگیرفته.

از درون استغناهای رنجوران

در شبانگاهی چنین دلنگ، می آید نمایان

و ندر آشوب نگاهش خیره بر این زندگانی

که ندارد لحظه ای از آن رهائی،  
می دهد بوشیده، خود را بر فراز بام مردم آشنائی.

(۱) - ما پیش از این اشارهای در مورد گرایش به "قهرمان سازی" در شعر امروز کرده بودیم. اگر ما به این گرایش ابراد گرفتیم دقیقاً به این خاطر بود که معمولاً این گرایش علت همین برداشت غلط از "شعر سیاسی" یا "شعر اجتماعی" به وجود می آید و مسائل راتنها در سطح بررسی می کند. اگر به عمق مسائل نیز توجه کافی شده باشد، پرداختن به یک "قهرمان" و سخن گفتن از او هیچ اشکالی ندارد.

### از نیما یوشیج

### داروک

خشک آمد کشتگاه من  
در جوار کشت همسایه.  
گر چه می گویند: "می گریند روی ساحل نزدیک  
سوگواران در میان سوگواران."  
قاصد روزان ابری، داروک یکی می رسد باران

بر بساطی که بساطی نیست  
در درون کومه ی تاریک من که ذره ای با آن  
نشاطی نیست

و جدارنده های نی به دیوار اطافم دار  
از خشکیش می ترکند  
- چون دل یاران که در هجران یاران -  
قاصد روزان ابری داروک یکی می رسد باران

داروک: قورباغه درختی می گویند  
اگر داروک بخواند، نشان روز بارانی است.

از رفیق کارگر. محتبی ج.

## کارگر

ای صخره ستر ستم کش  
بر سینه کویر عطشناک!  
عارتگران غروب  
کار تو را هدف گرفته  
بیانندیش  
بیکار هر چه ایل و قبایل  
جنگ جهانی اول  
جنگ جهانی دوم  
کشزار شیلی و کنگو

بیکار نابرابر زاله

هر برگ خونی تاریخ  
آزگار کارگر شده آغاز

مغرب دهان گشوده ترا  
دسترنج کار

سرسوده برفلک، کاخ ستگران  
از پله های بیکر توتابه بام ماه  
اکنون که رسته های زسارت  
با کوره تنت شیار گردازان  
بر بسته های کمر که برانی

دزد قبیله را

میتاق بسته ای به خون  
که ره اگر دری از ستم

سنگر رهامکن

سنگر نشین چایک بیکار آخرین  
پروامکن زد شمن افتاده در کمند  
آتش بز ب ز رشاهای از بن  
به خشم و کین.

## بابا جان داد

معلم گفت: "بابا آب داد."

و من اندیشیدم

چه کسی بود که بابا را خواب داد؟

معلم پرسید:

"بابا با کدام (الف) نوشته می شود؟"

بچه هافر یاد زدند:

"بابا بی گلاهِ."  
و من بادم آمد

بابا نیز کلاه نداشت  
و از خود پرسیدم که بابا

در این زمستان سرد  
چرا کلاه نداشت؟  
و چرا کلاه نیاید داشته باشد؟

دوباره فریاد معلم برخاست  
"بابا نان داد."

و من اندیشیدم. آخرین بارکی بود  
که بابا نان داد؟

باباکی پول داشت که نان بخرد؟

معلم پرسید: "چند جور (نون) داریم؟"

بچه هافر یاد زدند "نون کوچک، نون بزرگ"  
و من بادم آمد که نان سفره ما

همیشه کوچک بود.

معلم فریاد زد:

"دارا توپ دارد"  
و من بادم آمد

دارا نانک نیز دارد  
پول نیز دارد

بانک نیز دارد  
و من می دانم که بابا

دربزیر دست دارا  
جان داد.

دارا اگر توپ و نانک دارد  
اسد داس دارد

اسد اسب دارد  
اسد ایمان دارد.

(ب. بهرنک)

## سخنی درباره شعر (۵)

### (آخرین قسمت)

این شماره، "سخنی درباره شعر" را با بحتی درباره "کلمه" به پایان می بریم. کلمه، ابزار شاعر است برای سرودن شعر. وسیله ای است که فکر و مقصود شاعر را به خواننده موباشنونده منتقل می کند. و همانطور که انجام درست یک کار بسته انتخاب و استعمال ابزار و وسیله مناسب و صحیح بستگی دارد، شاعر نیز هنگامی در انتقال فکر و احساس خویش به خواننده موفق خواهد بود که کلمات مناسب و دقیق و بجا را بکار گیرد.

شاعر در کلمات موضوع می گیرد. و عقیده و اندیشه و حالات و احساسات خود را از آن می دهد. خشم و امید و غم و شادی و ایمان خود را در هر کلمه ای که انتخاب کرده می گنجاند. به همین علت میان کلمه و حالت و موضوعی که شاعر قصد انتقال آن را به خواننده دارد، رابطه ظریفی وجود دارد که اگر این رابطه بد دقت شناخته و مراعات نشود، شاعر قادر نخواهد بود مقصود خود را به روشنی بیان کند. همانطور که هر شئی و پدیده ای یک نام مشخص و معین دارد، بیان هر حالت و هر موضوعی هم به کلمه خاص خود نیازمند است. فرض کنید می خواهیم یک پیچ را با ز کنیم. ممکن است آچار ۳ در دسترس ما نباشد و مجبور شویم آچار ۲ را برداریم. با این تصور که به هر حال آچار ۳ هم برای خودش ابزار مفیدی است. ولی آیا ما خواهیم توانست پیچ مربوط به آچار ۲ را با آن باز کنیم؟ ممکن است ما با آن پیچ های زیبایی را باز کنیم، اما همه آنها بی پیچ هائی هستند که به آچار ۳ می خوردند. نه به آچار ۲. کلمه هم در دست شاعر مثل آچار و آچار است در دست کارگر. هر کلمه ای که ما در شعر بکار بریم به هر حال احساسی را در خواننده شعر برمی انگیزد و اندیشه ای بر او متعلق می کند. اما باید پدید آید تا این همان احساس و اندیشه ای است که ما می خواستیم منتقل بکنیم؟ ممکن است ما بخواییم اندوه و ناراحتی خود را بیان کنیم، اما کلمه ای در شعر خود بکار بریم که با خواندن آن آدم به خنده بیفتد. آیا منظور ما همین بوده که در وسط غم و ناراحتی، بگمزته خواننده را به خنده بیندازیم؟ اگر ما کلمه ای را که برای مقصود و معنی دیگری بکار می رود، برای مفهوم و معنی دیگری بکار گیریم جمله و کلام ما ناقص و نامشخص خواهد بود.

حال به چند نمونه از نوشته های رفقا در رابطه با این مسئله توجه کنیم. یکی از رفقا نوشته:

به اسارت خوشبینم  
تا بند بر پای اسپر بگلانم.

معلوم است که مقصود او چیستز دیگری بوده. می خواسته بگوید: من به اسارت تن می دهم، از زندان نمی ترسم و آن را می پذیرم چون از طریق مبارزه در راه آرمان و در جریان مبارزه کردن زوتن بد اسارت دادن است که می توان اسپران را آزاد کرد". اما در اینجا کلمه "خوشبین" کلمه مناسبی نیست و این منظوم را نمی رساند. مثل آنست که بگوئیم: من از جلا خوشم می آید".

بسی دیگر از رفقای ما گویند:

بوشانه بیدار می شود  
و شلیک را خمیازه می کشد.

غرض او این است که تفنگ منتظر آنست که هر لحظه شلیک شود. اما کلمه "خمیازه" به این معنی صدمه زده است و بیشتر حالت رگود و خواب آلودگی و خستگی را نشان می دهد. ممکن است بگوئیم غرض اینست که آنقدر انتظار کشیده که به خمیازه دچار شده، در این صورت مصراع دوم که از بیداری تفنگ سخن گفته نامناسب خواهد بود.

باشاعری گفته:

یکی جان به کف همچون کارگر  
به دستی مسلسل، به دستی سپر

معلوم است که فقط بخاطر رعایت قافیه در این بیت کلمه "سپر" را به کار برده که هیچ مناسبتی با مسلسل ندارد. ما پیش از این، در مقاله های دیگر، گفته بودیم که شاعران در شعر گذشته طبق قراردادهائی برخی کلمات را شاعرانه نمی دانستند و به همین سبب شعرشان

نی درجه نجات فردا  
مرداب های مشت  
گلوله های استرون جاری است.

شاعر می خواسته تضاد "گلوله" و مشت را نشان دهد و حکم کند که گلوله ها در مشت ها بی تاثیرند و در بر خورد با آنها خود از بین می روند. اما با بکار بردن کلمه "مرداب" صفتی منفی برای مشت آورده است. و همین تعبیر نامناسب به شعر صدمه زده است.

یاد در مثال زیر، شاعر آنقدر کلمات را پشت سر هم قطار کرده که رابطه اصلی فعل و فاعل را خود از یاد برده است:

"نهال آتشین سیم زده سرو شرر  
آوازه را بر شخم در د خستگی  
افشانند"

در حالی که نهال را نمی افشانند، بلکه نهال را می کارند و بر ذر را می افشانند در رابطه با همین درست نویسی و دقت در کلمات بدنیت یاد آوری کنیم که اگر شاعر بگوید از زبان فارسی آشنائی کامل پیدا کند، خواهد توانست ضمن مطالعه بیشتر از اشتباهات زبانی جلوگیری کند اشتباهاتی از این قبیل که برخی نوشته اند:

"بام از خورشید بی رسید"

یا "این شاعر نورس پا گرفته جان"

و یا "پا تو پدیده ای  
کاین اربابان مهربان  
چسان جام سومی دهند  
به شوق"

در حالی که اگر کمی دقت کنیم می فهمیم که "نورس پا گرفته جان" معنی مشخصی ندارد، و "جام راه سر" نمی دهند، و نیز هیچگاه "با کسی" نمی پرسند، بلکه "از کسی می پرسند".

پیش از آنکه این بیحتی را به پایان بریم، چند نکته را یاد آوری کنیم.

۱- ما در آینده احتمالاً برخورد

های مشخصی نیز با شاعران چند تن از رفقا که اشعاری زیادی برای نشریه فرستاده اند خواهیم داشت.

۲- رفیقی با علاقه و پشتکباری ستودنی اشعاری برای ما فرستاده است و بسیاری از وقایع و حوادث دوران انقلاب و رزمهای چریکی به ویژه اتفاقات مربوط به سازمان را به نظم در آورده است.

ما نوشته های این رفیق را به عنوان اسناد منظوم در آرشیو نگه داری می کنیم. اما به علت طولانی بودن و به هم پیوسته بودن مطلب شعرها و نیز به لحاظ ضعف شعری آنها، نتوانستیم در این صفحه از آنها استفاده کنیم. امیدواریم کارهای تازه تری با توجه به از بیداری تفنگ شماره نوشته ام بفرستند.

۳- از رفقای که اشعاری را شاعران دیگر را انتخاب می کنند و برای نشریه می فرستند خواهش می کنیم حتماً نام شاعر و منبع مورد استفاده شان را هم ذکر کنند.

# کار

## سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

### ۲۳ تیر سالروز ...

بقیه از صفحه ۱

مرتحمین داخلی دستجات شبه فاشیستی موسوم به "گروه بحث" تشکیل داد در تهران و سایر مراکز برای ایجاد اتحادیه مزد (فلبس باورمانی) کارگری تلاش کرد. ولی کارگران آگاهانه اربابین به تنکلات دولتی خود داری کردند. کارگران انگلیسی شرکت نفت برای مقابله با کارگران با مسلح کردن عشایر جنوب آنها را در "اتحادیه عشایر خوزستان" متشکل کردند.

۱۱ تیر ۱۳۲۵ شش هزار نفر از کارگران نفت آبادان اعتصاب کردند. تمام کارگران مناطق نفت خیز جنوب - یشتیانی خود را از این اعتصاب اعلام کردند. ۲۲ تیر سال ۱۳۲۵ اتحادیه کارگران نفت طی اعلامیه‌ای، خواسته‌های سیاسی کارگران را به شرح زیر اعلام کرد: برکناری و اخراج مصباح فاطمی، استاندار خوزستان، خلع سلاح اتحادیه عشایر خوزستان، منع شرکت نفت انگلیسی از دخالت در امور سیاسی ایران، تبدیل شرکت نفت به یک شرکت خالص تجاری، منحل شدن اداره خدمات سیاسی (جاسوسی انگلیسی) و اخراج سران آن از ایران، اجرای قانون کسار - ندین سان کارگران با خواسته‌های سیاسی خود مستقیماً علیه امپریالیسم انگلیس و ارتجاع داخلی و با حاکمیت کذب اعتصاب، اعتصاب عمومی مناطق نفت خیز جنوب راز ۶ صبح ۲۳ تیر اعلام کرد. به دنبال این اعلامیه تمامی کارگران مناطق نفت خیز جنوب از کارکنند. دولت اعتصاب را غیرقانونی شناخت و در سراسر خوزستان حکومت نظامی اعلام کرد. اتحادیه عشایر خوزستان با همکاری فرمانداری نظامی کارگران اعتصابی حمله کرد و در پی کارگران و نیروهای مسلح ۱۲۲ کشته همان روز اقدام داشت. کارگران دلبرانیه مقاومت کردند. در تاریخ ۲۷ مهر ۱۳۲۵ کارگر شهید ۱۷۲ نفر زخمی شدند و امپریالیسم انگلیس با واکنش جنگی و نیروی نظامی خود راه خلع نارس فرستاد. موج اعتراض کارگران و زمینکنان به اس کشتار وحشیانه. سراسر کشور راهزنی کرد دولت ارتجاعی فوالم حشمتی مرتکب از مقامات دولتی و نمایندگان شوروی متحده (رما رادمنس و رضا روستا که از رهبران حزب بوده بودند) راهزنی کارگران و عده رسدگی به خواسته‌های آنها را داد و رهبران توده‌ای، سواری متحده کارگران را دعوت به سکوت کردند. بدینسان اعتصاب بزرگ کارگران به حالت منتهی پذیرفت. پس از قطع اعتصاب، شرکت نفت به عده‌های خود عمل نکرد و در پی سرکوبی کارگران درآمد. اعتصاب اتحادیه هادسه دست توقیف شدند. چندین هزار نفر فعالین نیست، از کار بگریزیدند. ۵۰ هزار کارگران هندی که در اعتصاب فعالانه شرکت داشتند از خوزستان تبعید شدند. بدین ترتیب فرصت طلایی رهبران حزب توده که در مظفشان سلوک کارگران با دولت ارتجاعی و امپریالیسم نبود، آشکار شد.

حزب توده ناکم نهادن به مبارزه با امپریالیسم انگلیس عملاً مانعی در راه رشد و به ثمر رسیدن جنبش کارگری گردید رهبران حزب توده با فریب کارگران و حمایت از دولت ارتجاعی فوالم حشمتی رسیدن به چند کرسی وزارت اعتصاب جنوب را در هم کشیدند آنها جنبش کارگری را که مصوبی صد امپریالیستی داشت و می‌توانست در خدمت محموعه مبارزات آن دوره قرار گیرد، فکری خواسته‌های اصلاح طلبانه خود نمودند. این جنبش کارگری را از نظر سایر مبارزین فکری آنها منصرف از مبارزین فکری کارگران می‌دانند. در این سال ۱۳۲۵ تصویب شد. شرکت نفت از اجرای قانون کار سرباز زد. بدینسان آن کارگران نفت تهران دست به اعتصاب زدند. هشتاد نفر از کارگران نفت تهران و سایر اراک آن شرکت نفت در دولت دست‌نشانده "فوق السلطنه" برای مقابله با جنبش کارگری به دستور رهبران انگلیسی این دست به تشکیل حزب "دموکرات ایران" زد و با هم‌کاری

شد. با وجود توطئه‌های امپریالیسم انگلیس و حکومت دست نشانده رهبران بیکارچی و مقاومت کارگران، آنها را وادار به عقب‌نشینی کرد و کارگران موفقی به دریافت ۷۵٪ اضافه دستمزد شدند. در سال ۱۳۰۴ دیکتاتوری رضاخانی فعالیت اتحادیه‌های رادرس را بر ایران ممنوع اعلام نمود. اما علی‌رغم سرکوب وحشیانه رژیم سربریده، کارگران ایرانی از مبارزه باز نایستادند. در سال ۱۳۰۶ با کمک فعالین حزب کمونیست ایران، اولین کنفرانس محلی اتحادیه‌های کارگری تشکیل شد. اعلام خواسته‌های سیاسی آنها شامل کارهای طففاتی کارگران بود. عدم پاسخ کارگران انگلیسی شرکت نفت و دولت دست نشانده به خواسته‌های کارگران، اعتصاب پر شکو و ۱۵ اردیبهشت سال ۱۳۰۸ راه‌دستال داشت.

اعتصاب در سوسیز روز به شدت سرکوب شد. فعالین اتحادیه را به زندان انداختند و با اخراج کردند. با وجود این کارگران به جشنی از خواسته‌های رفاهی خود رسیدند. سیاست‌های جنک‌جبهه‌ای و فرار رضاخانی در شهریور ۲۷ خنجر دیکتاتوری وی از هم گشت. مبارزات کارگران ادامه یافت گسترده‌ای یافت. در ادامه این مبارزات در سال ۲۳ اتحادیه همای کارگری باهم متحد شده "شورای متحد مرکزی کارگران و زمینکنان ایران" را به وجود آوردند. رهبری شورا در دست حزب توده بود.

در سال ۲۴ کارگران نفت کرمانشاه تحت رهبری اتحادیه محلی اعتصاب ۶ روزه ای را ترتیب دادند. متقابله شدید بلیس و عمال شرکت نفت اعتراض‌سازری و گسترده کارگران و زمینکنان رادرس را ایران دامن زد. در نتیجه این مبارزات در بهار سال ۲۵ شورای ایالتی اتحادیه کارگران خوزستان از به هم پیوستن اتحادیه‌های مناطق جنوب تشکیل شد. پیوستن خود راه شوروی متحده اعلام نمود. برای اولین بار روز اول ماه (۱۱ اردیبهشت) ۸۰ هزار نفر از کارگران و زمینکنان ایران حش گرفتند. کارگران خواسته‌های خود را مطرح نمودند. شرکت نفت در پی اعلام خواسته‌های کارگران فعالین اتحادیه هارا توفیق وعده ای را خارج کرد. سه روز بعد کارگران بالایشان آبادان دست به اعتصاب زدند. در نتیجه وحدت و همبستگی کارگران شرکت نفت رژیم مجبور به عقب‌نشینی شد. در پی این اعتصاب اتحادیه‌های کارگری

به رسمیت شناخته شد. کارگران تنهایی خواسته‌های رفاهی خویش رسیدند. به دنبال مبارزات کارگران نفت، ده هزار نفر از کارگران آماجاری دست به اعتصاب زدند. خواسته‌های آنها به رسمیت قرار بود.

هشت ساعت کار روزانه ۳۵ درصد اضافه حقوق، تشکیل صندوق تعاونی کارگران، ۳ درصد حقوق (یک درصد کارگران، ۲ درصد کارفرما)، یک روز مرخصی هفتگی، دوهفته مرخصی سالانه و اعلام رسمی روز اول ماه مه عیو و تعطیل کارگری بایریداخت حقوق، انس اعتصاب شدیداً سرکوب شد. به دعوت شورایی متحده کارگران و زمینکنان سراسر کشور، یشتیانی خود را از کارگران نفت اعلام کردند و وحشیگری تجاوزکاران انگلیسی شرکت نفت و دولت دست‌نشانده را محکوم کردند. کارگران سایر مناطق دولت باید سیاست کلی خود را در زمینه آماجاری تهدید به اعتصاب سراسری نمودند.

پس از ۱۱ روز مبارزه بی‌گسری و سرخشان دولت مجبور به عقب‌نشینی شد. قانون کار که حاوی - سزای از خواسته‌های کارگران بود در - دراد - سال ۱۳۲۵ تصویب شد. شرکت نفت از اجرای قانون کار سرباز زد. بدینسان آن کارگران نفت تهران دست به اعتصاب زدند. هشتاد نفر از کارگران نفت تهران و سایر اراک آن شرکت نفت در دولت دست‌نشانده "فوق السلطنه" برای مقابله با جنبش کارگری به دستور رهبران انگلیسی این دست به تشکیل حزب "دموکرات ایران" زد و با هم‌کاری

روی در جهت نامس مبارهای راستن مردم ایران نمود. اکنون که دولت اس صناع را در دست گرفته است با آنها بیکار خواهد کرد؟ برای مثال، دولت بی خواهد که کارخانه‌های انومبیل سازی را در اختیار گیرد و به توتلبد به روال گذشته ادامه دهد؟ دولت به سرمایه‌داری که به موجب بند (ب) ماده یک سهام آنان را ملی نکرده است چگونه خواهد کرد؟ آیا دولت با مشارکت آنان به ویژه سهامداران خارجی، همان صناع راه راه خواهد داشت؟ اگر چنین باشد صناع و استعدک سراسری با بگا بهای برای سرمایه‌های خارجی و با بگا بهای برای فروش کالاها و ماشین آلات محصول شرکت‌های چند ملیتی امپریالیستی بود، اکنون توسط دولت جنبش نه‌می را خواهد یافت. اگر جنبش با سدیگ بر نه می‌تواند گفت صناع و ایست امپریالیسم را بتوان سخرش کرد. اگر چنین باشد دیگر کارگران از این جنبش بی‌توان خواهند بود. این جنبش را می‌توان سخرش کرد. اگر چنین باشد دیگر کارگران از این جنبش بی‌توان خواهند بود. این جنبش را می‌توان سخرش کرد. اگر چنین باشد دیگر کارگران از این جنبش بی‌توان خواهند بود. این جنبش را می‌توان سخرش کرد.

پس از ۱۱ روز مبارزه بی‌گسری و سرخشان دولت مجبور به عقب‌نشینی شد. قانون کار که حاوی - سزای از خواسته‌های کارگران بود در - دراد - سال ۱۳۲۵ تصویب شد. شرکت نفت از اجرای قانون کار سرباز زد. بدینسان آن کارگران نفت تهران دست به اعتصاب زدند. هشتاد نفر از کارگران نفت تهران و سایر اراک آن شرکت نفت در دولت دست‌نشانده "فوق السلطنه" برای مقابله با جنبش کارگری به دستور رهبران انگلیسی این دست به تشکیل حزب "دموکرات ایران" زد و با هم‌کاری

### ملی کردن صنایع...

بقیه از صفحه ۱

در جنب مرحله‌ای است که وابستگی صنعتی عریان و عیان می‌شود. نه حرکت در آوردن چرخ‌ها در این صنایع مستلزم ادا روابط بسیار نزدیک گذشته با شرکت‌های انحصاری کشورهای امپریالیست است. موجودیت این کارخانه‌ها در گرو قرار داشتن آنها در شبکه جهانی انحصارات امپریالیستی است، تکنولوژی آنها به خود اوبه مورد نیاز آنها، اداره و مدیریت آنها همه و همه توسط انحصارات جهانی امپریالیست نامس می‌شود. بنابراین به راه انداختن این صنایع به روال گذشته مستلزم احیای ونحکیم روابط امپریالیستی میان شرکت‌ها و صنایع و استنهاد در ایران است. از آنجا که جنبش منظمی از فعالین صنعتی کشور در پی سباع بود که به طور منسجم فعالیت این صنایع بستگی داشت. به راه انداختن اقتصاد ایران بدون به راه افتادن صنایع راسته میسر نمود. مگر آنکه سیاستی اساسی برای قطع کامل روابط امپریالیستی و تغیر جهت دن در فعالین امپریالیستی اقتصادی کشور اتخاذ می‌شد. و اولتد یکس کاری نتر با ماهیت دولت بازرگان معاف داشت. کار به جایی رسید که بولی رئیس بانک مرکزی صریحاً از سرمایه‌داران وابسته تنواری دعوت کرد که به ایران بازگردند و کارهای گذشته خود را دنبال کنند. مالی که رئیس بانک، سزای داری باره زد، به روشی گویای سیاست بازگشت به روابط امپریالیستی گذشته بود. این عضو سرمنه دولت موفحتی به عارتگری جور. رضای نیز سشهاد کرد که "وطن بازگردد و کاری که می‌کرد ادامه دهد.

اما از سوی دیگر دولت خود را در مقابل فشار توده‌هایی که خواهان قطع کامل سلطه امپریالیسم هستند می‌دید. حواس کارگران و زمینکنان که در عار صنایع وابسته ملی باید کرد. منحل می‌شود می‌شود مابقی اسر در مقابل توتس‌های دولت برای تحکیم وابستگی به راه انداختن صنایع وابسته. سوراها و سندبگاهای کارگری که از نزدیک معنی وابستگی اقتصادی را درک کرده‌اند حشری کستارهای از جنگ سرمایه‌داران امپریالیست و وابسته را می‌پذیرند. هر چند دولت می‌کوشید با پرداخت وامهای ایران، صنایع راه راه اندازد. اما کاری را پیش نبرد. ۸۰ میلیارد ریال انصار دولت که به اس منظور خصص داده بود پس فایده ماند. صنایع وابسه و دیگر صنایعی که به نرسنی به این صنایع وابسته اند منوط مانس و بردک، به یک سوم از کارگران بکارند. سایرین، دولت نتوانست صنایع راه روال گذشته به راه اندازد. فشار بوده هار دولت برای ملی کردن صنایع وابسه مابقی امایی در مقابل کراش دولت به تحکیم وابستگی بود. تاگزیر راهی بود جز "ملی" اعلام کردن صنایع وابسه. این سیاستی بود که دولت بازرگان اکنون با تصویب قانون "حفاظت و توسعه صنایع ایران" اتخاذ کرده است. طبق این قانون علاوه بر صنایعی که اس اس در اختیار دولت بود، صنایع اومسل سازی، صنایع معادن زرگسی که صاحبان آن اراطری روابط غیرقانونی بازریم گذشته، اساعده نامشروع از امکات وتصنیع حقوق عمومی به نروتهای تان دست یافته اند "وزیرکارخانه‌ها موسساتی که وامهای قابل توجه" از بانکها دریافت داشته اند و اکنون با این دهی آنها زکل دارایی خالص آنها بیشتر است، "ملی" اعلام شده است.

اما، کار اجاحات و موسساتی که نعلی به حش خصوصیتی بوده و وضع مالی و اقتصادی مساعدی دارند، سراسر مول مالکیت منروط، مالکیت آنها از طرف دولت به رسمیت شناخته می‌شود و مورد حمایت قانونی قرار می‌گیرد. سایرین دولت گذشته از صنایعی که صنایع مادر به شمار آورده است، اداره صنایعی را که "بازیم گذشته روابط عرفا منونی داشتند ... و نیز اداره صنایع ورثکسته را بر عهده می‌گیرد. در گروه حسب، سهام کسانی را که جنبش روابط غیرقانونی داشته اند و منافس نعمومی را تصنیع کرده اند، به تملک دولت درمی‌آند. در این رابطه سهام ۵٪ تن از سرمایه‌داران وابسته به موجب قانون به تملک دولت درآمده است.

هر چنده تعداد سرمایه‌داران وابسته به از این ۵۱ نفر است، اما مسئله در شاخصهائی است که دولت برای ملی کردن صنایع تعیین کرده است. بدیهی است معیار داشتن روابط غیرقانونی و استفاده نامشروع از امکات وتصنیع شافع عمومی به خودی خود، چنانچه به معنی واقعی آن به کار گرفته شود نامی صنایع وابسته را دربر خواهد گرفت. اما سؤال این است که چرا علاوه بر معیار بالا، معیار وابستگی به امپریالیسم در این قانون مطرح نشده است. نه تنها معیار وابستگی به امپریالیسم مطرح نشده است بلکه موضوع سهام سرمایه‌داران خارجی نیز کاملاً مسکوت گذاشته شده است. به موجب بند (ب) ماده ۱ این قانون تنها سهام اختصاصی که روابط غیرقانونی بازریم گذشته داشته اند به تملک دولت درمی‌آند و دولت شرکت آنان و سهام سرمایه‌داران دیگر، منحل شده است. بنابراین سهام اشخاص است که در این شرکتها "ملی می‌شود و نه کارخانجات، معسادن و موسسات آنان.

دولت موقت بازرگان که در پی مبارزات ضد دیکتاتوری و ضد امپریالیسم مردم ایران بر سر کار آمد، جز در لفظ، ملاقای به جنبه ضد امپریالیستی این مبارزات ندارد و همواره در پی متوقف کردن آن بوده است. دولت بازرگان در مقدمه قانون "حفاظت و توسعه صنایع ایران" به وابستگی صنایع این کشور به سرمایه‌داری غارتگر جهانی اشاره می‌کند اما در متن قانون، آنجا که باید حساب را با سرمایه‌داران غارتگر خارجی و وابستگان آنها روشن کرد، ناگهان "سرمایه‌داری غارتگر جهانی" را از میان می‌برد. اگر نفوذ سرمایه‌داران خارجی در ایران به علت داشتن روابط غیرقانونی بازریم گذشته بوده است و اگر آنان عامل تصنیع صنایع عمومی وابسته نامشروع از امکات بوده‌اند، چرا اشاره به این گونه سرمایه‌داران در متن قانون نشده است؟ روشن است دولت بازرگان نمی‌تواند و نمی‌خواهد وابستگی صنایع به امپریالیسم هار از میان بردارد. بنا بر این تعین ندارد اگر می‌توانیم به سرمایه‌داری غارتگر جهانی تصفی حساب نمی‌شود و تنها سهام شخصی سرمایه‌داران ملی اعلام می‌شود، نه شرکت‌های سرمایه‌داران وابسته و در میان این ۵۱ نفر غارتگر جنی نام یک نفر هم از سرمایه‌داران خارجی نیست.

ما معتقدیم که ته تنها سهام سرمایه‌داران غارتگر وابسته باید صادره شود بلکه تمامی ثروت این غارتگران و مهمتر از آن شرکت‌هایی که این غارتگران با مشارکت دیگر چپاولگران داخلی و خارجی سربساخته‌اند و بدین وسیله ثروت این مردم راه عارت برده‌اند باید بطور واقعی معادله ملی شود. درباره بانک‌ها کنیم، در این باره هم می‌گوئیم. یک با دوسمی که از برخی از این شرکت‌ها در دست کارمند یا کارگری است که با ااجار به او فروخته شده است سبانه‌ای برای صادره نکردن تمامی سهام است که با ااجار به او فروخته شده است سبانه‌ای برای صادره نکردن تمامی سهام داخلی و خارجی شرکت‌های وابسته نیست. می‌دانیم که سرمایه‌داری وابسته را طایقی فرسای فراد و اشخاص است. مردم فقط این رابطه را خواستارند. کنسار گذاردن اس با آن سرمایه‌دار به تنهایی نتیجه‌ای حاصل نمی‌آورد. وابستگی ادامه می‌یابد و در پی نمی‌آید که دیگران بر جای آنان می‌نشینند. مردم ایران سربساخته‌اند و سرمایه‌داری کند و ناز و روابط امپریالیستی از سبوس قطع گردد. ما معتقدیم که نه تنها معیارهای تعیین شده در بند (ب) ماده یک این قانون، بلکه معیار وابستگی به امپریالیسم نیز باید به عنوان معیار ملی کردن صنایع به کار برده شود و نه تنها سهام اشخاص وابسته به رژیم سابق، بلکه تمام دارائی آنان و نیز تمام دارائی شرکت‌های وابسته به امپریالیسم اعم از سرمایه‌های داخلی و خارجی آنها کلاً و تماماً صادره و ملی شود.

مسئله دیگر سربساخت کارخانه‌های است که سهام آنها در اختیار دولت قرار گرفته است. همانطور که گفتیم، این صنایع در اقتصادی وابسته و در رابطه با منافع سرمایه‌داران امپریالیست برپا شده است. تکنولوژی نی که این صنایع به کار می‌بردند و محصولی که عرسنه می‌گسردند، به هیچ

در جهت تامین نیازهای راستن مردم ایران نمود. اکنون که دولت اس صناع را در دست گرفته است با آنها بیکار خواهد کرد؟ برای مثال، دولت بی خواهد که کارخانه‌های انومبیل سازی را در اختیار گیرد و به توتلبد به روال گذشته ادامه دهد؟ دولت به سرمایه‌داری که به موجب بند (ب) ماده یک سهام آنان را ملی نکرده است چگونه خواهد کرد؟ آیا دولت با مشارکت آنان به ویژه سهامداران خارجی، همان صناع راه راه خواهد داشت؟ اگر چنین باشد صناع و استعدک سراسری با بگا بهای برای سرمایه‌های خارجی و با بگا بهای برای فروش کالاها و ماشین آلات محصول شرکت‌های چند ملیتی امپریالیستی بود، اکنون توسط دولت جنبش نه‌می را خواهد یافت. اگر چنین باشد دیگر کارگران از این جنبش بی‌توان خواهند بود. این جنبش را می‌توان سخرش کرد. اگر چنین باشد دیگر کارگران از این جنبش بی‌توان خواهند بود. این جنبش را می‌توان سخرش کرد. اگر چنین باشد دیگر کارگران از این جنبش بی‌توان خواهند بود. این جنبش را می‌توان سخرش کرد.

پس از ۱۱ روز مبارزه بی‌گسری و سرخشان دولت مجبور به عقب‌نشینی شد. قانون کار که حاوی - سزای از خواسته‌های کارگران بود در - دراد - سال ۱۳۲۵ تصویب شد. شرکت نفت از اجرای قانون کار سرباز زد. بدینسان آن کارگران نفت تهران دست به اعتصاب زدند. هشتاد نفر از کارگران نفت تهران و سایر اراک آن شرکت نفت در دولت دست‌نشانده "فوق السلطنه" برای مقابله با جنبش کارگری به دستور رهبران انگلیسی این دست به تشکیل حزب "دموکرات ایران" زد و با هم‌کاری

روی در جهت نامس مبارهای راستن مردم ایران نمود. اکنون که دولت اس صناع را در دست گرفته است با آنها بیکار خواهد کرد؟ برای مثال، دولت بی خواهد که کارخانه‌های انومبیل سازی را در اختیار گیرد و به توتلبد به روال گذشته ادامه دهد؟ دولت به سرمایه‌داری که به موجب بند (ب) ماده یک سهام آنان را ملی نکرده است چگونه خواهد کرد؟ آیا دولت با مشارکت آنان به ویژه سهامداران خارجی، همان صناع راه راه خواهد داشت؟ اگر چنین باشد صناع و استعدک سراسری با بگا بهای برای سرمایه‌های خارجی و با بگا بهای برای فروش کالاها و ماشین آلات محصول شرکت‌های چند ملیتی امپریالیستی بود، اکنون توسط دولت جنبش نه‌می را خواهد یافت. اگر چنین باشد دیگر کارگران از این جنبش بی‌توان خواهند بود. این جنبش را می‌توان سخرش کرد. اگر چنین باشد دیگر کارگران از این جنبش بی‌توان خواهند بود. این جنبش را می‌توان سخرش کرد. اگر چنین باشد دیگر کارگران از این جنبش بی‌توان خواهند بود. این جنبش را می‌توان سخرش کرد.

پس از ۱۱ روز مبارزه بی‌گسری و سرخشان دولت مجبور به عقب‌نشینی شد. قانون کار که حاوی - سزای از خواسته‌های کارگران بود در - دراد - سال ۱۳۲۵ تصویب شد. شرکت نفت از اجرای قانون کار سرباز زد. بدینسان آن کارگران نفت تهران دست به اعتصاب زدند. هشتاد نفر از کارگران نفت تهران و سایر اراک آن شرکت نفت در دولت دست‌نشانده "فوق السلطنه" برای مقابله با جنبش کارگری به دستور رهبران انگلیسی این دست به تشکیل حزب "دموکرات ایران" زد و با هم‌کاری

## همه صنایع و شرکت‌های وابسته ملی شوند

عوامل رژیم پیمین همچنان توطئه می کنند

اخیرا شورای دهقانی نور سعید فراخی با انتشار اعلامیه‌ای به افتخار یکی از توطئه گران پرداخته. مادرزیر قسمتی از این اعلامیه را می آوریم .

عوامل مرتجع و سرسیردگان به رژیم مغرور شدن همچنان دست اندرکار توطئه صنی و دسمه بازی سرعنه مافع حلقهای ستمدیده مهین ماهستند تا دینوسله منافع بلندخود واریانانشان را که از غارت زحمتکشان محروم است بر زمین بستن بی آمده حفظ کنند . یکی از این توطئه گران سرسیردو صدانفلاسی سرهنگ عبدالرسیدی فرماده زاندارمری گران است . وی دارای سابقه‌ای سنگین و بدحلقی می باشد که شرح مختصری از آنها که مادهقنان بدر ترکمن شاهد آن بودم بدینقرار است :

در سال ۱۳۴۵ که سرهنگ عبیدالرسیدی فرمانده گروهان زاندارمری بدر ترکمن بود . دهقنان مقروض و بانوان رانانحاکه می توانست مورد آزار و شکنجه قرار می داد و عملا هنگامی که دهقانیان برای برداشت محصول زیرکشت خودبازهر بر بردانی . نهوجهرطاشی و شمار مزین مبارزه می کردند . وی سه جماعتی این رحاله ها تبدیل شده و کشتار و شکنجه دهقنان را جز بزرگترین افتخارات خود می شمرد . در تاریخ ۲۳ خرداد ماه ۴۵ با موری زبرفرماندهی خود به زارعینی که برای برداشت

محصول خود رفته بودند حمله نموده و در نتیجه ۸ نفر مرد و یکفر زن را شست دست کرد و پس از شکافتن سروشکتسین دست و پای آنها سی رحمانه در همان حال و خم از آنان بازجویی کرده و سپس روانه زندانشان ساخت و چند نفری را که سیهوش شده بودند پس از سه هوش آمدن بد بیمارستان گران فرستاد که هنوز آثار آن شکنجه ها بر بدنشان باقی است . در همان حادثه وحشتناک نور سعید فراخی که از احاطه سر آسیب دیده بود پس از مدتی شهید پندونورقلسی سودمند دچار نقص عضو گردید . اما اس زاندارم خود فروخته بردانی ها و طاشی ها و مزین ها تا به آخر فرمان اربانانشان را اجرا کرده و چهار هزار کیسه خو متعلق بد دهقنان زحمتکش و محروم راه نغم اربانانش عصب نمود . حال این شخص با چنین سابقه سنگینی همچنان به اعمال صدحلقی خود ادامه داده و بانی سیم زدن بد باسگاههای زاندارمری منطقه ترکمن صحرا و احضار عوامل مرتجع و عدهای روحانی نما توطئه های دیگری را علیه زحمتکشان منطقه ادامه دهد .

با خواستاریم دست این افسر توطئه جین را ز سر زحمتکشان ترکمنی سحرا کوتاه گردانند تا بار دیگر این منصر بلند و ضدحلقی نتواند به حنایات خود علیه دهقنان منطقه ادامه دهد . شورای دهقانی نورسعیدفراخی بندر ترکمن ۵/۴/۹

روستائیان عبدالمؤمن زیر بار زور نمی روند

نغرازروستائیان را که همگی در مسجد ده جمع شده بودند بیرون می برند و ظاهرا اعدام می کنند . به این ترتیب که یک رکنار از بالای سر آنها خالی می کنند . روستائیان به اعتراض بیرون می ریزند و سرانجام پس از حدود یک ساعت تیراندازی درده . ۵۹ نفر از اهالی را دستگیر می کنند و به پاسگاه گل تپه و بعد به کبوتر آهنگ می برند و برای مدت چند بار تحت شکنجه قرار می دهند اما مردم روستا آرام نمی نشینند و به همدان رفته در مسجد جامع ناراحتگی و شکایت خود را به مردم شهری گویند و سپس به پاسداران انقلاب شکایت می نرند . پاسداران دنبال قضیه را می گیرند ۵۹ نفر را آزاد می کنند ، اما ستوان سماواتی فراری می کند . و پاسداران هیچ یک از عوامل مستقیم توطئه را نمی یابند . با شکایتی بی کسری مسئله به وسیله مردم ، دادستان و فرمانده هنگ همدان از کاربرکنار شده اند

همدان - در تاریخ چهارم تیرماه به تحریک توطئه " حسن اسلامی " نامنده مالکان ، گروه کبیری سر بساز با چند ريو ، وانت وحیت به فرماندهی ستوان دوم سماواتی وحید نغراز کمنه کبوتر آهنگ وشخص حسن اسلامی به روستای عبدالمؤمن می روند . ستواندوم سماواتی با ایجاد ارباب و وحش و فشار از طریق تیراندازی هوایی تبدیلده مرگ روستائیان ، کشتک و بازداشت جمعی می خواست به روستائیان تحمل کند که حسن اسلامی نمایندده توطئه گر مالکان را که سالهای سال بر علیه روستاهای منطقه دسیه جنسی کرده بود و حتی بخشی از زمینهای آنان در آورده بود ، باز هم به عنوان نماینده قبول کنند . اما با تمام اینها روستائیان و رفقا امضاء نکردند و بطور متخدد در مقابل ستوان سماواتی وحش اسلامی مقاومت کردند . این عناصر چند

مردم تن به تحمیل نمی دهند

روستاخیز به سرکوبی زحمتکشان این منطقه می پرداخته و حالاهم با همسان ماهیت قبلی ، در کمیته انقلاب اسلامی فعالیت می کند . ۲- برکناری هادیات فهیمی فرزند مهدی فهیمی رئیس ستمگر کمیته که به تازگی با استفاده از مقام پسر ش سرپرست کشاورزی شهرستان دره شهر شده و تمام مدارک و پرونده های زارعین و وامهار به نفع خود و هم پالکی منابش تصرف کرده است .

۳- برکناری حیدر هاشمی الوار شهردار دره شهر - برادر مهدی فهیمی که میلیونها تومان بوجه شهرداری را در سالهای گذشته از طریق به مناقصه گذاردن طرحها و هزاران نوع سند سازی جعلی و استفاده نامشروع از وسایل و ماشین آلات به نفع خود و اقوامش غارت نموده است . همچنین بررسی دقیق اسناد و مدارک و حسابهای شهرداری توسط یک هیئت متصفه .

۴- لغو امتیاز سیمان شیرخان هاشمی الوار رئیس سابق انجمن شهرستان دره شهر و پسرعموی مهدی فهیمی رئیس کمیته و عضوانجمن شهرستان دره شهر .

۵- رسیدگی به حسابهای انجمن شهر و شهرستان در طول دوازده سال گذشته .

۶- اخراج فوری فرزندان میرصبره از خانه های سازمانی که با وجود امکانات فراوان مالی ، بخاطر قدرت رئیس کمیته انقلاب اسلامی ، آنها را به ناحق اشغال نموده اند .

برای پس گرفتن زمینهای غصب شده مان متحد شویم

از طرف عدهای از دهقنان روانه - از بخش های اطراف قهرمانشهر ( کرمانشاه سابق ) اعلامیه ای در جهت شناساندن سبب های تیر هروزی دهقنان این منطقه منتشر شده است که قسمتی از آن را می خوانید . گروهی از زحمتکشان روانه در این اعلامیه کوشیده اند تا گوشه ای از ستمهایی را که توسط اربانان سرسیردگان رژیم مغرور سابق بر آنها گذاشته است ، نشان دهند .

در سال های ۴۲ و ۴۱ قانسون اصلاحات ارضی شامل حال زمینهای سلطان آباد شد و مقرر گردید تا این زمینها میان مادهقنان تقسیم شود . همه ما می دانیم که در واقع فضا این زمینها را ما گرفته اند . امانت تنبها ما زمینها ندادند بلکه زمینهای خودمان را هم از دست دادیم . در حالی که هنوز رسید قسطهای پرداخت شده را در دست داریم . " برادران اردلان " این دوبرادر زورگو زمینهای بسیاری از روستائیان را غصب کرده و بسیاری از دهقنان را آواره شهرها کردند .

" این دوبرادر از دو وسیله برای سرکوب مادهقنان استفاده کردند ، یکی نفوذ در دستگاههای دولتی و تکیه کردن به نیروی زاندارمری و حقه های دولتی و دیگری تفرقه اندازی در میان دهقنان . آنها خوب می دانستند که اگر زمینها نماندند کسانی را به طرف خود جلب کنند ، هرگز و حتی باتکیه به قدرت ارتش قادر نخواهند بود زمینها را از ما بگیرند . آنها خوب می دانستند که برای درهم شکستن ما تنها یک راه دارند و آن جدایی

روستائیان آقبلاغ در مقابل مالک و هیئت حل اختلاف

" ... ماه قیمت جانمان هم اجازه نخواهیم داد مرا تع مارا که محل چرای احشام ماست مالکان زورگو شخم بزنند . آبا بعد از انقلاب و آنچه تهیدنازه دویار ه باید رژیم ارباب رعیتی برقرار گردد ؟ " این مطالبی است که دهقنان و خوشنیشان روستای آقبلاغ در کردستان نوشته اند .

زحمتکشان آق بلاغ می گویند نصرالله کمالی سرهنگ بازنشسته ارتش و مالک روستا که سالهاست به تجاوز و ستم خود ادامه می دهد ، در سال ۱۳۴۴ با کمک رشوه و پارتی دو سوم از بهترین زمینهای روستا را به نام خود گردوبه ۴۵ خانوار اهالی تنها یک سوم زمینها داده شد و ۲۵ خانوار نیز اصلا زمینی دریافت نکردند و تازه همین کمالی غاصب هر ساله به کمک زاندارمری قسمتی از مراعات روستا را که متعلق به همه اهالی بود شخم زد و بی زد و به نفع خود تبدیل به زمین زراعی می کرد . و دامداری روستا را از این راه به ورشکستگی کشاند .

همچنین یازد و بندهای بیشرمانه این سرهنگ بازنشسته قطعات دیم مکانیزه در اسناد مالکیت اهالی ۹ خروار ذکر شده ، در حالی که در برگ آمارگیری اصلاحات ارضی ۹۰ خروار قید شده است . کمالی تا همین اواخر انواع و اقسام

پیام گروهی از دهقنان گیلان به دومین گرد همائی شوراهای ترکمن صحرا

دومین گرد همائی شوراهای ترکمن صحرا نتیجه اتحاد و مبارزه حق طلبانه شمارنجبران بر علیه ملاکان و سرمایه داران است . نشانه اراده شما برای رهایی از ستم ملاکان و سرمایه دارانی نظیر هزبر بردانی ها و نقشبندی ها است . ما نیز اعتقاد داریم زمین از آن شماست که بروی آن کار می کنید . دومین گرد همائی شوراهای ترکمن صحرا حاصل خون مبارزان و انقلابیون خلقی ترکمن است که بر علیه ستم ملی و رهایی از غارت سرمایه داران به پسا خاستند و دلیرانه پیکار کردند . آنها در مقابله با ارتجاع وابسته به امیربالیسزم جهانی و جانبداران ایشان از جانب خویش در به نورزیدند . دومین گرد همائی شمارنجبران ، حاصل اتحاد دهقنان با

تشکیل يك اتحادیه دهقانی

ترکمن صحرا - در تاریخ ۱۳ خرداد ماه اعضا شوراهای دهقانی روستاهای قزلجه ، امیر ( کوچک خرخر ) بانلسر قوبونلی ، ایگدر علیا ، ایگدر سفلی و پیشک در محل شورای دهقانی روستای ایگدر سفلی اجتماع کردند و اتحادیه دهقانی شوراهای مزبور را تشکیل دادند . کمترین روز افزون کار شوراها و ارتسباط مسائل و مشکلات هر روستا با روستاهای قابل تشکیل اتحادیه را احتساب باید زیر ساخته بود .

بنابه تصمیمات این اجتماع قرار شد که جلسات اتحادیه با شرکت دو نفر منتخب از هر شورا تشکیل شود و ضمن طرح مشکلات روستاهای مجاور و استفاده از تجارب همدیگر تمام شوراهای عضو در رفع مشکلات بکوشند و در صورت لزوم به ساد مرکزی شوراهای گزارش کنند تا توسط نماینده اتحادیه در جلسه مزبور مطرح شود .

در دومین جلسه اتحادیه مسووی مسائل مختلف از جمله مسائل زراعت و نماینده های شوراهای مختلف مطرح و مورد تبادل نظر قرار گرفت :

۱- در مورد در صد برداشت محصول هر یک از شوراهای با غاصب می توانست می رسد ، قرار شد شوراهای عضو اتحادیه در جریان قرار بگیرند .

۲- گزارش در مورد احاطار اعضا ی شورای روستای ایگدر علیا از طرف هیئت چهار نفره گزارش دیگر در مورد احاطار اعضا شورای روستای ایگدر سفلی توسط دادگاه انقلاب اسلامی به اتحادیه داد شد .

۳- در مورد اختلاف روستائیان مورد بررسی قرار گرفت و روستائیان در این باره تصمیمهای مناسبی گرفتند .

خواستهای مردم براغوش

تیریز - خواستهای روستائیان قریه براغوش از توابع بخش مهران در اعلامیه های با امضاء گروهی از روستائیان زحمتکش این قریه بیان شده است . خواستهای مهم اهالی براغوش به شرح زیر است :

۱- تقسیم مجدد زمین ، بطور عادلانه بین روستائیان .

۲- لغو تمام بدهی های روستائیان به بانکها ، شرکت های تعاونی و رباخواران محلی .

۳- پرداخت وام بدون بهره و کمکهای فنی کشاورزی به روستائیان و کمک برای حفر چاه .

۴- احداث راه بین مهران و براغوش ، ایجاد لوله کشی آب ، کشیدن برق و تهیه امکانات بهداشتی .

۵- ایجاد فروشگاه تعاونی که علاوه بر نیازهای روستائیان ، مصالح اولیه تالی بافی را بدون سود در اختیار قالی بافان قرار دهد و خود نیز خریدار قالی باشد .

۶- ایجاد ساختمان مدرسه راهنمایی و دبستان دخترانه و استفاده از معلمین بومی برای تدریس .

توضیح درباره خبری تحت عنوان

ضد انقلاب در بختیاری توطئه می کنند

در شماره ۱۸ نشریه کار در همین صفحه خبری داشتیم تحت عنوان ضد انقلاب در بختیاری توطئه می کنند به اطلاع هموطنان مبارزمی رسانیم ؛

از آنجا که درج این خبر با تکیه بر دهقنان و نیروهای مترقی منطقه روسرو شد و با توجه به بهمانی که به صداقت نیروهای زحمتکش روستائیان مبارز داریم بدینوسیله خبر مزبور را کمالا تکذیب کرده و پس از تحقیق کافی در شماره آینده خبر صحیح و دقیقی از جریان واقعه را چاپ کرده و نیروهای ضد انقلابی منطقه بختیاری را که سعی دارند با تلاشهای مذبحانه ، مبارزات خلقهای فرمان ایران را شکست روبرو نمایند ، آفشا کرده و توطئه گران واقعی را به هموطنان مبارز بشناسانیم .

زمین از آن کسانی است که روی آن کار میکنند

اقتصاد سیاسی

«تبدیل پول به سرمایه» (۶)

چگونگی تولید ارزش اضافی

قسمت اول را این کارگر برای جبران نیازمندی های خود انجام می دهد یعنی در مثال ما همان ۱۰ دقیقه ای که کار می کند به آن "کار لازم" می گوئیم . کار لازم آن مدت زمانی است که کارگر است که ارزش مجموع نیازمندی ها و احتیاج زندگی کارگر را جبران می کند . قسمت دوم آن زمانی که کارگر بابت آن هیچ دریافتی نمی کند . این قسمت را "کار اضافه" می گوئیم . یعنی بقیه هفت ساعت و ۵ دقیقه کار اضافی آن مدتی است که کارگر بابت آن از کارفرما هیچ پولی دریافت نمی کند . بابت هر یک که بجای کار می کند . ارزش کاری که کارگر در مدت زمان کار اضافه خلق می کند و به محصول منتقل می نماید ارزش اضافه یا "اضافه ارزش" است که اولین بار توسط کارل مارکس کشف گردید و بدین ترتیب راز افزایش سرمایه کشف و آشکار شد .

به این ترتیب می بینیم که همیشه استثمار کارگر در کار اضافه ای است که کارگر مجبور است برای سرمایه دار انجام دهد و علاوه بر تامین نیازهای زندگی خویش ، نیازهای زندگی سرمایه دار را نیز تامین کند ، و این وظیفه ای است که سیستم سرمایه داری بالا جبار بردوش او گذاشته است و تا هنگامی که وسایل تولید در اختیار سرمایه دار قرار ندارد ، همچنان بردوش کارگر باقی خواهد ماند .

در هر جامعه ای که انحصار وسایل تولید در دست عده ای خاص است استثمار همچنان وجود دارد و کارگر مجبور به کار اضافی تولید ارزش اضافه خواهد بود و استثمار خواهد شد .

مادرشماره آینده درباره سرمایه و ارتباط آن با ارزش اضافه صحبت خواهیم کرد .

اصولاً در شرایط کنونی ایران متوسط ارزش نیروی کار یعنی ارزش مجموع نیازمندی ها و ما به احتیاج زندگی یک کارگر و خانواده اش بیش از ۳۰ تومان می باشد . چون کارگر با روزی ۳۰ تومان نان شب خانواده اش را نمی تواند فراهم کند ، چه رسد به اینکه بخواهد ابتدائی ترین وسایل مورد نیاز زندگی اثرا تهیه کرده ، بچه اش را به مدرسه بفرستد و تفریح هم داشته باشد .

اینکه چگونه و چطور نیروی کار کارگر ارزش می آفریند ما در گذشته توضیحاتی دادیم و در آینده نیز برای شناخت بیشتر "نظری ارزش" نظریات اقتصاد دانان قبل از مارکس را بررسی خواهیم کرد .

در شماره قبل گفتیم جوهر استثمار سرمایه داری بر تولید ارزش اضافی استوار است ، که در نظام سرمایه داری شکل یافته و پنهان به خود می گیرد . وسیع کردیم با آوردن یک مثال چگونگی آن را توضیح دهم . حال یادکر مثال دیگری این مسئله را بیشتر مورد بررسی قرار می دهیم .

در شماره ۱۷ کالنامهای داشتیم از یک کارگر کارخانه نساجی قائم شهر (شاهی سابق) که تحت عنوان "ما کارگران چگونه استثمار می شویم" نوشته بود .

ما اگر تقریباً در عرض ۸ ساعت با ۴ دستگاه ماشین بافنده کار کنیم ، ۱۰ هزار تومان محصول بیرون می دهیم و در عرض دستمزد ما روزانه حداکثر ۲۷ الی ۲۰ تومان است . . . . این کارگر بابت حساب سرانگشتی متوجه شده است که مین بازدهی کارش و آنچه به عنوان دستمزد دریافت می کند یک کوه فاصله است و غارت محصول کارش را به خوبی می بیند . می داند که به شدت ترین وجهی استثمار می شود . اما شاید نداند که چطور و چگونه . برای درک بیشتر نحوه استثمار و روشن کردن چگونگی تولید ارزش اضافی نمونه کار همین کارگر را به عنوان مثال می آوریم .

فرض کنید در کارخانه ای که این کارگر در آن کار می کند ، هر کارگر ۸ ساعت کار روزانه روی هر دستگاه ماشین بافنده ۱۰ متر پارچه تولید می کند که ارزش کل مواد خام و برق مورد نیاز آن می شود ۹۵۰ تومان و میزان استهلاک وسایل کار مثل ( ماشین آلات ، تجهیزات و ساختمان و غیره ) می شود ۲۰ تومان . بدین صورت مجموع ارزش وسایل مورد نیاز ۹۷۰ تومان است علاوه صاحب کارخانه مبلغی به عنوان دستمزد به این کارگر پرداخت می کند که به قول کارگر برای هر ۸ ساعت کار ۳۰ تومان است . اگر سید بربم که ۳۰ تومان دستمزد دریافتی کارگر برابر است با حداقل ارزش نیروی کارش ، یعنی برابر است با مجموع نیازمندی ها و محتاجات زندگی کارگر و خانواده اش ، مجموع مخارج برای تولید ۱۰۰ متر پارچه می شود :

مواد اولیه و کمکی ۹۵۰ تومان  
استهلاک ماشین آلات و غیره ۲۰ تومان  
دستمزد کارگر ۳۰  
جمع ۱۰۰۰ تومان  
حالا کارفرما پارچه را فقط ۲۵۰۰ تومان می فروشد ؟ بنابه گفته کارگر ۲۵۰۰ یعنی سرمایه دار برای هر ۱۰۰ متر پارچه ۱۵۰۰ = ۲۵۰۰ - ۱۰۰۰  
۱۵۰۰ تومان بیش از آنچه که در جریان تولید خرج کرده به دست آورده است . یا به عبارت دیگر سرمایه دار

تجاری را از سرگذرانده تا دوران کودکی آن سپری شده باشد ؟ و بالاخره نه تنها تعریف اجتماعی و فرهنگی طبقه ضروریست بلکه باید به تعریف سیاسی و تعیین موقعیت سیاسی وایدئولوژیک طبقه رسید . در این مراحل از شناخت است که آن سادگی سطحی از بین می رود و درک مقوله پیچیده اجتماعی با فرمولی مرکب و پیچیده انجام می گیرد . فقط به این شرط است که شناخت تئوریک می تواند از شناخت عینیانه افراد و جریانهای سیاسی پیشی گرفته ، واقعیت رانه در سطح و موارد جزئی بلکه در عمق و در پیروسی های طولانی تر و بزرگتری شناخت آن را در عمل بکارگیرد . لنین در شناخت طبقه کارگر تاکید می کند که باید تعریف روانشناسی را حتماً به تعریف اقتصادی طبقه کارگر بیفزائیم . باید بدانیم که طبقه کارگر از چه درجه آگاهی برخوردار است و روحیه او در چه حالتی است . آیا وحدت طبقاتی ، موقعیت خود در برابر بورژوازی و دیگر قشرها را درک می کند و به قدرت خود ، آگاهی دارد یا نه و بالاخره آیا سازمانهای رهبری کننده طبقه رشد کمی و کیفی کرده اند و قدرت سازمان یافته طبقه به وظایف طبقاتی خود عمل می کند یا هنوز طبقه پسند و رهبری است . چنین است وظیفه سنگینی که در تحلیل طبقاتی و شناخت نیروها در برابر ما قرار می گیرد " ( تاریخ سی ساله ) .

در شماره قبل گفتیم که پروسه ( حرابان ) تشکیل حزب طبقه کارگر در هر جامعه ای دارای ویژگی هائی است و نمی توان الگوئی برای پروسه ( حرابان ) تشکیل همه احزاب طبقه کارگر تعیین کرد و اساساً مارکسیسم - لنینیسم دشمن سرسخت هرگونه الگومازی است و یادآوری کردیم که عده ای بدون توجه به این اصل اساسی مارکسیسم - لنینیسم درصد د بهاده کردن الگوهای از پیش ساخته ای هستند که از روی تجربه طبقه کارگر کشورهای دیگر و انقلابیون سایر حوامم عیناً نسخه برداری شده است . بررسی انقلابیاتی که در کشورهای دیگر به وقوع پیوسته و مبارزات و تحریکات طبقه کارگر سایر حوامم و درس آموزی از این تحریکات تاریخی ، برای هرمارکسیست - لنینیست امری ضروری و لازم است . ولی هرگاه بخواهیم بدون در نظر گرفتن شرایط مشخص جامعه ما ، عیناً همان پروسه ها را در آنجا حاساده کنیم و پیش ببریم ، قطعاً با شکست روبرو خواهیم شد . برای آنکه بتوانیم ویژگی های پروسه تشکیل حزب را در جامعه ما ، نخست لازم است که شرایط جامعه ما را اساساً و بطور علمی موقعیت هر یک از اقشار و طبقات جامعه را تحلیل کنیم و درک علمی و شناخت زنده و عینی از موقعیت طبقه کارگر داشته باشیم و رفیق سزین خرنی در تحلیل موقعیت

طبقات جامعه می نویسد :  
" راز انقلاب ، نادریست در برخورد رفا با مسائل تحلیل طبقاتی ، جلوه های مختلفی پیدا کرده است . برخی رفا در تعیین و تعریف طبقات و قشرها تنها به رابطه آنها با مالکیت ابزار تولید توجه می کنند و بر اساس این ضابطه می خواهند مسئله ای چنین پیچیده را حل کنند و از آن در تعیین منی سیاسی خود استنتاج هائی می کنند . عده ای دیگر در تئوری ، برای همه چیز فرمول دارند و از نقش طبقه و قشر در سازمان اجتماعی کار ، و از نتیجه این دو معده ، یعنی میزان سهم بردن از حاصل کار و بیعاریت ساده تر کمی و کیفی مصرف نیز گفتگویی میان می آورند . ولی در عمل از انطباق فرمول با واقعیت درمی مانند . نارسائی عمدتاً در این نحوه برخورد با مثل پیش ، از

بنابراین موقعیت طبقه کارگر را از سه جنبه باید مورد بررسی قرار دهیم :  
۱- موقعیت اقتصادی طبقه کارگر و وضعیت طبقه کارگر از نظر فشرستی ، تمرکز و پراکندگی آن .  
۲- موقعیت اجتماعی و فرهنگی

نه تنها تعریف اجتماعی و فرهنگی طبقه ضروریست بلکه باید به تعریف سیاسی و تعیین موقعیت سیاسی - ایدئولوژیک طبقه رسید

لنین می گفت :  
برای پیروزی ، تنها یک اتحاد ایدئولوژیک پرولتاریا کافی نیست . به منظور این که پیروزی بدست آید باید یگانگی ایدئولوژیک را با " یگانگی مادی سازمانی پرولتاریا مستحکم نمود .

درباره

حزب طبقه کارگر (۱۱)

● برای آنکه بتوانیم ویژگی های پروسه تشکیل حزب را در جامعه ما ، نخست لازم است که شرایط جامعه ما را اساساً و بطور علمی و شناخت زنده و عینی از موقعیت طبقه کارگر داشته باشیم .

در شماره قبل گفتیم که پروسه ( حرابان ) تشکیل حزب طبقه کارگر در هر جامعه ای دارای ویژگی هائی است و نمی توان الگوئی برای پروسه ( حرابان ) تشکیل همه احزاب طبقه کارگر تعیین کرد و اساساً مارکسیسم - لنینیسم دشمن سرسخت هرگونه الگومازی است و یادآوری کردیم که عده ای بدون توجه به این اصل اساسی مارکسیسم - لنینیسم درصد د بهاده کردن الگوهای از پیش ساخته ای هستند که از روی تجربه طبقه کارگر کشورهای دیگر و انقلابیون سایر حوامم عیناً نسخه برداری شده است . بررسی انقلابیاتی که در کشورهای دیگر به وقوع پیوسته و مبارزات و تحریکات طبقه کارگر سایر حوامم و درس آموزی از این تحریکات تاریخی ، برای هرمارکسیست - لنینیست امری ضروری و لازم است . ولی هرگاه بخواهیم بدون در نظر گرفتن شرایط مشخص جامعه ما ، عیناً همان پروسه ها را در آنجا حاساده کنیم و پیش ببریم ، قطعاً با شکست روبرو خواهیم شد . برای آنکه بتوانیم ویژگی های پروسه تشکیل حزب را در جامعه ما ، نخست لازم است که شرایط جامعه ما را اساساً و بطور علمی موقعیت هر یک از اقشار و طبقات جامعه را تحلیل کنیم و درک علمی و شناخت زنده و عینی از موقعیت طبقه کارگر داشته باشیم و رفیق سزین خرنی در تحلیل موقعیت

نخستین در شناخت طبقه کارگر تاکید میکند که باید تعریف روانشناسی را حتماً به تعریف اقتصادی طبقه کارگر بیفزائیم

● نه تنها تعریف اجتماعی و فرهنگی طبقه ضروریست بلکه باید به تعریف سیاسی و تعیین موقعیت سیاسی - ایدئولوژیک طبقه رسید

نداشتن تماس زنده و فعال با جامعه و توده مورد بحث ناشی می شود و در درجه بعد ، از بدو آموختن تئوری که اغلب نه به موازات مبارزه و پراتیک بلکه همچون دروس مدرسه برای یک امتحان آخر سال بخاطر سپرده شده است . . . . شناخت طبقات بر اساس الف - الف رابطه آنها با مالکیت و وسائل تولید .

لنین می گفت :  
برای پیروزی ، تنها یک اتحاد ایدئولوژیک پرولتاریا کافی نیست . به منظور این که پیروزی بدست آید باید یگانگی ایدئولوژیک را با " یگانگی مادی سازمانی پرولتاریا مستحکم نمود .

پیشنهادات و نظریات انتقادی خود را به آدرس زیر ارسال نمائید .  
تهران - بلوار کشاورز ، خیابان دهکده (میکده سابق) ستاد سازمان چریکهای فدائی خلق ایران .  
تلفن ۶۵۹۹۹۹ (ساعات مراجعه و تلفن به ستاد از ساعت ۴ الی ۸ عصر)  
آدرس بانکی - تهران ، بانک ملی ایران شعبه دانشگاه ، شماره حساب ۳۲۰۹۸  
بنام عباس فضیلت کلام .  
از کلیه هموطنان مبارزان خواهشمندم فیش بانکی کمکهای مالی خود را که به بانک واریز شده است ، مستقیماً برای ستاد ارسال دارند .

روزنامه نگاران سرسپرده . . .

بقیه از صفحه ۱۲

میان بختیار و نیروهای انقلابی رابطه ای وجود داشته است تا بدینوسیله به خیال خام خود از حیثیت و اعتبار سازمان چریکهای فدائی خلق ایران بکاهد و به حیثیت امیرالیزم امریکانوکرانسیستی بیفزایند و این دسیسه ها به ویژه در شرایط اوج می گیرد که افکار عمومی باید متوجه قانون اساسی و فراهم ساختن شرایط برای ادامه مبارزات ضد امیرالیزمستی .  
آنچه وسعت دامنه این توطئه های ننگین را نشان می دهد ، همکاری گرداندگان رادیو - تلویزیون با پس روزنامه نویسان معلوم الحال است . رادیو و تلویزیون به پیش خواهند برد . زحمتکشان ما نشان دهنده اگر چه جغرافیایی و نیک خواه ها معدوم شده اند ، هنوز متخصصان فریب خلق و کارگزاران برنامه های تبلیغاتی و خبری امیرالیزم

کلیه بدهی ها و تعهدات مالی کارگران ، دهقانان و زحمتکشان به بانکها و مؤسسات دولتی باید لغو شود

کارگران نیروگاه رامین - اهواز:

تنها کارگرانند که دارای دردها و رنجهای مشترک هستند

کارگران نیروگاه رامین دومایه پس برای دست آوردن مزايا و خواسته های فانونشان دست به اعتصاب زدیم. در آن موقع نماز شده داشتیم. کارفرما ۱۵ روز مکتب حواست و پس از ۱۰ روز حواست سعی داده شد. حواست می دانستیم در معاین حواست معنی کارفرما، چه عکس العملی باشد، دهم، با حواست به کار معمول شدیم.

بهدار صحنه های رمادی که ما هم تجربه کردیم. به این نتیجه رسیدیم که برای مطرح کردن و جگری حواست ما همسان با دیگران نباشیم. ما هم به یک هدف می رسیدیم. از این حواست ما هم ۶۰ نفر آمدیم. ما هم به یک هدف رسیدیم. ما هم به یک هدف رسیدیم. ما هم به یک هدف رسیدیم.

حواست ما را از شرکت گرفته و به ما حواست داد. ما هم به یک هدف رسیدیم. ما هم به یک هدف رسیدیم. ما هم به یک هدف رسیدیم.

نامه يك كارگر بیکار به نخست وزیر: "به نخست وزیر قصه گو"

دلم از این شرایط بپاد خودم و اینکه می دانم جرایم چون که از بد بگذرد آباد می گردد. سیدنت، وحته، فرخی بردی

آقای بازگان! شما که اسام سرد در دست دور رس - های مملور داری آقای کاسه دا - تر از آن ر صادی خان می سید و سید قول خودتان آوردت ملت سخن سرائی می کنید. آوازها مکتب کلاس کارها را می دانستیم. حتی لحظه ای فرصت فکر کردن به درد گرفتن این گروه منظم راه خود داده اند؟ می دانم این فلسفه شما از کجا آمد؟ می دانم که همان می کنید این گرسنگی کاروان است. ولی بدانید که این همان ویدار بنارواست. به فضاهاست. حتی گوی داده ام ولی حالا می خواهم ساجده مرا نسوزد. امروز برای انجام کار کوچکی به خانه دوست و همسایه هموار خود که دمها حدود ۹ ماه بیکار است روم. بوقت باغها بود، پنج فرزند هم می خوردند. عموهای عادی فرزندان کارگران

کارگران بافنده: تاروی که متحد نشویم همیشه حقان ضایع میگرد

من هزاران نفر مثل من نسوی کارخانه های کوچک کاری کنم تقریباً بطور متوسط در هر کارخانه ۵ کارگر. لذا بدون تعداد کارگران کارخانه کم هستند و ما برای دریافت حق خودمان نمی توانیم تازی کنیم. چون اگر دست از کار کشیم و چون کارگر بیکار زیاد است، فوری در همان روز کارگر دیگری به جای ما بی آورند و بازم هم حق این کارگر جدید را می خوردند. در ضمن این را بدانید که حق کارگر بافنده از سالهای سال پس صام می شده است و اکنون بز وضع بدتری دارد. هر که در کارگران روری ۱۲ الی ۱۶ ساعت کاری می کند. حتی من کارگرانی را که در روز ۵ ساعت کاری می کند دیده ام. حالا اگر

آنقدر حقوق ما را خورد تا کارش را تعطیل کردند. من می دانم که این شخص چه به روز کارگران در مانا آورده است. و حالا نوبت نیروگاه رامین شده که حقوق کارگران اینچاره ام پایمال کنند به هر حال ما هنوز در اعتصاب هستیم و تا به حال به بار راهی میانی در محوطه شرکت و دادن شمار پرداخته ایم:

سرمایه داری نابود است  
سرگ بر کارفرما  
درود بر کارگر

(مهندس شیرازی بیکار کار شرکت تو است) سئوالی که ما داریم این است که "چه کسی مسئول رسیدگی به خواسته های قانونی ما کارگران است؟" آیا فراموش کردیم که به جای رسیدگی به این مشکلات برای یکی از بستگانش ناندانی جور می کنند؟ یا بیکار جدید که ما هستیم؟ برای همه کارگران روشن است؟ یا "تیکوی" که الان معلوم نیست کدام گوری خود را برای قائم کرده است؟ آیا این اوضاع و احوال غیر از خود ما کارگران کسی هست که در حقمان دلسوز و مسئول باشد؟ آیا وقتی که فرماندار نماینده دولت است، به فکر منافع خود و بستگان است، می توان از دولت و نماینده او توقع رسیدگی و حل این مشکلات را داشت؟ ما از این وقایع درس حوسی گرفته ایم و آن است که: تنها کارگرانند که دارای دردها و رنجهای مشترک هستند و این حقیقت را در ضرورت اتحاد و یکپارچگی کارگران را در مقابل سرمایه داران به ما نشان می دهد. اتحاد، اتحاد، زحمتکش اتحاد، کارگران نیروگاه رامین

پاسخ به نامه ها

دوست عزیز ار اکی (الف-ج) نامهات به دستمان رسید و علت چاپ نکردن آن را برایت می نویسم. تودر نامهات گفته بودی که مردوران شهر بانی و آنها که در سرکوبی مردم شرکت داشتند فقط خایه حاشیه اند و از اساس شهریه آن شهر منتقل شده اند. دوباره دارند با همان شغل زندگی می کنند. مثل همان نیروهای سرهنگ ها و همکاران این چنینی که دیگر گفته ای. انشا این واقعت نامه تنها برای ندادن بلکه سبب مفید هم هست. ولی استباهی که توست کرده ای این است که دولت را انقلابی بی دانی و به همین خاطر گفته ای که حالا دولت باید این چنینی ماف خور را به کار تولیدی منت گمارد. دوست عزیز توحلی باخون بینی به اوضاع نگاه می کنی. تو ما هست دولت را در نظر نمی گیری. حتی خود بازگان اعتراض کرد که دولت انقلابی نیست. همین چند شب پیش بازگان با صراحت کامل درباره وابستگی دولت و نظام سرمایه داری ایران به امپریالیزم سخنرانی مسوولی کرد و آب پاکی به دست خوش باوران ریخت. پس می بینی که انتظار تو از این دولت انتظاری خوش بینانه است. حفظ بزور رانی از قبیل آنها که اسم برده ای، لازمه حیات چنین دولتهایی است. آن چیزی که تو انتظار داری در زمان حاکمیت کارگران و زحمتکش (یعنی آنها بی که یک عمر با تمام وجودشان حنایت هاوزورگوشی های مزدوران و استعمارگران را لمس کرده اند) تحقیق پذیر است. نه در زمان حاکمیت سرمایه داران. خور ما مظهر حاکمیت توده هاست و توده ها خوب می دانند که تکلیف این حنایان مزدور را چطور معلوم کنند. امروز شاهدیم که دولت با تمام قوا می کوشد تا قدرت هارا در هم بکوبد تا همچون روزگار سابق تنها عده ای معدود برای مردم تصمیم بگیرند. اینکه تا چه اندازه موفق خواهند شد. حتی به تلاش نیروهای انقلابی و توده هائی بستنده دارد.

درواه استغفار حاکمیت کارگران و زحمتکش با تمام وجودمان تلاش کنیم.

نامه يك

پاسدار انقلابی

واحشی معرفی می کنند. آنقدر به گوش پاسداران می خوانند که هر کس کوچکترین مخالفتی داشته باشد با براندازی در کنار دولت سفید مورامی کوبند کمونیست است. من در اینجا می خواهم خودم را طرفدار کمونیست ها معرفی کنم. اول هم گفتم که مسلمان هستم. ولی این کارها می را که اینها می کنند اصلا اسلام انقلابی قبول ندارد. اینکارها ضد آزادی و بخدا قسم ضد انسانیت است. شناسی دانید اگر اینها را هم منجوری برشان کنند در آینده هم با اینی از کشتن برادران خودشان ندارند.

اصلا اینطوری که من فهمیدم یک عده از بالا بالا ها داور جوونهای مملکت را که واقعا مسجون به انقلاب خدمت کس طرف کارهایی مثل ساواک می کنند. مثلا به ما می گویند: برای حفظ پاسداری از انقلاب اسلامی ما افسران خطزنک و دشمنان انقلاب را شناسایی کنید. حالت انتحار که فدائیان می خواهند را دشمنان انقلاب معرفی می کنند! به خدا از وقتیکه فهمیدم این چیزها از کجا آب می خوره مرخص شدم. شما به باکی و صداقت عده زیادی از مسلمانان موم و با شرف نگاه نکنی. کار از بالا بالا خور می برد حتی سرهمینه که همه نمی دوشن چی دره اتفاق می افتد و که که ایس چند دستگی را به وجود می آید.

من یکی از دوستان سار قدیمم برادر و مجاهدیست که سالها در زندان بود اوبه اندازه ده برابر ما از اسلام می داند و از خیلی ها که امروز به ما می رسد ما را با سواد تر و با صلاحیت تر است. چطور می توانم باور کنم که اودش انقلابی و اسلام است؟ اگر مجاهدین واقف و فدائیان خلق نبودند کجا می توانستیم دشمنان را بطور تارومار کنیم؟ مجاهدین و فدائیان سبه شان را حلو می گویند که در کردند. با این آقایان رؤسائی که در فرنگ تحصیل می کردند و خوشو تن می گذراندند؟

براستی که "پاسدار انقلابی" حقیقت دبر بازود آشکاری شود. تا به امروز بسیاری از پاسداران "هماندتو" دریافت اند که برخلاف خواست انقلابیشان، عده ای تلاش می کنند که آنها را همانند زاندرها و نیروهای ویژه ارتش "شاهنشاهی" ورنجها برای سرکوب نیروهای انقلابی و مردم مستعبدیده ماتریت کنند. آنها بیشتر و بهتر تر خواهند یافت چه کسانی و چه منظوری برایشان برنامه ریزی می کنند؟ زاین نقاف افکنی ها برای چیست؟ پاسداران انقلابی می فهمند که پاسداری از انقلاب، پاسداری از منافع منتهی سرمایه دار و استعمار نیست. پاسداران انقلابی باید همیار باشند و بدانند که پاسدار انقلابی است که دهها هزار شهید آن راه نمرسانده اند و آرزویشان این بوده است که دیگر سرمایه داران و استعمارگران بر مردم ننگند.

نامه سرگشاده گروهی از کارگران بیکار ارومیه به وزارت کار و امور اجتماعی

وقت ما در کلاسها می نمود می توانیم در جستجوی کار برویم. برخلاف ادعای وزارت کار که از طریق روزنامه ها و اوراق اعلام کرده بودند همه کارگران بیکار را از آشنائی که دفترچه بسمه دارد و آشنائی که دفترچه بسمه ندارند و ام بیکاری برداشت می کنیم با سهانه های مختلف از پرداخت وام خود - داری می کنند.

اولا به آنها که دفترچه بسمه ندارند وام بیکاری نمی دهند و معلوم است که این عده در کلاس نیز شرکت ندارند. ثانیا آنها که دفترچه بسمه دارند به سهانه های مختلف از گرفتن وام محروم هستند. از جمله آنکه دفترچه بسمه مهر تمدید ندارند و اینکه فقط شش ماه است که بسمه شده اند و باید یک سال تمام بسمه باشند تا وام بیکاری به آنها تعلق بگیرد. وحی روز شنبه ۹ تیرماه ۵۸ که برای گرفتن وام با اداره کار رفتیم بودیم در این سهانه ها ما وام دادند. وقتی اعتراض کردیم دوتو مبلغ ار کتبه ها آمدند که چرا طلوع کرده اند. حال ما کارگران بیکار دولت می خواهیم که به حواست برحق ما که دانش کار و با گرفتن وام بیکاری است رسیدگی کند.

گروهی از کارگران بیکار ارومیه رونوشته نشره کار رونوشته به روزنامه آیدگان رونوشته به روزنامه بعام امروز

پیش بسوی ایجاب و تقویت شوراها و واقعی





# تاریخچه و منشاء رویونیسم

## در جنبش کمونیستی (۳)

# تئوری «سوسیال امپریالیزم»

## انحراف از

## ماکسیسم - لنینیسم است (۳)

بطور کلی همه رویونیستها و همگرایشهای رویونیستی درون جنبش کمونیستی، چه رویونیسم کهنه-برنشتین، کائوتسکی و امثال آن و چه رویونیسم تیتو و خروشچف و چه رویونیسم اروپائی که به کمونیسم اروپائی معروف شده است، جوهر کارشان دشمنی با انقلاب قهرآمیز و دیکتاتوری پرولتاریا و خلاصه جازدن گذار مسالمت آمیز به جای انقلاب است. اما مسئله ای که در اینجا اشاره به آن لازم است آن است که کائوتسکی، برنشتین و امثالهم هرگز نتوانستند گرایشهای رویونیستی خود را در همه جهان اشاعه دهند. لیکن خروشچف و دارودسته او که از کنگره بیستم نغمه رویونیسم را ساز کردند، به خاطر اهمیت حزب کمونیست اتحاد شوروی در صحنه جهانی و به خاطر حیثیت و اعتباری که نخستین کشور سوسیالیستی جهان داشت، توانستند بدر رویونیسم را در بسیاری از نقاط جهان بیفشانند. حزب توده نیز که از آغاز بهدایش سیاست دنباله روی و تبعیت از حزب برادر و بزرگتر را به جای ماکسیسم - لنینیسم به خورد کارگران و زحمتکشان داده و از این راه به اعتبار و حیثیت ماکسیسم - لنینیسم در ایران لطمه فراوانی وارد ساخته بود به محض آنکه احساس کرد خروشچف و دارودسته او در کنگره اکثریت بدست می آوردند و فاداری خود را نسبت به رهبری جدید حزب کمونیست اتحاد شوروی اعلام کرد و بی درنگ همانگونه که روش همیشگی سازشکاران و فرامیستهای کمیته مرکزی بوده است، دست را برای بیعت با خروشچف دراز کرد و بوقلمون وار از کسانی که تا آن زمان قطب و مراد حزب توده و انمود می شدند روی برتافت و آنقدر در اعلام وفاداری به خروشچف و حمد و ثنای او پیش رفت که حتی خود خروشچف نیز طافتن طاق شد و این همه بوقلمون صفتی نماینده حزب توده را مورد سرزنش قرارداد.

خروشچف در کنگره بیستم شروع به تبلیغ نظریات برنشتین و کائوتسکی نمود. نظریاتی که بی پایه و اساس، ضد ماکسیسم و رویونیسم بودن آن را سالها پیش لنین در کتابهای «چون دولت و انقلاب» و «انقلاب پرولتری و کائوتسکی مرتد» و سایر آثارش به اثبات رسانده بود.

خروشچف و هواخواهان او در واقع پرچم رویونیسم مدرن را به دوش گرفتند و درست همان طرحهای رویونیسم کهنه یعنی حرفهای برنشتین و کائوتسکی را تکرار کردند. آنها نیز چون کائوتسکی خود پیش از هر چیز به تبلیغ «گذار مسالمت آمیز» و «گذار به سوسیالیزم از راه پارلمانی» پرداختند.

ما به تدریج عمده اظهاراتی که رویونیستها در کنگره بیستم و سپس از آن آبراز کردند می آوریم تا نشان دهیم که راه آنها تا چه حد از راه لنین و دیگر

رهبران بزرگ طبقه کارگر شوروی به دور است و تا چه حد با رویونیسم کهنه که لنین و حزب بلشویک در مبارزه خستگی ناپذیر ریشه های آن را افشان نمودند، نزدیک است. رویونیسمی که خروشچف پرچمدار آن بود معتقد است که:

« پرولتاریا دردموکراسی پرولتاری ( که البته از دیدگاه ماکسیسم - لنینیسم بهترین دموکراسی پرولتاری نیز شکی از دیکتاتوری پرولتاری ( است ) و بر اساس قوانین انتخاباتی پرولتاری می تواند در پارلمان اکثریت بدست آورد و آنگاه قدرت را در اختیار گرفته و... رویونیستها ادعا می کنند که: « برای طبقه کارگر اهرام اکثریت در مجلس و تبدیل آن به یک سازمان قدرت تودهای به معنی درهم شکستن ماشین نظامی و بوروکراسی پرولتاری و تشکیل یک دولت پرولتری نوین توده ای در شکل پارلمانی است. ( خروشچف : سخنرانی در جلسه عمومی سازمانهای حزبی مدار عالی )

بنابراین رویونیستها در نظر نیز چون سلف خود ماکسیسم - لنینیسم را قلب می کنند و مدعی هستند که اگر پرولتاریا در پارلمان اکثریت بدست آورد، می تواند کار تغییر جامعه کهنه را به جامعه سوسیالیستی به انجام رساند. آنها می گویند:

یک اکثریت در مجلس " بسوی طبقه کارگر یک سلسله از کشورهای سرمایه داری و مستعمرات قبلی شرایط را به وجود می آورد که تحولات اساسی اجتماعی را ممکن می سازد. ( خروشچف : گزارش کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی )

در برنامه حزب کمونیست اتحاد شوروی ادعا می شود که: « طبقه کارگر بسیاری از کشورها حتی قبل از سقوط سرمایه داری می توانند تداومی کنند که آنها در مسائل مهمی رفورهای معمولی پافراتر بگذارند. و حتی در برخی کشورها ممکن است موقعیتی به وجود آید که پرولتاری حاکم به صلاح و صرفه خود به بندگی و سایل تولید حیاتی خویش را در معرض فروش بگذارد. ( برنامه حزب کمونیست اتحاد شوروی، مصوبه ۳۱ اکتبر سال ۱۹۶۱ )

همه این تلاشها، همه این تحریف هائی که از اصول ماکسیسم - لنینیسم می شود برای اشاعه پارلمانتاریسم یعنی " گذار مسالمت آمیز" و نفی انقلاب است. این نظریات دقیقاً همان عقاید کائوتسکی و برنشتین است که لنین در پاسخ به آن چنین می گوید:

" تمام این حیلها، فسفطه ها و تخطئه های شهادانه از آن جهت مسود نیاز کائوتسکی است که از زیر بار انقلاب قهرآمیز شانه خالی کند و دست کشیدن از آن و بهیوستن خود را با سیاست کارگری لیبرالی یعنی با پرولتاریا برده پوشی نماید ( انقلاب پرولتری و کائوتسکی مرتد )

در اینجا ذکر این نکته لازم است که پرولتاریا و متحدانش به هیچ وجه طالب جنگ نیستند بلکه پرولتاریا در راه ایجاد انقلاب در برابر نیروی مسلح بورژوازی و مرتجعین قرار می گیرد و ناچار است در برابر قهر ضدانقلابی بورژوازی و مرتجعین با قهر انقلابی از خود دفاع کند. پرولتاریا قطعاً مایل است که قدرت را از طریق مسالمت آمیز به دست گیرد. اما بورژوازی هرگز مایل به از دست دادن قدرت نیست و طبیعی است که برای جلوگیری از حرکت تکاملی جامعه، با پرولتاریا به جنگ برمی خیزد. از این رو پرولتاریا ناچار باید مادامی که دفاع از آرمان خود را داشته باشد و هر لحظه این آمادگی را افزایش دهد و منتظر در این صورت است که این احتمال نیز به وجود می آید که بورژوازی از قدرت مسلم و شکست ناپذیر پرولتاریا بی مشکل و برآید و بدون جنگ و خونریزی میدان را خالی کند. لنین در پاسخ به همه آنها می گوید که راه پارلمانی و گذار مسالمت آمیز را تبلیغ می کردند و بدینسان می گویند که کارگران را در برابر بورژوازی خلع سلاح کنند چنانچه می گویند:

" بدون جنگ ( طبقاتی ) هیچ انقلاب بزرگی در تاریخ صورت نگرفته و بدون آن هیچ ماکسیست واقعی گذار از سرمایه داری به سوسیالیزم را نمی تواند تصور نماید ( لنین : پیشین )

بر خلاف ادعای رویونیستها، ماکس وانگلس نیز بارها به لزوم قهر تأکید کرده اند. ماکس در مورد انگلستان که بخاطر شرایط خاص آن زمان امکان " گذار مسالمت آمیز" را ممکن اعلام کرده بود چنین می گوید:

" تا وقتی پرولتاریا انگلستان انحصار حق رای دارد، همیشه حاضر به قبول تصمصی اکثریت خواهد بود ولی باور کنید اگر آنها در مسائل مهمی که برایشان اهمیت حیاتی دارد، در اقلیت قرار گیرند، ما خود را در مقابل یک جنگ جدید برده داران خواهیم دید. " ( از گفتگوهای ماکس با خبرنگار روزنامه دی آورد )

لنین در " انقلاب پرولتری و کائوتسکی مرتد" چنین می گوید:

" استناد به اینکه ماکس در سالهای ۱۸۷۰ امکان گذار مسالمت آمیز را در آمریکا و انگلیس پذیرفته است، برهان آدمی فسفطه جو و باواضح ترکیبیسم برهان آدم حقه بازی است که با نقل قول از دیگران تقلب می کند.

اولاً ماکس از همان وقت این امکان را استثنائی می دانست. ثانیاً آنوقت هنوز سرمایه داری انحصاری نبود و سوسیالیسم وجود نداشت. ثالثاً آنوقت مخصوص در آمریکا و انگلستان گروههای میلیتاریستی ( که امروز وجود دارد ) به عنوان مهمترین بخش دستگاه دولتی پرولتاریا وجود نداشتند. "

بار دیگر از رویونیستها که شروع می کنیم. قبلاً گفتیم که کائوتسکی نخستین کسی بود که شوروی را " سرمایه داری دولتی" خواند. بیسیم او چه می گوید؟ جوهر تفکر او را در اثری به نام " تئوریسم و کمونیسم" که در سال ۱۹۱۹ نوشته است می توان دید:

در حکومت شوروی " برای نجات صنعت، ناچار طبقه جدیدی از کارمندان باید تشکیل شود و تئوریته ( اقتدار) خود را بر کارگران اعمال کند. این طبقه جدید به تدریج کنترل بالقوه و بالفعل ( صنایع و کارگران ) را کاملاً به خود اختصاص خواهد داد و آزادی کارگران را به یک آزادی واقعی و غیرواقعی تبدیل خواهد کرد. ...

بوروکراسی مطلق قدیمی دوباره در شکلی جدید... امانه شکل اصلاح شده آن زنده شده است و در کنار این بوروکراسی مطلق، بذریه های سرمایه داری جدید در حال پدید آمدن هستند... که در واقع سطح آن در مقایسه با سرمایه داری صنعتی روزهای گذشته بسیار پائینتر است. فقط فئودالیزم باستان است که دیگر وجود ندارد. چرا که شرایط زمین رفتن آن در روسیه به وجود آمده بود. اما برای الغای سرمایه داری هنوز شرایط مساعد وجود نداشت. ( تاکید از ماست )

نظام سرمایه داری اینک در حال تجدید حیات است... این نظام برای پرولتاریا اینک ستمگرانه تر و رنج آورتر از سرمایه داری صنعتی روزهای گذشته است... این نظام از نظام خصوصی سرمایه داری به سرمایه داری دولتی تبدیل شده است. در گذشته بوروکراتهای دولتی و بوروکراتهای سرمایه خصوصی اگر مستقیماً و باطبیعی خصمانه نداشتند، دست کم نسبت به هم سخت انتقاد داشتند... اما امروز هم بوروکراسی دولتی و هم بوروکراسی سرمایه داری در هم ادغام شده و یک سیستم به وجود آورده اند. این نتیجه نهائی شورش بزرگ سوسیالیستی است که بلشویکها مسبب آنند. این نشاندهنده ستمگرانه ترین شکل استبدادی است که روسیه تاکنون به خود دیده است. "

می بینیم بسیاری از حرفهای که امروز هواداران تئوریسم امپریالیزم می زنند قبلاً کائوتسکی زده است و این در حقیقت صحت پیش بینی های این سرمایه بزرگ لیبرالها و فرامیست های سوسیال دموکراسی را تأیید می کند. تقریباً همه تئوریهائی که از زمان کائوتسکی تا به امروز شوروی را سرمایه داری دولتی و سوسیال امپریالیزم نامیده است بر اساس همین عقاید کائوتسکی که کمتر از دو سال پس از به قدرت رسیدن بلشویکها اظهار کرد، استوار است و این خود دلایلی بر ماهیت لیبرالی، فرمیستی و اکتونمیستی این نظرات است.

کائوتسکی در واقع بانفی انقلاب و به پیش کشیدن تئوریسم امپریالیزم راه رسیدن به سوسیالیزم است " ناچار هر نوع مبارزه قهرآمیز طبقه کارگر را برای تسخیر قدرت سیاسی، امری آشوب گرانه و تروریستی می خواند. او که سالها پیش ماکسیسم را بوسیده و کنگار گذاشته بود و عملاً به مدافع دولت کائوتسکی لیبرالیسم و اکتونمیسم بدل شده بود طبیعی است که انقلاب را پیش از آنکه سرمایه داری به آخرین حد رشد خود برسد قبول نداشت و تازه در آن زمان هم طبقه کارگر باید برای تشکیل حکومت در چهارچوب دموکراسی پرولتاری و از راه پارلمان حرکت می کرد.

بنابراین از دیدگاه او و دیگر سردمداران سوسیال دموکراسی آلمان امکان استقرار سوسیالیزم در روسیه عقب مانده وجود نداشت و بطور کلی به کار بردن قهر انقلابی را امری تروریستی می دانست.

در اینجا ذکر این نکته ضروری است که لنین نیز واژه سرمایه داری دولتی را در مورد " سیاست اقتصادی جدید" ( نپ ) به کار برده است. اما باید توجه

داشته باشیم که " سرمایه داری دولتی" کائوتسکی، هیچ شباهتی به سرمایه داری دولتی لنین ندارد. کائوتسکی از آنجا که ماکسیسم را تحریف می کند، انقلاب را قبول ندارد و به بی عملی دیار شده است، اعلام می دارد که در روسیه شرایط استقرار سوسیالیسم اصلاً وجود ندارد، فقط شرایط برای نابودی فئودالیزم و تکامل سرمایه داری مهیا است، از این رو انقلاب بلشویکها محال است بتواند سوسیالیزم را در روسیه مستقر سازد و هر نظامی که در شوروی روی کار آید سرمایه داری است. و به همین دلیل بنظام شوروی که صنایع و زمینها را در اختیار دولت قرار داده است، " سرمایه داری دولتی" نام می دهد و ادعا می کند که نظام شوروی در مقایسه با دموکراسی بورژوازی یک گام به عقب است.

امالنین ضمن محکوم ساختن عقاید رویونیستی کائوتسکی و امثال او اعلام می دارد که استقرار حکومت کارگران بزرگترین پیروزی تاریخی طبقه کارگر و زحمتکشان است و طبقه کارگر به رهبری حزب بلشویک خواهد توانست همه بقایای نظام کهن را از میان بردارد و گام به گام و با سرعتی فوق العاده سوسیالیسم را برقرار سازد. لیکن برای ایجاد شرایط مناسب رشد سوسیالیزم و برای جلوگیری از گسترش ناراضی میان دهقانان و کارگران و برخی دلایل دیگر دولت ناچار است برای مدت کوتاهی سیاستی را در پیش گیرد که به منزله نوعی عقب نشینی موقت است و می توان آن را سرمایه داری دولتی نامید.

لنین می گفت مشکل کور دن ملیونها تولید کننده خرده پیکان ( دهقان ) در درون تعاونی ها و امر تولید سوسیالیستی کاری نیست که در یک آن صورت پذیرد.

لنین می گفت برای امر تولید سوسیالیستی به حمایت همه کارگران و دهقانان و به رشد سریع تکنولوژی و ایجاد صنایع سنگین نیازمندیم. از این رو لنین و دیگر رهبران حزب بلشویک " سیاست اقتصادی جدید" ( نپ ) را طرح کردند. مطابق این سیاست تولید دهقانان برای بازار زیر نظر حکومت شوروی تشویق و گسترش یافت تا با افزایش تولید، بخشی از آن به صورت مالیات به دولت شوروی تعلق می گرفت، سرمایه لازم برای تهیه برقی لازم و ماشین آلات کشاورزی و بطور کلی صنایع سنگین که زمینه گانیزی کردن کشاورزی را نیز فراهم می ساخت، تأمین شود و به علاوه زمینه کمبود شدید محصولات کشاورزی و نارضاضی های دهقانان و کارگری نیز از میان برداشته شود، لنین این سیاست اقتصادی جدید که تولیدات روستاییان را برای بازار تشویق می کرد، سرمایه داری دولتی نامید.

لنین این سرمایه داری دولتی را نوعی ویژه اعلام می کند که صرفاً برای تدارک اقتصادی اقتصاد سوسیالیستی لازم است. او می گوید:

این سرمایه داری دولتی با مفهوم عادی سرمایه داری مطابقت ندارد، ما کلیه مواضع حیاتی را در دست خود داریم زمین به دولت تعلق دارد. این کیفیت که زمین متعلق به دولت است فوق العاده مهم است و همچنین از نقطه نظر اقتصادی دارای اهمیت عملی فراوانی است. من قبلاً گفته ام که سرمایه داری دولتی ما با سرمایه داری دولتی به معنی تحت اللفظی آن دو دیدگاه متفاوت است زیرا در شوروی نه تنها زمین بلکه کلیه بخشهای مهم صنایع در دست دولت پرولتری است. ما قسمتی از صنایع کوچک و متوسط را اجاره داده ایم، با این حال بقیه صنایع در دست ما باقی مانده است.

### نیکارا گوله در آستانه پیروزی جنبش انقلابی خلق

## نقطه عطف در جنبش...

صادرات = ۷۰ تا ۸۰ درصد صادرات کشور محصولات کشاورزی است ( پنبه، قهوه، گوشت، شکر ) .  
نیروی کار = تقریباً نیمی از نیروی کار ( ۷۶۰۰۰۰ نفر ) را کشاورزان و ماهیگیران تشکیل می دهند و نیمی دیگر از نیروی کار در فعالیتهای صنعتی، ساختمانی، خدمات و غیره اشتغال دارند.

بیکاری = رقم رسمی بیکاری ۲۲٪ است و بیش از ۳۵ درصد از نیروی کار در روستاها از اشتغال کافی برخوردار نیست. توزیع درآمد = ۵٪ از ثروتمندترین افراد کشور، ۳۵ درصد کل درآمد ملی را بدست دارند و نصف جمعیت فقیر با درآمد متوسط ماهیانه حدود ۵۴۰ ریال تنها ۱۵٪ از درآمد ناخالص ملی را کسب می کنند.

مالکیت زمین = یک سوم زمینهای کشاورزی در تصاحب خانواده سوموز است و یک سوم در تصاحب ۳۶۲ مالک بزرگ بهداشت = ۲۶۰۰۰ خانوار دهقان مالک کمتر از ۶٪ اراضی هستند. بین افراد کمتر از ۱۴ ساله است. برای هر صد هزار نفر تنها ۶۸ بزرگ ۱۸۲ تخت بیمارستان وجود دارد که بطور عمده در شهرها متمرکزند.

آموزش = بیش از نصف مردم کشور ( ۷۰٪ روستائیان ) سواد

خواندن و نوشتن ندارند. خدمات = ۸۰٪ واحدهای مسکونی در ماناگوا ( پایتخت ) آب آشامیدنی است.

درباره سوموزا

هنگامی که سوموزا در ۱۹۳۶ با کودتای امریکائی قدرت را در نیکارا گوله بدست گرفت، تقریباً هیچ نداشت. اکنون آناستاسیو سوموزا، بوستگانش ثروت عظیمی دارند و از جمله مالک با سهامدار عمده شرکتها و کارخانه های بسیاری هستند که در زمینه های زیر فعالیت دارند

هواپیمائی، کشتیرانی، خدمات کشتیرانی، بنادر، هتلداری، روزنامه، تلویزیون، رادیو، ماهیگیری و دامداری و کشتارگاه، تصفیه شکر، کشت تنباکو، برنج و قهوه، صنایع ساختمانی، سیمان سازی، فلزکاری، نساجی، پشم شیشه شرکتیای بیمه، بانکداری، نمایندگی اتومبیل ( مرسدس بنز ) بسته بندی نمک، مواد مخدر و یک شرکت پردازنده صادرات خون خلق نیکارا گوله! به نام پلاسما فریشین که به آمریکا و اروپا خون صادرمی کند.

بقیه از صفحه ۱۰

تاریخچه جنبش کارگری جهان

تشکیل اولین حکومت

کارگری جهان (کمون پاریس)

قسمت سوم:

حمله ارتجاع و دفاع قهرمانانه از کمون

از سوی دولت پروسیا برای تسلیم پذیرفتن، بیسمارک بمنظور تکمیل ارتش ارتجاعی وی، حدود صد هزار نفر از سربازان ارتش ارتجاعی امپراطوری فرانسه را که اسیر ارتش پروسیا شده بودند، آزاد کرد. سرانجام زمانی که تیپ ارتش پاریس برای تسلیح شدن در پیاد برآورد، "من قانون به دست، و اردیاریس خواهم شد". روشن بود که منظور تیپ ارتزان سلاحه سرکوب مردم یعنی ارتش ضد خلقی بود که اکنون آن را برای قتل عام پرولتاریا و مردم پاریس آماده می کرد.

در دو شماره پیش، درباره اعتلا، حسیس، انقلابی در فرانسه، قسام کارگران پاریس و استقرار اولین حکومت کارگران (کمون پاریس) و اقداماتی که این دولت برای کارگران و زحمتکشان و تمام خلق فرانسه انجام داد، صحبت کردیم. در این شماره به حمله ارتجاع فرانسه به رهبری تیپ بر رئیس دولت سوزواری و دفاع قهرمانانه کارگران و زحمتکشان و سایر اقشار خلق از حکومت انقلابی شان می پردازیم.

دفاع قهرمانانه از کمون

طبقات استثمارگر حاضر نبودند به شکستش بدهند و به سادگی از منافع خود حتم بیروند. در اوایل آوریل دیگر تمام قشایم پراکنده در ایالات فرانسه به وسیله عوامل سوزواری سرکوب شده بود و سوزواری با خیال راحت مستوانست تمام نیروی خود را متوجه پاریس کند.

در این زمان ارتباط پاریس با سایر نقاط کشور قطع شده بود. این بدان معنی بود که طبقه کارگر در پاریس نمیتوانست با نژاد بکرین و مهمترین متحد خویش یعنی دهقانان ارتباط برقرار کند و اتحاد خود را با آنان عملی نکند. رهبران کمون برای این اتحاد اهمیت خاصی قائل بودند و چندین اعلامیه ای که در این زمان از طرف کمون خطاب به دهقانان صادر شده است نمائندگان این توجه و اهمیت است.

با وجود این به علت مفاصل در پاریس "کموناردها" در موقعیتی نبودند که بتوانند با عملی کردن این اتحاد از پشتیبانی دهقانان استفاده کنند. رهبران حزب ارتجاعی تیپ سر که به ورسای (نزدیک پاریس) پناه برده بودند، یک آن از توطئه حسیسهای حیاتکارانه شان در جهت بازگرداندن مداخلات زانمی استفاده کردند. اماتی پیر این رویه را بیگانه و نازمانی که خود را آماده حمله نکرده بود از همه حمله های سیاسی برای از بین بردن هوشماری انقلابی خلق و مخفی نگاهداشتن خط حمله خود استفاده کرد. وی سه دروغ اظهار می داشت:

۱- در هیچ شرایطی ارتش را برای حمله به پاریس گسیل نخواهم کرد. ۲- اما من محض اینکه بیسمارک، صدر اعظم پروسیا و الکساندر دوم، تزار روسیه قول دادند که به کمک وی خواهند ستافت، لحن تیپ را کاملاً تغییر نکرد. او در این موقع اعلام کرد که تنها در صورتی که کمون سلاحه راه زمین بگذارد "انعقاد صلح" با پروسیا امکان پذیر خواهد بود. به این ترتیب او برای حمله اش به پاریس زمینه سازی می کرد.

وقتی که تیپ بر تمامی شرایط پیشنهادی

تاریخ نشان داده است که مرتجعین همیشه سرکوب خلق را به نام اجرای قانون انجام داده اند. روز ۲۱ مه ضد انقلابیونی که در ورسای به توطئه جنبی نشسته بودند با کمک حاسوسانی که از قبل به شهر نفوذ کرده بودند، وارد شهر پاریس شدند. این آغاز نبردهای شدید "هفته خونین" بود که جهان را تکان داد. پرولتاریا و مردم قهرمان پاریس، در مقابل دشمنان طبقاتی شان یک لحظه ترس و تردید به خود راه ندادند. وقتی که خبر به دمپرووسکی انقلابی لهستانی و ژنرال کمون رسید، بلافاصله نیروهایش را به جبهه نبرد فرستاد و آنان را شخصاً به صف اول جبهه هدایت کرد و سرانجام جان خود را برای دفاع از کمون و در راه آزادی طبقه کارگر فدا کرد. دمپرووسکی در آخرین لحظات زندگی رفقای خود را با ایس حملات به نبرد تشویق کرد:

"به من فکر نکنید، مرا راه کنید، به جمهوری ببنیدید، جمهوری در خطر است."

طبقه کارگرو تمام مردم پاریس از زن و مرد، پیرو جوان بدون اینکه به مرگ ببنیدند برای دفاع از دولت انقلابی شان نبرد کردند. هر خیابان، هر کوچه و هر خانه به صورت دژهای نیرومند برای دفاع از کمون و نابود کردن دشمن درآمد بود. در این نبرد برابر تمام مردم پاریس از خود شجاعتی عظیم نشان دادند و مرگ راه جیزی نگرفتند. برای نمونه وقتی دشمن یکی از قایقهای توپدار کمون را در روی رودخانه "سن" هدف قرارداد، سرنشینان قایق که در خطر مرگ قرار داشتند، خود را تسلیم نکردند و با فریاد: "زنده باد کمون" فریاد کردند.

اگوست رولان یکی از مبارزان کار ملی کمون که قبلاً سه پسرش را به جنگ فرستاده بود، طی نامه ای از زمان پند ه ارتش کمون درخواست کرد که موافقت کنند که او آخرین فرزند ۱۶ ساله اش را نیز به جنگ بفرستد.

برادران دونان، ارنست ۱۴ ساله، فلیکس ۱۷ ساله بیش از یک ساعت در

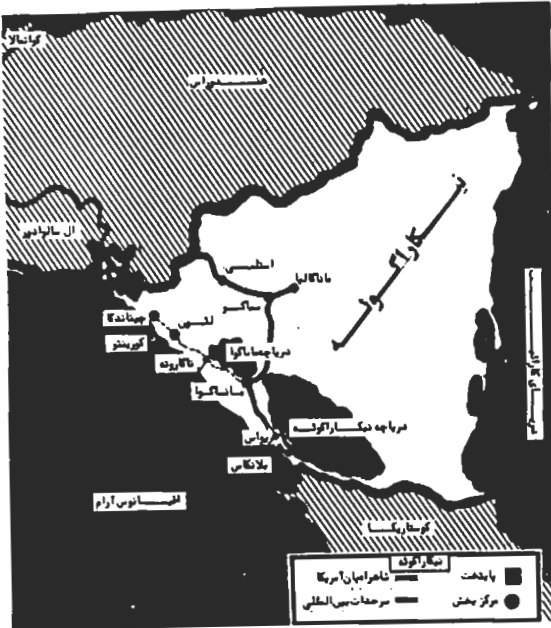
بقیه در صفحه ۱۱



اعدام کموناردها در پاریس سال ۱۸۷۱

جنبش انقلابی خلق نیکاراگوئه در آستانه پیروزی

نقطه عطف در جنبش خلق نیکاراگوئه و آغاز مجدد نبرد مسلحانه



سوموزاد گارسا "که با تشکیل "گارد ملی" پس از خروج نیروهای آمریکا، به توصیه سفیر ایالات متحده در راس "گارد ملی" قرار گرفته بود و پس از توطئه قتل "ساندینو" و تحکیم فرماندهی خود بر "گارد ملی" در سال ۱۹۳۶ با کودتا قدرت را به دست گرفته بود، تا سال ۱۹۵۶ حکومت را بطور مستقیم یا غیرمستقیم در دست داشت. در سپتامبر ۱۹۵۶، عمل انقلابی "ریگوبرتولویز" با هدایت گروه کوچکی از مبارزین میهن پرست، منجر به اعدام انقلابی "سوموزاد گارسا" (پدر آناتاسیوسوموزا) شد و این اعدام انقلابی، نقطه عطفی در تولد دوباره جنبش ساندینستا بود.

اوجگیری مبارزات، پس از این عمل انقلابی، صحبت استراتژی انقلاب مسلحانه خلق را که توسط "ساندینسو" ارائه شده بود، به ثبوت رساند. این عمل با در نظر گرفتن شرایط مشخص نیکاراگوئه در آن زمان، به دوره تاریخی افول و رکود مبارزه انقلابی خاتمه داد و اساس محکمی برای مرحله نوین رشد انقلابی خلق نیکاراگوئه پی ریزی کرد.

بحرانهای سیاسی که در اردیبهشت "سوموزا" در آستانه تعدیل دیکتاتوری در سال ۱۹۵۶ با آن مواجه شدند، به مبارزات توده ای وسعت بخشید. این مبارزات که بطور مردم اوم تا سال ۱۹۶۰ به طول انجامید، با بحرانهای اقتصادی حاصل از سقوط قیمت های قهوه و پنبه در سالها، به اوج خود رسید. این فعالیت های مجدد، شروع مرحله عظیمی از خروج انقلابی را آشکار ساخت و موجب بسیج کارگران، دهقانان دانشجویان، روشنفکران و بخشهای دیگر جامعه شد.

بعضی از ویژگی های نخستین مرحله اوج انقلاب توده ای ساندینستا ها از سال ۱۹۵۶ تا ۱۹۶۰ از این قرار است: ۱- آمادگی و تمایل عمومی خلق برای سازمان یافتن در یک مبارزه ضد دیکتاتوری. ۲- فقدان یک سازمان سیاسی- نظامی که بتواند نقش پیش آهنگ مبارزه را به عهده بگیرد. ۳- تجدید اراده خلق برای پایان بخشیدن به سلطه دیکتاتوری از طریق مبارزه مسلحانه. ۴- ناهماهنگی در حرکت جنبش های مسلحانه ای که بعضی از آنها به صورت هجوم از کشور های همسایه انجام می گرفت. ۵- رهبری انقلاب در پروسه شکل گرفتن سازمان دادن یک گروه انقلابی.

۶- اگر چه جنبش انقلابی پرچم ساندینو را برافراشت و بعضی از آینده های مارکسیستی را اشاعه داد، با این حال نتوانست به اندازه جنبش "ساندینو" آگاهی ضد امپریالیستی و طبقاتی به مردم بدهد. همچنانکه نتوانست اصول علمی جهان بینی پرولتاریا را به همان نسبت ترویج کند. نیمه دوم سالهای ۵۰هـ شرایط به وجود آمدن یک پیشاهنگ انقلابی قادر به رهبری مبارزه را به وجود آورد. پس از آنکه در سالهای ۱۹۶۰-۱۹۶۱ یک سازمان سیاسی- نظامی پیشاهنگ تشکیل شد، انقلاب توده ای ساندینستا به مرحله بالاتری از تکامل خویش دست یافت. این امر به جنبش امکان می داد که مبارزه ای را که از ۱۹۵۶ شروع شده بود، در سطح عالی تر و عمیقتری ادامه دهد. تشکیل جبهه رهائی بخش ملی ساندینستا، مهمترین واقعه تاریخی آن سالها، در تولد دوباره جنبش انقلابی بود.

در فاصله سالهای ۱۹۶۱ و ۱۹۶۷ جبهه ساندینستا گسترش یافت و از ۱۹۶۷ تا ۱۹۷۴ نفوذ سیاسی، اقتصادی و سازمانی خود را در میان خلق عمیقتر ساخت و در حوزه اصلی مبارزه یعنی کوهستانها تقویت گردید. در سال ۱۹۷۵ جریانهای مختلفی در "جبهه" به وجود آمد. از جمله جریانهای "جنگ مسلحانه توده ای، پرولتاریا" و "قیام کنندگان" این جریانها اگرچه اختلاف ایدئولوژیک دارند، ولی در سالهای اخیر برای شرکت در مبارزات توده ای به یکدیگر نزدیک شده اند و مشترکاً عمل می کنند. در جبهه ساندینستا گروههای مسیحی ضد دیکتاتوری - ضد امپریالیستی نیز وجود دارند. ولی رهبری در دست کونیستهای است که نیروی وسیعتری را در برمی گیرند.

از سازمانهای مترقی توده ای نیکاراگوئه می توان از "جنبش متحد خلق" که دربرگیرنده حدود ۲۲ سازمان و گروه کارگری دانشجویی است نام برد. جبهه ساندینستا از مبارزات این سازمان که نزدیک به یک سال قبل تشکیل شده، حمایت می کند. اخیراً "جبهه میهن پرستان" که دربرگیرنده جبهه ساندینستا و "جنبش متحد خلق" است تشکیل شده که می کوشد احزاب لیبرال و دموکرات را به سوی خود جذب کند. اکنون خلق نیکاراگوئه در سایه اتحاد کارگران و دهقانان و تحت رهبری جبهه ساندینستا در آستانه پیروزی بردارودسته سوموزا است و در راه ایجاد حکومت دمکراتیک انقلابی نوین، سوسیالیسم و جامعه انسان آزاد که "ساندینو" در آرزوی خود داشت، گام بر دارد.

آرمانهای جبهه آزادیبخش ساندینستا

جبهه ساندینستا آرمانهای خویش را برای انقلاب نیکاراگوئه، به شکل زیر ترسیم کرده است:

اولین مرحله انقلاب توده ای "ساندینستا" (۳۴-۱۹۲۶) توانست تضاد عمده خلق نیکاراگوئه را با تجاوز نظامی ایالات متحده به نفع خلق حل کند. و امپریالیسم برای حفظ کنترل خود بر نیکاراگوئه مجبور به تغییر تاکتیک هایش شد و برای تعدیل شکست نظامی اش به شیوه فشارهای غیرمستقیم سیاسی، اقتصادی، دیپلماتیک و نظامی توسل جست و سطره خود را پس از سال ۱۹۲۴ توسط طبقات مرتجع محلی بازیافت. ۴- دهه،

دیکتاتوری خانواده "سوموزا" به تسلط امپریالیسم ایالات متحده و به ستم و استثمار خلق نیکاراگوئه توسط سیستم سرمایه داری وابسته منجر گردید. جبهه آزادیبخش "ساندینستا" پروسه رهائی ملی را با درهم شکستن حلقه های سلطه امپریالیسم و پروسه رهائی اجتماعی را با درهم شکستن بوع ستم و استثمار طبقات مرتجع نیکاراگوئه مشخص می کند و این دو عهد تاریخی را با پیوستن تجزیه ناپذیر باحمات یک پیشاهنگ پولادین و پارامانی فلسفه مارکسیسم - لنینیسم، هم پیوند می داند. "جبهه"، مبارزه کنونی بر ضد استبداد و راهگشای یک دموکراسی حقیقی خلق (نه دموکراسی بورژوازی) همچون بخشی از مبارزه برای سوسیالیسم می داند و تاکید دارد که پروسه نباید به راه متوقف گردد و در مرحله دموکراتیک توده ای باید وسیله ای باشد برای آرمان "ساندینستا" جهت استحکام مواضع انقلابی و سازمانهای توده ای و آغاز پروسه نهایی به سوی سوسیالیسم. "جبهه" تاکید دارد که ضرورت مرحله انقلاب دموکراتیک توده ای، در پی شکست استبداد، نباید منجر به توسعه سرمایه داری سوسیالیستی رفیعیستی گردد. "جبهه" "ساندینستا" می نویسد: "آرمان ما، درمان کارگران و خلق میهن پرست ما زندگی کرده است و رشد می کند. این آرمان مقدس مارکس انگلس، لنین و ساندینو است."

برخورد با "گارد ملی" پس از پیروزی

جبهه ساندینستا در تشریح استراتژی و تاکتیک برای استقرار حکومت خلقی می نویسد: "درست است که گارد ملی در زمان انقلاب فتح خواهد شد با این حال ما باید به دنبال بهترین امکان در نابودی تشکیلاتی و معنوی مقامات آن باشیم. بهترین راه آن به عنوان یک نهاد اجتماعی حمله بریم تازمانی که کاملاً نابود شود. همبستگی انقلابی بین خلقهای ایران و نیکاراگوئه

جبهه آزادیبخش ساندینستا در کرمان مارکس مبارزات خونین و انقلابی مادر شهر پرور ماه سال گذشته پهم زیر را برای مردم ایران فرستاد که در سراسر جهان پخش شد.

پهم "جبهه ساندینستا برای رهائی ملی به همه رفقا

ورزندگان، به تمام نیروهای چپ و دمکرات مردم ایران

اطلاع از وقایع مبارزاتی اخیر ایران در خلق ما شور و شعف ایجاد کرد. این مبارزات نشانگر عزم راسخ خلق ایران در نبرد علیه ستم و سرکوبی برای دست یابی به آزادی است. این همان نبردی است که هم اکنون در نیکاراگوئه نیز جریان دارد و با آنکه هزاران کیلومتر از هم دوریم یکبار مشترکاً مبارزه می پیوندیم و در خلق ما راه هم نزدیک می کند. ما اکنون می کوشیم تعرض ارتش حکومتی را سد کرده و به ضربات متقابل دست زنیم. برای انجام پیروزی این نبرد طولانی به همبستگی همه خلقها از جمله خلق شجاع ایران نیازمندیم. پشتیبانی شما از ما با اهمیت است، زیرا که سوموزا دیکتاتور همانند شما از ستونهای امپریالیسم امریکاست.

و هم پیروزی ما از آن شمس است. زنده باد خلقهای ایران و نیکاراگوئه.

جبهه رهائی بخش ملی ساندینستا

۲۲ سپتامبر ۱۹۷۸ (۳۱ شهریور ۱۳۵۷)

خلقهای ایران پیروزی نزدیک خلق قهرمان نیکاراگوئه را تحت رهبری جبهه آزادیبخش ساندینستا آرزو مندند. درباره نیکاراگوئه

مساحت = ۱۴۷۹۰۰ کیلومتر مربع. جمعیت = حدود ۲/۵ میلیون نفر با ۳٪ رشد سالانه. تقریباً نیمی ساکن شهرها و نیمی روستا نشین. ۲۵٪ جمعیت کشور (۲۲۰۰۰۰ نفر) ساکن ماناگوا، پایتخت. بقیه در صفحه ۹

مهمترین راهتشل توده‌ها.....

سرتیپ فلاحی.....

سخت فرماندهی نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران منصوب گردید!!  
... نامبرده بعد از ۲۸ مرداد ۳۲ درصد شاهدوستان و بنام قرار گرفت و در دانشکده آلودانی مداح شاه و مقام شاهنشاهی شد. اوست که در تاریخ "تاهنشاهی" و مولف کتابی به همین نام است. او زمانی فرمانده اطاق جنگ و افسر عملیاتی اطاق جنگ بود.  
این افسر خوش سابقه، را به عملیاتی ایران و آمریکا در جنگ ویتنام برده است و بنا به آموزش و تربیتی که دیده است، افسر آموزش دهنده امرا و افسران عالیترتبه ارتش بود.  
او تئوریسم مبارزه با جنگ های پارتیزانی و یکی از صاحب نظران و طرفداران حملات جنگی علیه خلق ظفار است.  
فلاحی جزو بانده سرهنگ توکل - سرهنگ کوهر - و سرهنگ حسین زاده (معدوم) بود که نامبرده در جریان دستگیری باندها فقط ۵ روز بازداشت بود!

نامبرده قبل از انصاف به فرماندهی نیروی زمینی معاون تیب پیاده ششراژ و اداره کننده امور نیروهای مخصوص ارتش دادستانی کل جمهوری اسلامی ایران  
بسم تعالی  
برادر پیمان...  
به موجب این حکم به شما ما مورثیت داده می شود تا به اتفاق افراد مسلح خود نسبت به دستگیری آقای سرتیپ فلاحی اقدام و ایشان را به دادستانی کل انقلاب تحویل دهید.

دادستانی کل انقلاب جمهوری اسلامی ایران  
تاریخ ۱۳۵۸/۳/۲۰ شماره ۱۰۴۱  
آقای علام مرزا... پاسدار انقلاب  
به موجب این حکم به شما ما مورثیت داده می شود که به عاریت مابین شرعی و عرفی و قانونی و احترام و آسایش ساکنین و همسایگان آقای ولی فلاحی (سرتیپ) را به نشانی... حلق و مراتب اقدامات خود را رسماً و کتابت صورت جلسه نمود و بامتنهم تحویل این دادسرا دهید  
سپهران ۵۸/۳/۲۰

بقیه از صفحه ۱

(شیراز) بود. فلاحی از نزدیکان سرلشکر اویسی حنا بنیکار و دوست صمیمی فرمانده و معاون ضداطلاعات نیروی هوایی بوده است.  
ما بازم بر این اعتقاد خود که از دیرباز درباره "ارتش ضد خلقی" و محاکمه و مجازات فرماندهان مزدور آن اعلام داشته ایم، تاکید داریم و تکرار می کنیم!  
"مادام که ارتش ضد خلقی از پایه و بنیاد نابود نشود و ارتش نوین متشکل از نیروهای مبارز و رزمنده و پرستل انقلابی که در قیام خونین خلق شرکت کرده اند و بر علیه رژیم جنایتکار شاه مبارزه نمودند به وجود نیاید، هرگونه تلاش در جهت تقویت و ترمیم این ارتش که تا مفروض استخوان مزدور و ضد خلقی است، کمک انقلاب است."  
ما با تاکید قاطعانه بر اعتقاد خود همصدا با آنها که این اطلاعات را در اختیار ما قرار دادند می گوئیم:  
سرتیپ ولی فلاحی باید همانند سایر فرماندهان جنایتکار محاکمه و مجازات شود."

جمهوری اسلامی ایران  
سرتیپ ولی فلاحی  
مقام دادسرای انقلاب اسلامی شیراز

دادسرای انقلاب اسلامی ایران  
تاریخ ۱۳۵۸/۳/۲۰ شماره ۱۰۴۱  
آقای علام مرزا... پاسدار انقلاب  
به موجب این حکم به شما ما مورثیت داده می شود که به عاریت مابین شرعی و عرفی و قانونی و احترام و آسایش ساکنین و همسایگان آقای ولی فلاحی (سرتیپ) را به نشانی... حلق و مراتب اقدامات خود را رسماً و کتابت صورت جلسه نمود و بامتنهم تحویل این دادسرا دهید  
سپهران ۵۸/۳/۲۰

دستاوردهای انقلاب و پیشبرد آن تا قطع کامل سلطه امپریالیسم و یک دگرگونی اساسی در تمام زمینه های زندگی اقتصادی اجتماعی و سیاسی است و در سوی دیگر تلاشهای گسترده صدمات و نیروهای هراسناک از توده های مردم است که در پی کوشش در مواقع قدرت را پیش از پیش در دست خود متمرکز سازند، مردم را از شرکت در سرنوشت خود محروم کنند و سنگرهای را که مردم در حین انقلاب به دست آوردند باز پس گیرند. اگر در بگو تلاشهای ستاب آلود برای عقب راندن خلق در دست اجرائات، در سوی دیگر ایمان به دگرگونی، آرزوهای تحقق نیافته و تجارب مبارزه است که مردم را به مقابله برانگیخته است.  
مقابله بین این دونین در همه جا در سبزه ها و روستاها، در کارخانه ها، پادگانها، ادارات، دانشگاهها و غیره، خود را به اشکال مختلف نشان می دهد. در کارخانه ها کارگران تلاش می کنند که دست آوردهای انقلابی خود را حفظ کنند به خواسته های خود حمله عمل یوشانند انقلاب را ادامه دهند و با مبارزه ای آشتی ناپذیر دشمنان انقلاب را از کارخانه ها طرد کنند. اما سرمایه داران نر می گویند تا مواضع پیشین خود را به دست آورند، کارگران را به عقب نشینی وادار کنند و همانند گذشته تسلط بی چون و چرای خود را تأمین کنند. در روستاها نیز دهقانان با اقدامات انقلابی خود به مقابله با ضد انقلاب یعنی زمینداران بزرگ و مقامای فئودالها برخاسته اند و عناصر ضد انقلابی نیز با کمک ایادی و حامیان خود در حال توطئه جینی برای سرکوب دهقانان و دستاوردهای انقلابی آنها هستند.  
در میان همه نیروها این صف بندی به وضوح دیده می شود و مدام آشکارتر می گردد. هر چه این مقابله آشکارتر می شود، مسئله شکست با پیروزی قطعی انقلاب نیز روشن تر می شود.  
خلاصه در شرایط بحرانی کنونی زمینه های مناسبی هم برای ادامه انقلاب تا نتیجه نهایی و پایا زنگت قطعی ضد انقلاب هر دو فراهم است. آنچه که در این میان مهم است این است که اگر دسیسه های دشمنان انقلاب نتواند در

درمان همه نیروها این صف بندی به وضوح دیده می شود و مدام آشکارتر می گردد. هر چه این مقابله آشکارتر می شود، مسئله شکست با پیروزی قطعی انقلاب نیز روشن تر می شود.  
خلاصه در شرایط بحرانی کنونی زمینه های مناسبی هم برای ادامه انقلاب تا نتیجه نهایی و پایا زنگت قطعی ضد انقلاب هر دو فراهم است. آنچه که در این میان مهم است این است که اگر دسیسه های دشمنان انقلاب نتواند در

نقد از صفحه ۱

حیث منافع کارگران را بر دارند. در جهت ارتقاء سطح آگاهی کارگران و توسعه و ابعاد انقلاب مبارزه کند و رومی بر اساسی کارخانه ها ملی منسوب می شود. کند اداره آنها در دست کارگران باشد.  
مدیران اعتصابی نه به عهد و پیمان می توانست بود تا نقد کارگران باشد زیرا که غالباً آنها کسانی هستند که با درود خدمتکار رزم ساه و سرمایه داران و است بودند. بیرون زدن آنها از محیط کارخانه یک اقدام انقلابی منسوب می شود.  
شوراهای کارگری در آگاهی که صدور بر گرفته اند و کارخانه را تحت کنترل خود در آورده اند و جوی سوانائی خود را در امر کنترل و مدیریت کارخانه به دست داده اند. کسانی که می گویند ما باید ادامه ورشد شوراهای کارگری و دهفانی نبود به سبب اختلاف بود در کار آنها می کشند و مانع از رسیدن اعمال آنها می شود بلکه نموده بولدر احزاب مسل می کشند و مانع می شود مسئول و احسان را از بنده و جانی می شود.  
شوراهای دهفانی سرکد انکار وجود دهفانان شد آمده است و اداره امور روستا در روستاها از مضایق در دست گرفته اند تا با تمام نیرو عوفت شوند و در مناطقی که هنوز شورای دهفانی است وجود نیامده است در جهت احاد آنها تلاش نمود. این شوراهای که وظیفه خود را در افکار مضایق دهفانان ستمند و مبارزه بر علیه ضد انقلاب فراداده اند همین اکنون در باره های از مضایق اندام انقلابی خود را بر علیه زمینداران بزرگ، مقامای فئودالها و همه ضد انقلابیون آشکار کرده اند. زمین های این عناصر را جانی بر طبق اصل "زمین را آن کسی است که روی آن کاری کند" تصرف دهفانان تحت ستم در آمده است. این شوراهای دهفانی برای تومی خود باید دهکات و که در باره های از مناطق پس آمده است رابطه هر چه بر دگرگونی شوراهای دهفانی مناطق دگرگونی آگاهی کارگری برقرار سازند و از تجربه های یکدیگر استفاده کنند و در راه خود و اتحاد هر چه سرکارگران و دهفانان و در سبب مبارزه بر علیه دشمن مسترکان پس روند.  
شوراهای بر سبب انقلابی از پس نیز که جاری در حرم ضد انقلاب و مبارز کاران است، مانع از آن خواهد شد که از پس به شکل گذشته ابزار سرکوب حلقه های سپهر ما شد. بر سبب انقلابی از پس که همراه با حسن توده های مردم به مبارزه مبارزه بیوسه و در سبب دوسه و سه مردم جنگنده اند. دگرگونی خواهند داشت امرای مرتجع و سرسبز در ارتش و سپه های فرماندهی عدول کرد امروز بوسه و سبب بر سبب انقلابی آغاز شده است با فکر شورای از دهن آنها بیرون کنند. زیرا که به خوبی می دانید ارتش با وجود شوراهای بر سبب انقلابی نمی تواند سرکوب وسیع حلقه های سپهر را آغاز کند. بر سبب انقلابی سزایا با تمام نیرو در جهت اتحاد و تقویت شوراهای انقلابی مرکز سرکاران در حه داران، هافران و افسران حری انقلابی باشد، به نفع تمام نیروهای ضد انقلابی بپردازند و به نفع تمام راستی کننده در هر واحد و هر پادگان شوراهای با اداره امور را در دست داشته باشند و در جهت ارتقاء روحیه انقلابی و آگاهی سیاسی بر سبب انقلابی و دفاع از توده های مردم و دستاوردهای انقلاب بگویند.  
شوراهای کارمندان، دانشگاهی مدارس و دیگر شوراهای مردمی جز باید تقویت شود. این شوراهای غیر سبب موانعی که تاکنون سر راه آنها ایجاد کرده اند و به نفع تمام نیروهای مبارز سازندگان اکنون توانسته اند در راه سبب مبارزه بر علیه نیروهای ارتجاعی و ضد انقلابی گامهای مثبتی بردارند و محیط کار خود را از وجود باره های از عناصر ضد انقلابی پاک سازند. اما همسور نتوانسته اند آنگونه که سورا و افعا باشد اعمال حاکمیت کنند، وظیفه خود را انجام ندهند. با این وجود به علت بیگیری باره های از این شوراهای سبب انجام وظایف انقلابی خود هم اکنون زجر حملات شدید قرار گرفته اند و برای پاسخگوئی و مقابله با این حملات باید بیگیری و وظایف نروطاط انقلابی خود را انجام دهند.

این شرایط مبارزات حلقه های ایرانی سروه های انقلابی را منحرف سازد، ضد انقلاب که از تجربه های وسیع جهانی و داخلی برای سرکوب خلق های برخوردار است در خلق های سپهر ماملط خواهد شد و دستاوردهای را که مردم با مبارزه خونین خود به دست آورده اند بر سبب خواهد رفت. اما توده های مردم ساختار خلقی خویش چنانچه تحت رهبری درست قرار گیرند، توان آن را دارند که تا آخرین سنگرهای دشمن را در هر سبب بگویند و ضد انقلاب را به سرکوبی راکد بر سر آنها قرار گیرند، تارومار کنند. در این شرایط حساس که توده ها فاقد تشکل و سازماندهی لازم هستند، در این شرایط که وضعیت بحرانی بر جامعه حاکم است بهترین راه شکل توده ها و جلوگیری از انحراف و با توقف مبارزات نفوس و تحکیم شوراهای است که نمونه حلقه های مبارز خود مردم است. از این رو است که مسئله شوراهای همچنان در دستور روز قرار دارد. این شوراهای که در حین قیام از دل مبارزات مردم بیرون آمدند، به منابع گامیهای توده های هستند که می توانند در سطحی گسترده تر توده ها را متشکل ساخته و به مقابله با نیروهای ضد انقلابی، سازکار و ضد مردمی بخریزند. این شوراهای با دگان ها، ادارات و آموزشگاهها و خلاصه در هر جگه که توده های مردم هستند تشکیل شوند و آنجایی که احاد شده اند تقویت گردند. اما کدام شورا مورد نظر است؟ تنها شورایی پذیرفتنی است که از منافع توده ها دفاع کند، به راستی سنگی بر توده ها باشد، روشهای دگرگونی و وسع داران اعمال گردد، به ناطر بلکه تصمیم گیرنده باشد و فعالانه در امور مربوط به سرنوشت مردم مشارک داشته باشد. ما هم اکنون سادیم تعدادی از شوراهای در مناطق روستایی، در میان خلقها و تعدادی از کارخانه ها ادارای قدرت هستند و اتحادی اعمال حاکمیت می کنند. با بداین شوراهای نفوس کرد گسترش داد. اما بخصوص در کارخانه ها باید به مقابله با شوراهای بی رحامت که عناصر ارتجاعی می گویند آنها را از مسیر خود منحرف سازند و در نهایت تبدیل به یک سد یکای اخته شده کنند. طبیعی است که عناصر سازکار و منتزعل سر و سرمایه داران یعنی همه آنهاست که از قدرت گرفتن توده های مردم، از نیرو آن نام شورانها، در هراسند. آنها تلاش می کنند که شوراهای از مدخله در امور سیاسی و اعمال حاکمیت سازدارند در نهایت آنها را تبدیل به ارگانه های خلقی و بانعی سرسراه مبارزه طبقاتی و انقلابی توده های باشند.  
باید با تمام نیرو به افشای ماهیت این شوراهای و عناصر رهبری کننده آن پرداخت، توده ها را آگاه ساخت و دست به مبارزه ای جدی بر علیه آنها زد.

ما امروز شاهدیم که تحت تاثیر شرایط کنونی جامعه و وضعیت بحرانی مدام مبارزه ای حاد درون شوراهای کارخانه در جریان است و در تعدادی از کارخانه ها که به علت نبود سرمایه داران و حامیان آنها رهبری حده روز روزی شورای کارگری از مسیر خود منحرف شده بود، به توسط کارگران منحل شده است و یک شورای واقعی تحت رهبری آگاهترین و مبارزترین نمایندگان کارگران تشکیل شده است و کنترل کارخانه را در دست گرفته است. تنها یک چنین شورایی با قدرت انقلابی خود می تواند در راه منافع توده ها گام بردارد. تمام نیروهای ضد انقلاب و همه آنهاست که مانع بیشتر انقلابی تارومار کنند و آنها را از محیط کار و فعالیت خود پاک سازند.  
خلاصه برای اینکه انقلاب در نیمه راه متوقف نشود باید ضد انقلاب در همه جا در کارخانه ها، در روستاها، در ادارات، مدارس، دانشگاهها و غیره زیر ضربات بی امان قرار گیرد و قدرتی که از دل شوراهای بیرون آمده و اساساً متکی به توده ها باشد پدید آید.  
همه آنچه را که گفتیم بیان کننده نقش و اهمیت شوراهای در شرایط کنونی است.  
بنابراین شوراهای کارگری باید کنترل کارخانه ها را در دست گیرند، در

تشکیل اولین حکومت

همیشه به منابه طلایه دار جامعه نوین در خارظه ها خواهد ماند، خاطر سهره شهیدانش با عشق و احترام، در طلب بزرگ طبقه کارگر جاودانه خواهد بود.  
تاریخ از هم اکنون جلدان کمون را در قضا صا گاه ابدی به بند کشیده و همه دعاها و استغاثه های کیشانشان قادر به رها کردن آنها از بند نخواهد بود.  
در دومین روز "هفته خونین" "اوژن پوتیه" شاعر مردمی، با قلمی آکنده از عشق و کینه در یکی از حومه های پاریس و در حالیکه حانش در خطر بود شعری جاودانه سرود که بخش هایی از آن اندکی بعد در سراسر جهان به صورت "سرود انترناسیونال" انتشار یافت. بوبه این ترتیب برای بزرگداشت قهرمانان کمون پاریس بنای یاد بودی ساخت که هرگز ویران نخواهد شد.  
در شماره های آینده به بررسی درسها و تجربات برارزش کمون پاریس خواهیم پرداخت.  
در زیر بند اول سرود انترناسیونال را که در قاره جهان طنین افکن است می آوریم:  
برخیز ای داغ لعنت خورده برخیز دنیای فریبندگی جوشیده خاطر ما را بسزده به جنگ مرک و زندگی باید از ریشه براندازیم گنهد دنیای جوربند وانگه نوین جهانی سازیم هیچ بودگان، هر چیزی روز قطعی جسدال است آخرین رزم ما انترناسیونال است نجات انسانها

تاریخچه جنبش کارگری جهان

مقابل اتش توپخانه دشمن مقاومت کردند و پس همراه با واحد خود به دشمن حمله کردند و مومی شدند جنگل های خود را حفظ کنند. زمانی که برادر جوانتر قصد داشت برجم گردان خود را در بالای سنگر نصب کند، مورد اصابت گلوله قرار گرفت و شهید شد. برادر بزرگتر نیز که برای برداشتن برجم جلورفته بود به شهادت رسید، در حالی که پدرشان مصمم تر از همیشه تنگش را در دست می فشرد و برای گرفتن انتقام از دشمنان، با لغاتی کارگران و همه زحمتکاران و دام از کمون به سوی دشمن شلیک می کرد.  
وارلن یکی از بزرگان مشهور کمون پاریس و عضو "بین الملل اول کارگران" وقتی در یک درگیری خیابانی در محاصره دشمن افتاد، مردن را به تسلیم شدن ترجیح داد و قهرمانانه به شهادت رسید.  
روز ۲۷ مه، گروهی از کموناردها ( طرفداران کمون) در قبرستان پرلاشز در مقابل دشمنی که از لحاظ نفیسات ۱۰ برابر آنها بود، دلیرانه جنگیدند و حتی زمانی که مهاجمان تمام شد با سر نیزه به جنگ ادامه دادند. سرانجام بدون اینکه حتی یک نفرشان تسلیم شود، قهرمانانه در کنار دیوار قبرستان به شهادت رسیدند.  
پرولتاریای پاریس برای گرامیداشت خاطرهای قهرمانان جاوید، این دیوار را "دیوار کمونارها" نامگذاری کرد. این دیوار در شرق پاریس، همواره سمبل نیروی تزلزل ناپذیر پرولتاریاست.

سقوط کرد و پاریس به زیر نیم سوم ارتجاع افتاد. بورژوازی با برگرداندن سلطه ضد انقلابی دست به کار شد تا انتقام فجیعی از طبقه کارگر بگیرد. مرتجعین هزاران نفر را به گلوله بستند و تئوریست سیه برپاریس حکمفرما شد. بیش از ۱۰۰ هزار نفر تئوریست شدند. بازنده زند محکوم شدند و یاد برنده شهیدان رسیدند. این کارنامه بازگشت حکومت بورژوازی تی بر بود.  
اما خشونت و بی رحمی مرتجعین نمی توانست قهرمانان کمون پاریس این فرزندان طبقه کارگر فرانسه را به تسلیم وادارد. آنان مرگ را بر تسلیم شدن در مقابل دشمن طبقاتی ترجیح دادند.  
فرد عضو کمون با افتخار در مقابل قذات دادگاه ارتجاعی فریاد کرد "من عضو کمون در دست شما فاتحین اسپر هستم. گردنم را بزنید چرا معتلمید. انکار را بکنید. من هرگز برای نجات زندگیم تن به حقاقت نخواهم داد. من آزاد زیسته ام و می خواهم آزاد هم بمیرم."  
یکی دیگر از اعضای کمون، لوئیز میشل نیز با تمام کینه طبقاتی خود چنین فریاد زد:  
"من با تمام وجودم به انقلاب اجتماعی پیوسته ام و مسئولیت تمام اعمالم را به عهده می گیرم. به نظر می رسد هر قلمی که برای آزادی می تنید تنها نصیب چند گلوله سربی است. من نیز سهم خود را می خواهم. و اگر شمارم زنده بگذارد پیوسته در پی انتقام خواهم بود."  
مارکس، آموزگار پرولتاریای جهان در ۳۰ مه سال ۱۸۷۱ درباره کمون پاریس چنین نوشته: "پاریس کارگری و کمونش برای

همه مستشاران خارجی باید اخراج گردند

# مردم توطئه علیه سازمان مجاهدین خلق ایران را محکوم می کنند

انقلابی دوباره دامنه‌ای وسیع به خود گرفته است که نمونه‌های شرم آور آن را مردم ایران در قم، مشهد، نهران و دیگر نقاط ایران شاهد بوده‌اند. مردم آگاه و نیروهای انقلابی ضمن محکوم کردن همه دسیسه‌ها و توطئه‌هایی که دشمنان



شهد - جمعه ۱۶ تیرماه، جوانان با دادن شعار مرگ بر ارتجاع حلقه محاصره افراد کمیته را شکست و به طرف ساختمان جنبش ملی مجاهدین می روند تا به اعضا جنبش بپیوندند.

در شرایطی که ادامه مبارزات ضد امپریالیستی خلقهای ایران می توانستند به اخراج کامل امپریالیزم به ویژه امپریالیزم امریکا از ایران منجر شود، در شرایطی که ادامه مبارزات کارگران، دهقانان، زحمتکشان و نیروهای انقلابی ایران می تواند منافع امپریالیزم و صهیونیسم را نه تنها در ایران بلکه در خاورمیانه به خطر اندازد، دشمنان انقلاب هم روز توطئه جدیدی بر علیه نیروهای انقلابی تدارک می بینند تا بدینوسیله منافع امپریالیزم و صهیونیزم را محفوظ نگه دارند.

دشمنان انقلاب ایران مذبحخانه می کوشند با تهمت و افترا و عوام فریبی از حیثیت و اعتبار نیروهای مبارز و انقلابی بکاهند. دستگیری، شکنجه و تهمت و افترا به محمد رضا سعادت عضو سازمان مجاهدین خلق ایران که سابقه مبارزاتی او برای همه مردم روشن است و تهمت و افتراهای بی شرمانه نسبت به همه نیروهای انقلابی و بسیج عناصر ناگاه بر علیه نیروهای مبارز همگی اجزاء توطئه گسترده‌ای هستند که امپریالیزم و عوام‌اندازان بر علیه خلقهای ایران تدارک دیده‌اند. در روزهای حساس کنونی توطئه‌های این عناصر بر علیه نیروهای مبارز

# اعتصابات پالایشگاه آبادان همچنان ادامه دارد

کار کنند، کارگران اکنون به این نتیجه رسیده‌اند که در این دستگاه دولتی هیچ کس به فکر منافع کارگر نیست و آنان جز از طریق مبارزه ای بیگانه، قادر به دریافت حقوق حقه خویش نخواهند بود. کارگران شرکت رمینکو خواسته‌های خود را به شرح اعلام نمودند:

- ۱- بازگشت نماینده علی الیدن کارگران بر سر کار که از فروردین ماه ۵۸ اخراج شده است.
- ۲- خلع ید پیمانکار و قرار گرفتن کارگران زیر پوشش رسمی شرکت نفت.
- ۳- برقراری چهل ساعت کسارد هفتگی و تعطیل روز پنجشنبه.
- ۴- افزایش حق مسکن تا میزان ۱۲۰۰۰ ریال.
- ۵- افزایش حق خواروبار تا میزان ۲۵۰۰ ریال.
- ۶- افزایش حق ایاب و ذهاب از مبلغ روزانه ۱۰ ریال به میزان قابل قبول.
- ۷- تحدید نظر در میزان پرداخت حق بالاروی (حق ارتفاع).
- ۸- پرداخت حق کفالت‌نگاری محیط.
- ۹- پیاده کردن طرح طبقه بندی شاغل با معیارهای درست از زمان تصویب طرح تاکنون.

۱۸۰ نفر کارگران پیمانکاری صابری (قسمت کشتی‌سازی) از تاریخ شنبه دهم تیرماه ۲۸۰ نفر کارگران شرکت پیمانکاری رمینکو (تعمیرات داخلی پالایشگاه) از تاریخ دوشنبه یازدهم تیرماه دست از کار کشیدند. خلع ید پیمانکار و رفتن زیر پوشش رسمی شرکت نفت و استفاده از مزایای رسمی، اساسی ترین خواسته‌های کارگران است. آنان در گذشته بارها و بارها خواسته‌های خود را با مسئولین امر و پیمانکار مربوط مطرح کردند. طی این مدت علاوه بر اینکه به خواسته‌های آنان هیچ توجهی نشد، شرکت رمینکو بی شرمانه دست به اخراج چند تن از کارگران و نماینده علی الیدن آنها زد و تعدادی دیگر از کارگران را به میانه‌های مختلف تهدید و اراجاع می نمود. کارگران پالایشگاه آبادان با تظاهرات پر شور و مقاومت‌های دلیرانه انتظار داشتند که بعد از قیام تغییراتی در کار و زندگی‌شان به وجود آید و دست پیمانکاری که عمری با همکاری عمال رژیم سابق، به مکیدن خون کارگران مشغول بودند، از محیط کار قطع شده و کارگران مستقیماً زیر پوشش شرکت نفت

## استاندار فارس:

# اشکالی نمی بینم که دهات شما را بمباران کنیم

به خرج دهند، به عنوان ضدانقلاب آنان را به مقامات تحویل خواهیم داد و ضمناً تهدید کرده "به خاطر انقلاب اشکالی نمی بینم در اینکه قوای شما را با هواپیما بمباران نمائیم" سپس ایشان ضمن عرض اذیت به خوانین قشاقی روستائیان را از استانداری بیرون راند. عشایر فارس یکبار دیگر مواجه با توطئه‌هایی شده‌اند که از طریق مالکین و خوانین ضددهقانی فارس بر آنان اعمال شده است و با نقش مقامات دولتی را در حل مشکلات موجود در حمایت از مالکین و زمینداران دریافت‌اند که البته آن امری نوظهور نمی باشد.

در پی تحریکات و توطئه‌های عده‌ای از خوانین در فارس و بروز اختلافاتی بین عشایر قشاقی و باصری که منجر به قتل عده‌ای از روستائیان شد، اهالی روستاهای احمد آباد - نصر آباد - تخت جمن - حسین آباد - دردان - رضاییکی و دین محمدی ضمن تحمیل در استانداری فارس در تاریخ ۵ تیرماه حمایت‌اندازان را از روستائیان در مقابل تجاوزات خوانین خواستار شده و اعلام کرده‌اند در صورت تکرار این قبیل حوادث، استاندار دیگری مقامات دولتی مسئولیت عواقب وخیم آن را خواهند داشت. اما استاندار در جواب خواسته‌های خلق روستائیان گفت: چنانچه روستائیان در مورد درخواست‌هایتان

# روزنامه نگاران سر سپرده

## به توطئه ننگین خود ادامه میدهند

انقلابی و ضدانقلابی را مخدوش کنند و در ذهن توده‌های مردم این توهم را ایجاد کنند که میان نیروهای انقلابی و نیروهای ضدانقلابی با میان خلقهای فهرمای ایران و امپریالیزم امریکافرقی نیست یعنی درست همان روشهای ضد مردمی و نفرت انگیزی رادیکال می کنند که در گذشته دنبال می کردند. روشهایی که همیشه امپریالیزم امریکا و نوکرانش طراح آن بوده‌اند.

چندی است که دوباره روزنامه نگاران مزدوری که چهره‌های خیانتکارشان را سالهاست مردم ایران می شناسند، خیانتکاری را از سر گرفته و چون گذشته به انتشار محلات و روزنامه‌های آنجنانسی پرداخته‌اند.

این عناصر رحتی گاهی در ظاهر خود را بی طرف و بیاطرفدار کارگران، زحمتکشان و نیروهای انقلابی حامی زنند تا بهتر بتوانند دروغها، گزارشات و به اصطلاح تحلیل‌های خود را که جوهر آن خدمت به امپریالیزم و سرمایه داری وابسته به آن است به خورد مردم بدهند این عناصر شناخته شده بی‌شرمی را به آنجا رسانده اند که حتی از قسول اعصاب سازمان چریکهای فدائی خلق ایران نیز دروغ جعل می کنند و نیروهای انقلابی را منبع خیرها و گزارشاتی که به دستور امپریالیزم امریکا و عوام‌اندازان و تنها برای انحراف افکار عمومی مردم به چاپ می رسانند، معرفی می کنند. برای مثال در یکی از مجلات هفتگی که ماهیت گردانندگان آن بر مردم معلوم است نام نوکر سرسپرده امپریالیزم یعنی بختیار را در کنار نام سازمان چریکهای فدائی خلق ایران می گذارند و می گویند در ذهن مردم این توهم را ایجاد کنند که گو

سرپرستی این حیره حوران امپریالیزم بر کسی پوشیده نیست. اینها که در رژیم گذشته به دستور دربار، سفارت امریکا و سازمان امنیت از هیچ جنایتی در حق خلقهای محروم ایران دریغ نکردند، اینها که با انتشار اخبار بی‌شماره و تحریف واقع، همواره امپریالیست‌ها و دربار کثیف پهلوی را ناجی مردم قلمداد می کردند و نیروهای انقلابی را خرابکار و تروریست می نامیدند و هر روز نغمه جدیدی درباره حقانیت رژیم و گناهکاری نیروهای انقلابی و زحمتکشان سر می دادند. اینها که با چاپ اخبار و گزارشات انحرافی بی‌شماره می کوشیدند افکار مردم بی‌بویزه جوانان را از مبارزه با امپریالیزم منحرف ساخته آنها را به سوی کاباره، دانسینگ، قمارخانه و شیره کش خانه‌ها بکشاند. دوباره با گستاخی تمام به نابودی ثمرات انقلاب خلقهای ایران کمر بسته و درست مثل گذشته اخبار داغ و شایعات عوام‌فریبانه جعل می کنند و به خورد مردم می دهند. این چهره‌های شناخته شده جیره خوار، دوباره به دستور اربابان امپریالیست‌ها مذبحخانه به تحمیل بر مردم ستم‌دیده ایران کمر بسته‌اند و قبیل ازهرچیز می خواهند مرز میان نیروهای

## همافران پایگاه هوایی شیراز:

# مکرراً بخشنامه‌ها و دستوراتی صادر میشود که باعث آشوب و تفرقه میگردد

شوراهای واقعی و منتخب بر سئل می‌نوانند راه خودکامگی‌های بعضی از فرماندهان باشند لذا خواهان تشکیل شوراهای واقعی و دخالت دادن نظراتها در امور می باشیم. ۴- خواهان بازگشت همافرانی که به دلایل اعتراض و خواسته‌های صفتی و انسانی خود از کار برکنار شده‌اند می باشیم. ۵- چون برای تدوین اساسنامه و آئین نامه‌های پادگانی حشور نمایندگان همافران، در حشور و کارمندان در کنار افسران ستادی با نظارت و دخالت حقوقدانان و پروانگشای الزامی است خواستار دخالت دادن نمایندگان منتخب خود در تصمیم‌گیری‌ها هستیم. ۶- ضمن تازاریخ ۲۵ تیرماه جهت رسیدگی به فساد این قطعه همه روزه به مدت ۲ ساعت در باشگاه همافران گردهم جمع خواهیم شد و پس از آن در صورت عدم رسیدگی دست به تحصن خواهیم زد. همافران پایگاه هوایی شیراز

و سعی دارند در مقابل اعتراض به اعمال ضد مردمی شان ما همافران را به ملست ایران ضد انقلاب و کارشکن معرفی نمایند. لذا ما همافران پایگاه هوایی شیراز ضمن اعلام همبستگی مجدد با اهداف انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی بدینوسیله هرگونه اعمال ضدانقلابی و ضد مردمی را به شدت محکوم نموده خواسته‌های مشروع خود را به شرح زیر اعلام و تقاضای رسیدگی می‌نمائیم:

- ۱- خواهان رسیدگی و اقدام سریع به خواسته‌های ۹ ماده ای پیشنهاد شده کلیه همافران پایگاهها که قبلاً توسط نمایندگان به ستاد نیرو ارائه گردیده می باشیم.
- ۲- تاروشن شدن وضع خدمتی همافران تحت هیچ شرایطی حاضر به اجرای مقررات ضد مردمی که از ارتش طاغوتی به پادگار مانده است نبود و خواستار تغییر بنیادی و اساسی در آئین نامه‌ها، اساسنامه و مقررات پادگانی هستیم.
- ۳- چون اعتقاد داریم که تنها

... ما با همه نقشی که در بدست‌مان رساندن انقلاب داشتیم و از همان آغاز خواستار تغییرات بنیادی و اساسی در ارتش بوده ایم با صبری انقلابی در انجام ماموریت اداری و مردمی خود بودن هیچگونه اشکال تراشی کوشا بوده ایم. لذا از آغاز انحلال کشته‌های پادگانی و کوتاه کردن دست شوراهای نمایندگان در تصمیم‌گیری‌ها و از زمان روی کار آمدن عده‌ای که صلاحیتشان مورد تأیید بر سئل نیست و انتصابشان از روی ناچاری بوده است مکرراً بخشنامه‌ها و دستوراتی صادر می‌گردد که نتنها سازنده و مشکل‌گشا نیست بلکه باعث آشوب و تفرقه و تضعیف روحیه بر سئل مخصوصاً قشر همافر می‌گردد. آنهائیکه معلوم نیست در زمان انقلاب کجا بوده‌اند و اکنون در راس کارند می‌کوشند همان مقررات طاغوتی و گاهی بدتر از آن را به نیت بازگرداندن دسیله‌ها و انضباط در ارتش به پاره کنند و در صدد بازگرداندن فضای نفقان و ایجاد آشوب‌انداز تا به اصطلاح خودشان تفرقه بیندازند و حکومت کنند.

# چه کسانی بر علیه کارگران توطئه میکنند؟

نامۀ يك پاسدار انقلابی  
سازمان چریکهای فدائی خلق ... من پاسدار یکی از کمیته‌های تهران هستم. مسلمانم و ختم ... است. از انقلاب تا به امروز صادقانه و با ایمان پاسداری داده‌ام. ولی ناممستندن چیزهایی، تصمیم گرفته‌ام از کمیته بیرونی بیایم. چون با استاندار اقل و وحدانم آسوده خواهد شد. نمیدانم از کجا حرم را شروع کنم بهر حال دلم می‌خواهد حرف‌ها را در روزنامه "کار" هر طور که هست برای مردم و همه پاسداران بنویسم، چرا که خیلی‌ها هنوز نمی‌دانند در ملک داردم چه می‌گذرد. اول از تبلیغاتی که بر علیه زندانیان و مجاهدین، در کمیته‌ها (مخصوصاً کمیته سلطنت آباد) می‌کنند براتان می‌گویم. زیرا از هر چیزی برابم ناراحت کننده تر است. از عید در کمیته سلطنت آباد یک برنامه آموزشی برای بعضی از پاسداران کمیته‌ها گذاشته‌اند که در عمل هدفشان چیزی جز مبارزه با فدائیان و مجاهدین خلق نیست. در این آموزش‌ها از یک طرف پاسداران را از کمونیسم می‌ترسانند و از طرف دیگر فدائی و مجاهد را عامل شروری بینه در صفحه ۸

سازمان چریکهای فدائی خلقی ایران - شاخه تبریز طی اعلامیه‌ای پیرامون واقعه اخیر جلسه کارگسری سازمان در دانشکده پزشکی دانشگاه تبریز اعلام داشت: "سازمان چریکهای فدائی خلق ایران - تاخه تبریز بعد از قیام شکوهمند توده‌ها در جهت انجام وظایف انقلابی، برای بالا بردن آگاهی سیاسی، کارگران دهقانان و زحمتکشان دلیر میهن‌پر هفته جلساتی در دانشکده تبریز برگزار کرده و طی آن سعی نموده تا با همکاری کارگران آگاه دشمنان طبقاتی کارگران را به آنها شناساند و شیوه علمی مبارزه طبقاتی را به زبان ساده به آنها بیاموزد. روز جمعه ۱۵ تیر طبق معمول هفتگی جلسه کارگری سازمان چریکهای فدائی خلق ایران - شاخه تبریز - در ساعت ۵ بعد از ظهر با شرکت کارگران و زحمتکشان و دانشجویان به منظور تشریح مسائل کارگری تشکیل شد. حین اجرای برنامه عناصر اخلاک‌گرا و مرتجع بانقشه قبلی در صدد برهم زدن نظم جلسه برآمدند. آنها در خواست بیان نظریات خود از تریبون راداشتند که

# مرگ بر امپریالیسم جهانی بسرکردگی امریکا و وابستگانش